

کتاب مزامیر

مقدمه

کتاب مزامیر که به «زبور داود» نیز شهرت دارد، ۱۵۰ سرود و شعر دل‌انگیز زبان عبری را که روان و زیبا سروده شده‌اند در خود گنجانیده است. تعداد زیاد این مزامیر را داود و بقیه را نویسندگان مختلف در یک دوران طولانی سروده‌اند. در ابتدا قوم اسرائیل این مجموعه سرودها را در عبادات خود استفاده می‌کردند که بعداً بحیث کتاب جداگانه بنام مزامیر ضمیمه کتاب مقدس گردید.

این اشعار و سرودهای مذهبی که به سبک‌های مختلف ادبی سروده شده‌اند، خواست‌های عمیق درونی و احساسات خالصانه مختلف مردم را هم به شکل انفرادی و هم به شکل دسته‌جمعی در برابر خدا انعکاس می‌دهند. سرودهای حمد و نیایش، دعای استعانت، محافظت و رستگاری، دعا و التماس برای بخشایش، سرودهای شکرگزاری بخاطر برکات خدا و درخواست‌های مجازات برای دشمنان. مزامیر احساسات درونی انسان را در غم و شادی انعکاس می‌دهد. با خواندن مزامیر می‌فهمیم در هر روحیه و حالتی که باشیم می‌توانیم قلب خود را به حضور خداوند بگشائیم و به آزادی با خداوند خود راز و نیاز نمائیم.

عیسی مسیح نیز در تعلیمات خود از کتاب مزامیر استفاده کرده است و نویسندگان عهد جدید نیز از آن نقل قول کرده‌اند. بنابر این کتاب مزامیر به عنوان کتاب عبادت و پرستش در کلیسای مسیحی به کار برده می‌شود.

فهرست مندرجات:

کتاب مزامیر مجموعه پنج کتاب است که به شکل ذیل تقسیم شده است.

کتاب اول: مزمور ۱ - ۴۱

کتاب دوم: مزمور ۴۲ - ۷۲

کتاب سوم: مزمور ۷۳ - ۸۹

کتاب چهارم: مزمور ۹۰ - ۱۰۶

کتاب پنجم: مزمور ۱۰۷ - ۱۵۰

کتاب اول

(مزمور ۱ - ۴۱)

خوشبختی واقعی

۱ خوشا به حال کسی که به مشورت مردمان شریر نمی رود، در راه گناهکاران نمی ایستد و با مسخره کنندگان همنشین نمی شود،^۲ بلکه میل و رغبت او در شریعت خداوند است و شب و روز در آن تفکر می کند.^۳ او مثل درختی کاشته شده در کنار جویباری است که در هر موسم میوه خود را می دهد، برگهایش هرگز پژمرده نمی شوند و در همه کارهای خود موفق است.

۴ شیریان چنین نیستند، بلکه مانند کاه در اثر وزش باد به هر سو پراکنده می شوند.^۵ بنابراین شیریان در روز قیامت به سزای اعمال شان می رسند و گناهکاران در جمع درستکاران جا نخواهند داشت.^۶ زیرا خداوند طریق درستکاران را می داند، اما عاقبت گناهکاران هلاکت و نابودی است.

پادشاه برگزیده خدا

۲ چرا اقوام جهان شورش می‌کنند؟ چرا مردم افکار پوچ و باطل را در سر خود می‌پرورانند؟
۳ پادشاهان روی زمین قیام می‌کنند و حاکمان بر ضد خداوند و مسیح او مشورت می‌نمایند.
۴ آن‌ها می‌گویند: «بیائید زنجیر بندگی خداوند را بگسلانیم و از قید و بند او خود را آزاد سازیم.»

۵ خداوند که در آسمان بر تخت خود نشسته است، به آن‌ها می‌خندد و آن‌ها را مسخره می‌کند.
۶ آنگاه در خشم خود آن‌ها را سرزنش نموده و در غضب خویش آن‌ها را به وحشت می‌اندازد و می‌فرماید: «من پادشاه برگزیده خود را در کوه مقدس خود سهیون بر تخت نشانده‌ام.»

۷ پادشاه می‌گوید: «من فرمان خداوند را اعلام می‌کنم، زیرا به من گفته است: تو پسر من هستی امروز من پدر تو شده‌ام.^۸ از من درخواست کن و من همه اقوام جهان را به تو می‌بخشم و اختیار تمام جهان را به دست تو می‌دهم.^۹ تو با عصای آهنین بر آن‌ها حکمرانی نموده و مثل کوزه کوزه‌گران آن‌ها را خواهی شکست.»

۱۰ پس ای پادشاهان توجه کنید و ای حکمرانان روی زمین آگاه باشید.^{۱۱} با ترس و احترام خداوند را عبادت کنید و با لرز خوشی نمائید.^{۱۲} پسر را ببوسید مبادا غضبناک شود و شما در راههای خود هلاک شوید. زیرا غضب او ممکن است هر لحظه افروخته شود. خوشا به حال همه کسانی که بر او توکل دارند!

دعای صبحگاهان

(داود این مزمور را وقتی از دست پسرش ابشالوم گریخته بود سرآید.)

^۱ ای خداوند، دشمنانم چقدر زیاد شده‌اند! بسیاری بر ضد من برمی‌خیزند. ^۲ بسیاری دربارهٔ من می‌گویند: «خدا برای او رهاننده نیست.»

^۳ اما تو ای خداوند، گرداگرد من سپر هستی، جلال من و باعث سرافرازی من. ^۴ به آواز خود نزد خداوند فریاد می‌کنم و او مرا از کوه مقدس خود اجابت می‌کند.

^۵ اما من در بستر خود آرامیده به خواب می‌روم و دوباره بیدار می‌شوم، زیرا خداوند از من مراقبت می‌کند. ^۶ از دهها هزار دشمنی که مرا از هر طرف احاطه کرده‌اند ترسی ندارم.

^۷ ای خداوند، برخیز، ای خدا مرا نجات بده. بر رخسار همهٔ دشمنانم زده و دندانهای شیران را بشکن. ^۸ نجات از جانب خداوند است؛ برکت تو بر قوم برگزیده‌ات باد!

دعای شامگاه

(مزموری از داود)

^۱ ای خدای عدالت من، دعای مرا مستجاب فرما! در تنگی مرا وسعت بخشیدی. بر من رحمت نما و دعای مرا بشنو. ^۲ ای بنی آدم تا به کی جلال مرا بی‌حرمت خواهید کرد؟ تا به کی چیزهای باطل را دوست داشته و آنچه را که دروغ است می‌پذیرید؟ ^۳ اما این را بدانید که خداوند اشخاص صالح را برای خود انتخاب کرده است. وقتی بحضور او دعا می‌کنم، دعای مرا می‌شنود.

^۴ خشم، سبب گناه شما نشود. در دلها بر بسترهای خود تفکر کنید و خاموش باشید. ^۵ قربانی‌های عدالت را تقدیم کنید و بر خداوند توکل نمایید.

۶ بسیاری می‌گویند: «کیست که به ما احسان نماید؟» ای خداوند، نور چهرهٔ خویش را بر ما بتابان! ۷ شادمانی ای که در قلب من به وجود آورده‌ای، بیشتر از خوشی ای است که به هنگام برداشت محصول فراوان پدید می‌آید. ۸ به سلامتی در بستر خود می‌روم و می‌خوابم، زیرا فقط تو ای خداوند، مرا در امنیت نگه می‌داری.

دعای محافظت

(مزموری از داود)

۵ ای خداوند، سخنان مرا بشنو و به تفکر من توجه فرما! ۲ ای پادشاه و خدای من، به فریاد من گوش بده. زیرا به دربار تو دعا می‌کنم. ۳ ای خداوند، سحرگاهان آواز مرا می‌شنوی؛ هر صبح به دربار تو دعا می‌کنم و مشتاقانه انتظار می‌کشم.

۴ تو ای خدا، از گناه بیزار هستی و شرارت را تحمل نمی‌کنی. ۵ متکبران در پیشگاه تو نمی‌ایستند و از همهٔ شیرینان نفرت داری. ۶ دروغگویان را نابود می‌سازی و از مردم قاتل و فریبکار بیزار هستی.

۷ اما من بخاطر رحمت عظیم تو، به خانهٔ تو داخل می‌شوم و تو را در عبادتگاه مقدست با ترس و احترام عبادت می‌کنم. ۸ ای خداوند، به سبب دشمنانم مرا به عدالت خود هدایت نما و راه خود را پیش روی من راست گردان. ۹ زیرا در زبان ایشان راستی نیست و دل شان از شرارت پُر است. گلوی ایشان قبرگشاده و زبانهای شان پُر از ریا و فریب است. ۱۰ ای خدا، آن‌ها را گناهکار شمرده در دام خود شان گرفتار کن. بخاطر خطایای زیاد شان، آن‌ها را دور انداز زیرا بر ضد تو برخاسته‌اند.

۱۱ لیکن همه کسانی که به تو پناه می‌آورند شاد و مسرور بوده، تو را تا به ابد ستایش می‌کنند،

زیرا تو پناهگاه آن‌ها هستی و آنهایی که اسم تو را دوست دارند در تو خوشی می‌نمایند.^{۱۲} زیرا تو ای خداوند راستکاران را برکت می‌دهی و به رضامندی مانند سپر از آن‌ها دفاع می‌کنی.

دعا در هنگام پریشانی

(مزموری از داود)

۶ ای خداوند، در غضب خود مرا سرزنش مکن و در خشم خود مرا جزا نده.^۲ ای خداوند، بر من رحم کن زیرا که پژمرده شده‌ام. خداوندا، مرا شفا ده زیرا که استخوانهایم را درد فراگرفته است،^۳ روح من پریشان است. تا به کی ای خداوند، تا به کی؟

۴ ای خداوند، بیا و مرا برهان، به خاطر رحمت خود مرا نجات بده.^۵ زیرا که در موت ذکر تو نمی‌باشد! در قبر کیست که تو را ستایش کند؟

۶ از ناله خویشتن خسته شده‌ام. تمامی شب تخت خوابم غرق و بستم به اشکها تر است.^۷ چشمانم از شدت غم کم نور و از دست آزار دشمنان ضعیف شده‌اند.

۸ ای بدکاران از من دور شوید، زیرا خداوند آواز گریه مرا شنیده است.^۹ خداوند ناله و زاری مرا شنیده است. خداوند دعای مرا اجابت می‌نماید.^{۱۰} همه دشمنانم بشدت شرمند گردیده و با خجالت و سرافکندگی رانده می‌شوند.

دعای دادخواهی

(سرودی از داود)

۱ ای خداوند، خدای من! به تو پناه می‌آورم. مرا از همهٔ تعقیب‌کنندگانم نجات و رهایی ده. ۲ مبادا جان مرا مثل شیری دریده، پاره‌پاره کنند و نجات‌دهنده‌ای نباشد. ۳ ای خداوند، خدای من! اگر این را کرده باشم که در دست من ظلمی پیدا شده، ۴ یا خوبی را با بدی تلافی نموده و یا بی‌سبب مال دشمنانم را تاراج کرده باشم، ۵ آنگاه بگذار دشمن جان مرا تعقیب نموده، به دام بیندازد و زندگی‌ام را بر زمین پایمال کند و عزتم را با خاک یکسان نماید.

۶ ای خداوند در غضب خود برخیز، به سبب خشم دشمنانم بلند شده و برای من بیدار شو! ای که عدالت را امر فرموده‌ای. ۷ همهٔ قوم‌ها به حضورت جمع شوند و تو از بارگاه ملکوتی‌ات بر آن‌ها حکمرانی فرما. ۸ خداوندا، تو داور همهٔ قوم‌ها هستی. ای خداوند، مرا مطابق عدالتم و نظر به کمالی که در من است داوری کن. ۹ بدی شیران را از بین برده و عادل را پایدار گردان، زیرا خدای عادل آزماینده دل و قلبها است.

۱۰ سپر من خدا می‌باشد که راستدلان را نجات‌دهنده است. ۱۱ خداوند داور عادل است و خشم او بر شیران هر روزه آشکار می‌گردد. ۱۲ اگر کسی از گناه خود توبه نکند، خداوند شمشیر خود را تیز و کمان خود را آماده می‌سازد. ۱۳ سلاح‌کنندهٔ او مهیا و تیرهای آتشین او در کمان است.

۱۴ زیرا شخص بدکار منشأ شرارت بوده، از ظلم حامله می‌گردد و دروغ را تولید می‌کند. ۱۵ او حفره‌ای کنده و آنرا عمیق می‌سازد، اما چاهی را که برای دیگران می‌کند، خودش در آن می‌افتد. ۱۶ ظلم او بر سر خود او برگشته و ستم او بر فرق خودش فرود می‌آید.

۱۷ من از خداوند بخاطر عدالت او شکرگزارم و سرود ستایش را بنام خداوند متعال می‌خوانم.

جلال خداوند و افتخار انسان

(مزموری از داود)

۸ ای خداوند، خدای ما! چه پُرشکوه است نام تو در تمامی زمین و جلال تو مافوق آسمان‌ها است.^۲ حمد و ستایش را از زبان کودکان و اطفال شیرخوار به سبب دشمنان برقرار نمودی تا دشمن و انتقام‌گیرنده را خاموش گردانی.^۳ وقتی به آسمان تو می‌نگرم که صنعت انگشتهای توست و به ماه و ستارگانی که آفریده‌ای،^۴ پس انسان چیست که او را به یاد آوری و بنی آدم که از او دلجویی نمایی؟^۵ او را اندکی پائینتر از خود ساختی و تاج عزت و افتخار را بر سرش گذاشتی.^۶ او را بر کارهای دست خود منصوب کرده و همه چیز را زیر پای وی قرار دادی.^۷ گوسفندان و گاوان و حیوانات وحشی را،^۸ مرغان هوا و ماهیان دریا را و همه جانورانی که در آب زندگی می‌کنند.

۹ ای خداوند، خدای ما! چه پُرشکوه است نام تو در تمامی زمین!

سپاس از خداوند، بخاطر عدالتش

(مزموری از داود)

۹ خداوندا، با تمامی دل تو را ستایش نموده و جمیع کارهای شگفت‌انگیز تو را بیان می‌کنم.^۲ در تو خوشی و شادمانی نموده و نام تو را ای متعال می‌ستایم.^۳ وقتی دشمنانم عقب‌نشینی کنند، به زمین افتاده و از حضور تو هلاک می‌شوند.^۴ زیرا مرا با انصاف داوری کردی و چون داور عادل بر تخت خود نشسته‌ای.

۵ امت‌ها را سرزنش نمودی، شیریان را هلاک ساخته و نام شان را برای ابد محو کردی.

^۶ دشمنان نابود شدند و شهرهای شان خرابه‌های ابدی گردید که حتی یادی از آن‌ها باقی نماند.
^۷ اما خداوند پادشاه ابدی است. او مسند داوری خود را برقرار کرده است. ^۸ او جهان را با عدالت حکمرانی نموده و امت‌ها را با انصاف داوری می‌نماید.

^۹ خداوند قلعهٔ بلند برای مظلومان است و پناهگاه امن در هنگام سختی‌ها. ^{۱۰} آنانی که نام تو را می‌شناسند، به تو توکل می‌کنند، زیرا تو ای خداوند، کسانی را که جویای تو هستند ترک نکرده‌ای.

^{۱۱} سرود ستایش خداوند را که بر تخت خود در سهیون نشسته است بسرائید. کارهای او را به همه امت‌ها اعلام کنید. ^{۱۲} زیرا او که انتقام‌گیرندهٔ خون است، ایشان را به یاد آورده و فریاد مسکینان را فراموش نمی‌کند.

^{۱۳} ای خداوند، بر من رحم کن و به ظلمی که از دشمنان می‌بینم، توجه فرما. ای که رهانندهٔ من از چنگال مرگ هستی. ^{۱۴} تا من تو را ستایش کنم و در حضور دختر سهیون در نجات تو خوشی نمایم.

^{۱۵} امت‌ها در چاهی که برای دیگران کنده بودند، افتادند و در دامی که برای دیگران نشانده بودند خود شان گرفتار شدند. ^{۱۶} خداوند با قضاوت عادلانهٔ خود، خود را به جهان شناسانیده است. شخص شریر از کار دست خود در دام گرفتار می‌گردد.

^{۱۷} اشخاص شریر و همه اقوامی که خدا را فراموش می‌کنند، در راه هلاکت روانند. ^{۱۸} زیرا مسکین همیشه فراموش نشده و امید بیچارگان تا به ابد ضایع نمی‌گردد.

^{۱۹} برخیز ای خداوند، قوم‌ها را داوری کن تا انسان فانی پیروز نگردد. ^{۲۰} ای خداوند، ترس خود را بر ایشان چیره‌گردان تا امت‌ها بدانند که انسانهای فانی هستند.

دعای دادخواهی

۱۰ ای خداوند، چرا دور ایستاده‌ای و در اوقات سختی خود را پنهان می‌کنی؟^۲ تکبر شیران باعث رنج و آزار مسکینان می‌شود. پس آن‌ها را در دامهای خود شان گرفتار کن.^۳ زیرا افتخار شخص شیر، به دست آوردن خواسته‌های نفسانی اش می‌باشد و سپاسگزاری شخص حریص توهین به خداوند است.

۴ شخص شیر در غرور خود می‌گوید: «بازخواست نخواهد کرد.» همه فکرای او اینست که خدایی نیست.^۵ راههای او همیشه مستحکم است. داوری‌های تو مافوق تصور و دور از او است. همه دشمنان خود را به نظر حقارت می‌نگرد.^۶ او در دل خود می‌گوید: «هرگز لغزش نمی‌خورم و هیچ نوع بدی به من نمی‌رسد.»

۷ دهن او از لعنت و فریب و ظلم پُر است و از زبان او گناه و شرارت می‌بارد.^۸ در دهکده‌ها کمین می‌کند و مردم بیگناه را می‌کشد و چشمانش در جستجوی مسکینان است.^۹ در جای مخفی مثل شیر در بیشه خود کمین می‌کند؛ به جهت گرفتن مسکین کمین می‌کند و فقیر را به دام خود کشیده، گرفتار می‌سازد.^{۱۰} اشخاص بیچاره کوبیده و درمانده گردیده و مسکینان در اثر شکنجه زورآوران از بین می‌روند.^{۱۱} در دل خود می‌گوید: «خدا فراموش کرده است؛ روی خود را پوشانیده و هرگز نمی‌بیند.»

۱۲ ای خداوند برخیز! ای خدا دست خود را برافراز و مسکینان را فراموش مکن!^{۱۳} چرا شخص شیر به خدا توهین می‌کند و می‌گوید: «خدا بازخواست نمی‌کند»؟^{۱۴} خداوند، تو غم و مصیبت مردم را می‌بینی، تا به دست خود مکافات برسانی. مسکین سرنوشت خود را به تو تسلیم کرده است. مددگار یتیمان تو هستی.^{۱۵} بازوی گناهکار را بشکن و از شخص شیر بخاطر شرارتش بازخواست کن تا آن دیگر یافت نشود.

^{۱۶} خداوند پادشاه ابدی است. کسانی که خدایان دیگر را پرستش می‌کنند، از سرزمین او محو می‌شوند. ^{۱۷} ای خداوند تو دعاهای مسکینان را می‌شنوی، به آن‌ها قوت قلب داده و به فریاد و زاری آن‌ها گوش فرا گرفته‌ای. ^{۱۸} تو به داد یتیمان و ستمدیدگان می‌رسی. تا انسان خاکی موجب ترس و وحشت دیگران نشود.

اعتماد به خداوند

(مزموری از داود)

۱ | به خداوند توکل می‌دارم. چرا به من می‌گوئید: «مثل پرنده به کوهها فرار کن.» ^۲ زیرا شیران کمان را به دست گرفته و تیر را آماده کرده‌اند تا در تاریکی آن را به دل راستکاران بزنند. ^۳ وقتیکه پایه‌های نظم فروریزد، مرد درستکار چه می‌تواند بکند؟

^۴ خداوند در عبادتگاه مقدس خود است و تخت پادشاهی او در آسمان. چشمان او می‌نگرد و نگاههای او بنی آدم را می‌آزماید. ^۵ خداوند شخص عادل را مورد آزمایش قرار می‌دهد و اما از شیر و ظلم پرور نفرت دارد. ^۶ بر شیران باران آتش و گوگرد را می‌فرستد و بادهای زهرآلود حصه آن‌ها می‌شود. ^۷ زیرا خداوند عادل است و عدالت را دوست می‌دارد و راستکاران روی او را می‌بینند.

درخواست کمک در وقت مصیبت

(مزموری از داود)

۱ | ۲ | ای خداوند، مدد فرما! زیرا اشخاص خداشناس دیگر وجود ندارند و مردمان امین و صادق در بین بشر دیده نمی‌شوند. ^۲ همه به یکدیگر دروغ می‌گویند و با لبهای چاپلوس و دل

منافق سخن می‌رانند. ^۳ خداوند لبهای چاپلوس را قطع می‌کند و هر زبانِ متکبر را. ^۴ که می‌گویند: «با زبان خود موفق می‌شویم. هرچه بخواهیم می‌گوئیم و کیست که مانع ما شود؟»

^۵ خداوند می‌فرماید: «بخاطر ظلم بر مسکینان و ناله فقیران، برمی‌خیزم و نجاتی را که منتظر آن هستند به آن‌ها می‌دهم.»

^۶ سخنان خداوند، سخنان خالص و پاک‌اند؛ مانند نقره‌ای که هفت بار در کوره تصفیه شده باشد.

^۷ تو ای خداوند، آن‌ها را محافظت می‌کنی؛ از این نسل تا به ابد. ^۸ وقتی خیانت و پلیدی در بین مردم رایج می‌شود، شیران در هر گوشه و کنار دیده می‌شوند.

دعا برای نجات از شر دشمنان

(مزموری از داود)

۱۳ ای خداوند، تا به کی مرا همیشه فراموش می‌کنی؟ تا به کی رویت را از من می‌پوشانی؟
^۲ تا به کی افکارم مرا آزار دهند و دل من هر روزه از غم پُر باشد؟ تا به کی دشمنم بر من سربلندی کند؟

^۳ ای خداوند، خدای من! بر من رحم کن و دعایم را قبول فرما! چشمانم را روشن کن تا خواب مرگ مرا فرانگیرد. ^۴ مبادا دشمنم بگوید: «بر او پیروز شدم.» و مخالفانم از پریشانی ام شاد شوند.

^۵ اما من به رحمت تو توکل می‌دارم، دل من در نجات تو خوشی می‌کند. ^۶ برای خداوند سرود می‌خوانم، زیرا که به من احسان نموده است.

(مزموری از داود)

۱۴ ^۱ احمق در دل خود می‌گوید: «خدائی نیست.» اعمال شان فاسد و زشت است و حتی یک نفر نیکوکار نیست. ^۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم می‌نگرد تا ببیند که آیا شخص دانا و خداجوئی وجود دارد. ^۳ همه گمراه و فاسد شده‌اند. نیکوکاری نیست، حتی یک نفر هم نیست. ^۴ آیا همه این بدکاران شعور ندارند که قوم برگزیده خدا را مثل نان می‌خورند و نام خداوند را یاد نمی‌کنند؟

^۵ پس ترس بر ایشان چیره می‌گردد، زیرا خداوند در بین عادلان حضور دارد. ^۶ وقتی امید مسکینان را خوار بدانند، خداوند آن‌ها را در پناه خود می‌گیرد.

^۷ ای کاش خداوند برای نجات اسرائیل از سهیون بیاید. وقتی که خداوند اسیران قوم برگزیده خود را بازگرداند، یعقوب خوشی می‌کند و اسرائیل شادمان می‌شود.

اراده و رضای خدا

(مزموری از داود)

۱۵ ^۱ ای خداوند، چه کسی می‌تواند به عبادتگاه تو داخل شود؟ و کیست که بر کوه مقدس تو ساکن گردد؟ ^۲ آن کسی که بی عیب بوده، عدالت را بجا آورده و قلباً راستگو باشد. ^۳ که از غیبت خودداری نماید، به همسایه خود بدی نکند و بدگوئی در مورد اقارب خویش را قبول نکند. ^۴ کسی که معاشرت بدکاران را خوار، ولی اشخاص خدا ترس را محترم شمارد، به قول خود وفا کند اگرچه به زیانش تمام شود، ^۵ از سودخوری پرهیز نماید و از مردم رشوه نگیرد.

این چنین شخص تا به ابد مستحکم می باشد.

اطمینان در خداوند

(مزموری از داود)

۱۶ ای خداوند، مرا در پناه خود نگهدار، زیرا بر تو توکل دارم. ^۲ به خداوند گفتم: «تو خداوند من هستی، نیکویی من نیست غیر از تو.» ^۳ اما مقدسانی که در زمین اند و خاصان تو، تمامی خوشی من در ایشان است. ^۴ غم و اندوه آنهای که پیرو خدایان غیر هستند، زیاد می شود. من برای این خدایان قربانی نمی کنم و حتی نام شان را هم بزبان نمی آورم.

^۵ ای خداوند تو همه چیز من هستی. آنچه را که نیاز دارم به من اعطا کرده ای و آینده من در دستهای تو است. ^۶ آنچه به من بخشیده ای نیکوست و میراث من عالی. ^۷ خداوند را شکرگزارم، زیرا که مرا راهنمایی می کند. شب هنگام نیز وجدانم مرا هوشدار می دهد.

^۸ خداوند را همیشه پیش روی خود می بینم. چونکه در دست راست من است، لغزش نمی خورم. ^۹ از این رو دل من خوشی می کند و وجودم از شادمانی لبریز می گردد. بدنم نیز در امنیت ساکن می باشد. ^{۱۰} زیرا جانم را در عالم مرگ ترک نمی کنی و نمی گذاری که بنده برگزیده ات فساد را ببیند. ^{۱۱} تو راه زندگی را به من می آموزی. در حضور تو کمال خوشی است و در دست راست تو سرور ابدی.

دعای شخص عادل

۱۷ ای خداوند، فریاد عدالت خواهانه مرا بشنو و به دعای من که از دل بی‌ریا برمی‌آید، توجه فرما! ^۲ داوری من از حضور تو صادر شود، زیرا چشمان تو حقیقت را می‌بیند. ^۳ تو از دل من آگاهی و شب‌هنگام نزد من آمده‌ای. مرا کاملاً آزموده‌ای و خطایی در من نیافته‌ای، زیرا قصد کردم که هیچ بدی در سخنانم نباشد. ^۴ در اطاعت از کلام لبهای تو، خود را از اعمال زشت آدمیان و راههای ظالمان نگاه داشته‌ام. ^۵ قدم‌هایم در راه تو ثابت است، پس پاهایم نمی‌لغزند.

۶ ای خدا، من تو را می‌خوانم زیرا که مرا اجابت می‌نمائی. پس به من گوش بده و دعای مرا بشنو. ^۷ رحمت خود را بنمایان. ای که با دست راست خود، آنهای را که به تو توکل دارند، از شر دشمنان می‌رهانی. ^۸ مرا مثل مردمک چشم حفظ کن و در زیر سایه بالهای خود پناهم ده. ^۹ از دست شیرانی که نابودی مرا می‌خواهند و از دشمنان جانم که مرا احاطه کرده‌اند. ^{۱۰} این سنگدلان با زبان خویش سخنان تکبرآمیز می‌گویند. ^{۱۱} به هر جایی که می‌روم تعقیب می‌کنند و در نظر دارند که مرا پایمال کنند. ^{۱۲} مثل شیری که هوس دریدن دارد و مانند شیربچه‌ای که در بییشه خود در کمین است.

۱۳ ای خداوند برخیز و در مقابل شیر قرار گرفته و او را از پای درآور و جانم را با شمشیر خود نجات ده. ^{۱۴} ای خداوند مرا با دست خویش از اهل جهان که هدف شان در زندگی فقط اندوختن مال و دارائی است برهان. آنهایی که شکم خود را از نعمت‌های تو پُر ساخته و از اولاد سیر شده‌اند و برای آن‌ها مال و ثروت می‌اندوزند.

۱۵ و اما من روی تو را در عدالت می‌بینم، و چون بیدار می‌شوم از دیدار تو سیر می‌گردم.

مزموری از داود که پس از رهایی از دست شائول و تمام دشمنانش آنرا (سرائید)

(همچنین در دوم سموئیل ۱:۲۲ - ۵۱)

۱۸ ای خداوند، ای قوّت من! تو را محبت می‌نمایم.^۲ خداوند صخره من است و پناهگاه و نجات‌دهنده من. خدایم صخره من است که به او پناه می‌برم. او سپر من و رهاننده نیرومند و پناهگاه امن من است.^۳ خداوند را که شایسته ستایش است، می‌خوانم. پس، از دشمنانم رهایی می‌یابم.

۴ رشته‌های مرگ مرا احاطه کرده و امواج نیستی مرا ترسانیده بود.^۵ رشته‌های گور بدورم پیچیده شده و دامهای مرگ در سر راهم قرار داشت.^۶ در افسردگی و پریشانی خود خداوند را خواندم و نزد خدای خود فریاد برآوردم. او آواز مرا از عبادتگاه مقدس خود شنید و فریاد من به حضورش به گوش وی رسید.

۷ آنگاه از خشم او زمین تکان خورده و لرزان گردید. کوهها لرزیدند و اساس آنها متزلزل شد.^۸ از بینی او دود برآمد و از دهانش شعله سوزنده فروزان شد و آتش‌ها از آن افروخته گردید.^۹ آسمان را پاره کرد و فرود آمد و زیر پاهایش تاریکی غلیظی بود.^{۱۰} بر کروب، یعنی فرشته مقرب، سوار بود و بر بالهای تندباد پرواز می‌کرد.^{۱۱} تاریکی را همچو پرده و خیمه‌ای بدور خود قرار داد. مثل تاریکی آب‌های عمیق و ابرهای غلیظ آسمان.^{۱۲} درخشندگی حضور او، ابرهای تیره را شکافت و ژاله و شعله‌های آتش پدید آورد.^{۱۳} آنگاه خداوند از آسمان با صدای رعد آسا سخن گفت و آواز خداوند متعال از میان ژاله و شعله‌های آتش شنیده شد.^{۱۴} پس تیرهای خود را فرستاد و ایشان را پراکنده ساخت و با رعد و برق آنها را پریشان کرد.^{۱۵} آنگاه به امر تو ای

خداوند و با دمیدن نَفَس تو، اعماق بحرها نمایان شدند و اساس زمین آشکار گردید.

^{۱۶} آنگاه از عالم بالا فرستاده، مرا برداشت و از اعماق آب‌های بسیار بیرون کشید. ^{۱۷} او مرا از دست دشمنان زورآورم رهایی داد و از بدخواهانی که قویتر از من بودند. ^{۱۸} در روز بلای من بر سرم ریختند، اما خداوند پشتیان من بود. ^{۱۹} او مرا به جای وسیع آورد و نجات داد، زیرا که از من خوشنود بود.

^{۲۰} خداوند مرا مطابق عدالتم اجر داد و بر حسب پاکی دستم پاداش داد. ^{۲۱} زیرا که طریق‌های خداوند را پیروی نموده و از حضور او منحرف نگردیدم. ^{۲۲} جمیع اوامر او را مدنظر داشته و فرایض او را از خود دور نکرده‌ام، ^{۲۳} در حضور او بی‌عیب بوده‌ام و از گناه خودداری کرده‌ام، ^{۲۴} بنابراین خداوند مرا مطابق عدالتم و بر حسب پاکی دستم پاداش داده است.

^{۲۵} به اشخاص وفادار، وفادار هستی و به مردم کامل، کامل. ^{۲۶} با کسانی که پاک هستند به پاکی رفتار می‌نمائی. با آنهایی که مکار هستند با مکر معامله می‌کنی. ^{۲۷} زیرا مردم مظلوم را نجات می‌بخشی و اشخاص متکبر را سرنگون می‌کنی. ^{۲۸} خداوندا، چراغ مرا برافروز. ای خداوند، خدای من، تو راه تاریک مرا روشن می‌کنی. ^{۲۹} با کمک تو بر صفوف دشمن حمله می‌کنم و با خدای خود از حصارها می‌گذرم.

^{۳۰} راه خدا کامل است و کلام او قابل اطمینان. او برای کسانی که به او پناه می‌آورند، سپر است. ^{۳۱} زیرا کیست خدا غیر از یهوه؟ و کیست صخره‌ای غیر از خدای ما؟ ^{۳۲} خدایی که مرا قوت می‌بخشد و راههای مرا راست می‌گرداند. ^{۳۳} پاهای مرا مثل پاهای آهو چُست و چالاک ساخته است و بر کوهها استوارم نگاه می‌دارد. ^{۳۴} دستهایم را برای جنگ ماهر می‌سازد تا بازوانم بتوانند از کمان برنجی کار بگیرند. ^{۳۵} تو به من سپر نجات را بخشیدی. دست توانای تو حمایتم کرد و مهربانی تو مرا وسعت بخشیده است. ^{۳۶} راه را برای قدم‌هایم فراخ کردی تا نلغزم.

^{۳۷} دشمنانم را تعقیب نموده، به آنها رسیدم و تا که آنها را از بین نبردم برنگشتم. ^{۳۸} آنها را

بزمین کوبیدم تا نتوانند برخیزند و زیر پاهایم افتادند.^{۳۹} زیرا تو مرا برای جنگ قوت بخشیدی و دشمنانم را بزیر پاهایم افگندی.^{۴۰} دشمنانم را مجبور کردی که عقب‌نشینی کنند و از من فرار نمایند و من خصمانم را نابود کردم.^{۴۱} آن‌ها برای کمک زاری نمودند، اما رهاننده نبود. بحضور خداوند استغاثه کردند، اما او هم به آن‌ها جوابی نداد.^{۴۲} ایشان را مثل غبار به دست باد سپردم و مثل گل و لای کوچه‌ها دور ریختم.^{۴۳} در جنگها پیروزم کرده، حکمفرمای ملتها ساختی و قومی را که نشناخته بودم، خدمتگار من شدند.^{۴۴} به مجردیکه نام مرا شنیدند تابع من گردیدند و در برابر من سر تعظیم خم کردند.^{۴۵} بیگانگان جرأت خود را باخته، با ترس و لرز از قلعه‌های خود بیرون آمدند.

^{۴۶} خداوند زنده است! متبارک باد صخره من و متعال باد خدای نجات من! ^{۴۷} خدائی که انتقام مرا از دشمنان می‌گیرد و ملل جهان را به دست من مغلوب می‌سازد.^{۴۸} او مرا از دست دشمنان رهایی بخشید، پیش بدخواهان سرفرازم ساخت و از مردم ظالم نجاتم داد.^{۴۹} بنابراین ای خداوند، تو را در میان مردم ستایش کرده و به نام تو سرود سپاسگزاری می‌خوانم.^{۵۰} او پادشاه خود را به پیروزی شایانی نایل می‌سازد و به برگزیده خود رحمت نموده است، یعنی به داود و نسل‌های او تا به ابد.

جلال خدا در آفرینش

(مزموری از داود)

۱۹ آسمان جلال خدا را آشکار می‌سازد و فضای بیکران صنعت دستهای او را بیان می‌کند.^۲ روز سخن می‌راند تا روز و شب معرفت خدا را بیان می‌کند تا شب.^۳ بدون سخنی، بدون یک کلمه حرف و در عالم سکوت،^۴ پیام‌شان به تمام روی زمین می‌رسد و آواز‌شان از دورترین نقطه دنیا شنیده می‌شود.^۵ خدا برای آفتاب خیمه‌ای در آسمان برپا کرده است، او مثل

دامادی است که از حُجَلهٔ خود بیرون می‌آید و مانند قهرمانی که بی‌صبرانه منتظر مسابقه می‌باشد.
از یک سوی آسمان به سوی دیگر می‌خرامد، و هیچ چیز از حرارت او پنهان نمی‌ماند.

احکام خداوند

^۷ شریعت خداوند کامل است و جان را تازه می‌سازد. شهادت خداوند قابل اطمینان است و ساده‌دلان را حکمت می‌بخشد. ^۸ فرایض خداوند راست است و دلها را شاد می‌کند. امر خداوند پاک است و چشم را روشن می‌کند. ^۹ ترس خداوند نیکوست و برقرار تا به ابد. احکام خداوند حق و کاملاً عادلانه است. ^{۱۰} مرغوبتر از طلا و زر خالص زیاد، شیرینتر از شهد و عسل خالص. ^{۱۱} بندهٔ تو از آنها با معرفت می‌شود و پیروی از آنها پاداش بسیار دارد.

^{۱۲} کیست که از سهوهای خود آگاه باشد؟ مرا از خطاهای مخفی‌ام پاک ساز. ^{۱۳} همچنین مرا از گناهان عمدی و غرور بازدار که بر من مسلط نشوند، آنگاه بی‌عیب و دور از شرگناه خواهم بود. ^{۱۴} سخنان زبانم و تفکر دلم مورد پسند تو باشد. ای خداوند که پناهگاه من و نجات‌دهندهٔ من هستی!

دعای پیروزی

(مزموری از داود)

^۱ ^{۲۰} خداوند تو را در روز سختی مستجاب کند و نام خدای یعقوب تو را سرافراز نماید. ^۲ خداوند از بارگاه مقدس خود به تو کمک فرماید و از سهیون به دادت برسد. ^۳ تمام هدیه‌های تو را بیاد آورد و قربانی‌های سوختنی تو را قبول کند. ^۴ خداوند آرزوهای قلبی‌ات را برآورده سازد و در نقشه‌هایی که داری موفقیت گرداند.

^۵ آنگاه بخاطر پیروزی‌هایت فریاد خوشی را برمی‌آوریم و بنام خدای خود عَلم خویش را برمی‌افرازیم. خداوند تمام دعاهايت را قبول فرماید! ^۶ حالا یقین دارم که خداوند برگزیده خود را معاونت می‌کند و از جایگاه مقدس خود او را اجابت نموده و با قدرت بازوی خود به پیروزی‌های بزرگی نایل می‌گرداند. ^۷ بعضی به عراده‌های جنگی خود می‌بالند و برخی به اسپ‌های خویش، اما ما نام خداوند، خدای خود را یاد می‌کنیم. ^۸ آن‌ها می‌لغزند و می‌افتند، ولی ما برخاسته و ایستاده‌ایم.

^۹ ای خداوند، پادشاهت را پیروز گردان، و وقتی از تو کمک می‌خواهیم، ما را مستجاب فرما.

سپاسگزاری برای پیروزی

(مزموری از داود)

۱ ۲ ای خداوند، پادشاه از قوتی که به او داده‌ای شادمانی می‌کند و از پیروزی‌های که به او بخشیده‌ای بسیار خوشحال است. ^۲ آرزوهای دل او را به وی بخشیدی و حاجات او را که به زبان آورد رد نکردی. ^۳ زیرا با برکات نیکو او را ملاقات کردی و تاجی از طلای ناب را بر سرش نهادی. ^۴ زندگی را از تو خواست و آنرا به وی دادی و عمر طولانی را تا به ابد. ^۵ با کمک تو به عزت و شکوه رسید. شهرت و مقام را نصیب او کردی. ^۶ برکات ابدی را به او ارزانی فرمودی. حضور تو دل او را پُر از خوشی ساخته است. ^۷ زیرا پادشاه به خداوند اعتماد دارد و بخاطر رحمت خداوند متعال پایدار می‌ماند.

^۸ دست تو همه دشمنانت را خواهد زد و دست راست تو کسانی را که از تو نفرت دارند. ^۹ وقتی ظاهر می‌شوی، در آتش سوزان حضور تو می‌سوزند و شعله خشم تو ای خداوند آن‌ها را می‌بلعد و آتش ایشان را نابود می‌سازد. ^{۱۰} اولاده‌شان را از روی زمین محو می‌سازی و نسل ایشان را از میان بنی‌آدم. ^{۱۱} آن‌ها قصد بدی در مقابل تو داشته و دسیسه‌ها می‌سجند، ولی نمی‌توانند انجام

دهند.^{۱۲} زیرا تو آن‌ها را هدف تیر خود قرار می‌دهی و آن‌ها برمی‌گردند و فرار می‌کنند.^{۱۳} ای خداوند متعال، بخاطر قدرتت تو را ستایش می‌کنیم و عظمت تو را می‌سزایم.

فریاد غم و سرود ستایش

(مزموری از داود)

۲۲ ای خدای من، ای خدای من! چرا مرا ترک کرده‌ای؟ چرا از نجات من و از فریادم دور هستی؟^۲ ای خدای من، در روز دعا می‌کنم و مرا اجابت نمی‌کنی. در شب نیز می‌نالم و آرامش ندارم.^۳ اما تو مقدس هستی، ای که بر تخت پادشاهی خود نشسته و بنی اسرائیل تو را ستایش می‌کنند.^۴ پدران ما بر تو توکل داشتند، بر تو توکل کردند و آن‌ها را نجات بخشیدی.^۵ بحضور تو فریاد برآوردند و رهایی یافتند. بر تو توکل داشتند و خجل نشدند.

۶ در نظر مردم مثل یک کرم هستم نه انسان. ننگ آدمیان هستم و نزد قوم خود خوار و حقیر.^۷ هر که مرا می‌بیند ریشخند می‌کند. با لبهای خود به من طعنه زده، سر خود را می‌جنبانند و می‌گویند:^۸ «بر خداوند توکل کند تا او را نجات دهد. او را رهایی دهد چونکه به وی رغبت دارد.»^۹ اما تو بودی که مرا از رَحِم مادر بدنیا آوردی و در آغوش او به من اطمینان بخشیدی.^{۱۰} من از رَحِم متعلق به تو بوده و از شکم مادرم خدای من تو هستی.^{۱۱} پس از من جدا مشو، زیرا تنگی فرارسیده است و کسی نیست که به من کمک کند.^{۱۲} دشمنان همچون گاوهای قوی سرزمین باشان دور مرا گرفته و احاطه‌ام کرده‌اند.^{۱۳} دهان خود را بر من مثل شیرهای درنده و غُران باز کرده‌اند.^{۱۴} نیروی من از بین رفته است و تمام استخوانهایم از هم جدا شده و دلم مانند موم در صندوق سینه‌ام آب گردیده است.^{۱۵} گلویم مثل سفال خشک شده، زبانم به کام من چسپیده است و تو مرا بر روی خاک در حال مرگ گذاشته‌ای.^{۱۶} دشمنان مثل سگها دور مرا گرفته و گروه شیریر دستها و پاهای مرا سوراخ کرده‌اند.^{۱۷} همه استخوانهای خود را می‌شمارم.

دشمنان به من چشم دوخته و می‌نگرند.^{۱۸} رخت مرا بین خود تقسیم می‌کنند و برای لباس من قرعه می‌اندازند.

^{۱۹} اما تو ای خداوند از من دور مباش. ای مددگارم به یاری من شتاب کن.^{۲۰} جانم را از شمشیر نجات ده و یگانه مرا از چنگ این سگها برهان.^{۲۱} مرا از دهان شیر نجات ده و از میان شاخهای گاوان وحشی برهان.^{۲۲} نام ترا به برادران خود اعلام کرده و در میان جماعت تو را ستایش می‌کنم.

^{۲۳} ای ترسندگان خداوند، او را سپاس گوئید. ای فرزندان یعقوب، او را تمجید نمائید و ای بنی اسرائیل، از وی بترسید و او را گرامی دارید.^{۲۴} زیرا رنج رنجدیدگان را نادیده نگرفت و روی خود را از آنها نپوشید، بلکه چون بحضور او فریاد برآوردند، دعای شان را اجابت فرمود.^{۲۵} در حضور جماعت بزرگی ترا خواهم ستود و در برابر آنهایی که ترا می‌پرستند، وعده‌های خود را ادا می‌کنم.^{۲۶} فقرا غذا خورده سیر خواهند شد، و جویندگان خداوند او را ستایش خواهند کرد، و شما تا به ابد زنده دل خواهید بود.^{۲۷} تمام اقوام جهان بحضور خداوند بازگشت نموده و از هر گوشه جهان خواهند آمد و او را پرستش خواهند کرد.^{۲۸} زیرا سلطنت از آن خداوند است و او بر همه اقوام حکومت می‌کند.^{۲۹} توانگران زمین سیر گشته و سجده خواهند کرد و انسانهای فانی در برابر او تواضع می‌نمایند، یعنی آنهایی که قادر به زنده ساختن جان خود نیستند.^{۳۰} نسل آینده او را عبادت کرده و درباره خداوند به نسلهای بعدی خبر خواهد داد.^{۳۱} ایشان آمده و عدالت او را به قومی که متولد می‌شود بیان خواهند کرد که خداوند قوم برگزیده خود را نجات داده است.

خداوند چوپان من است

(مزموری از داود)

۲۳ خداوند چوپان من است. محتاج به هیچ چیز نخواهم بود.^۲ مرا در علفچرهای سرسبز

قرار می دهد. نزد چشمه های راحت راهنمائی ام می کند.^۳ به من روح تازه می بخشد و به خاطر نام خود به راههای عدالت هدایت می نماید.^۴ حتی هنگام عبور از دره تاریک مرگ از بدی نمی ترسم، زیرا تو همراه من می باشی. عصا و چوب دستی تو مرا تسلی می دهد.^۵ در حضور دشمنانم سفره ای برایم تهیه نموده، سر مرا به روغن تدهین می نمائی و پیمانها را لبریز می کنی.^۶ یقیناً احسان و رحمت تو تمام روزهای عمرم با من می باشد و در خانه خداوند تا به ابد ساکن خواهم بود.

پادشاه با عظمت

(مزموری از داود)

۲۴ زمین و همه چیزی که در آن است به خداوند تعلق دارد. او مالک جهان و همه موجودات آن است.^۲ زیرا که او اساس زمین را بر بحرهای نهاد و آنرا بر دریاها استوار کرد.^۳ کیست که به کوه خداوند بالا رود؟ و کیست که به جایگاه مقدس او داخل شود؟^۴ آن کسی که دستش به گناه آلوده نشده دل پاک داشته باشد. آن کسی که بت پرستی نمی کند و قسم دروغ نمی خورد.^۵ آن شخص برکت را از خداوند دریافت می کند و عدالت را از خدای نجات خود.^۶ این است کسی که جویای خداوند می باشد، جویای روی تو ای خدای یعقوب.

۷ ای دروازه ها باز شوید! ای درهای ابدی بگشائید، تا پادشاه جلال داخل شود.^۸ این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند قادر متعال است که در جنگها شکست نمی خورد.^۹ ای دروازه ها باز شوید! ای درهای ابدی بگشائید، تا پادشاه جلال داخل شود.^{۱۰} این پادشاه جلال کیست؟ او خداوند قادر مطلق و همان پادشاه جلال است!

۲۵ ای خداوند، به سوی تو جان خود را برمی افرازم.^۲ ای خدای من به تو توکل دارم. پس مگذار که شرمنده شوم و دشمنانم بر من سرافرازی کنند.^۳ بلی، کسانی که چشم امید بسوی تو دارند هرگز خجل نمی شوند، اما آنهایی که خیانت می کنند شرمنده و سرافگنده می گردند.^۴ ای خداوند، طریق های خود را به من بیاموز و راههای خود را به من تعلیم ده.^۵ مرا به راستی خود هدایت کن و تعلیم ده، زیرا تو خدا و نجات دهنده من هستی. چشم امید من همیشه بسوی توست.^۶ ای خداوند، شفقت و رحمت خود را بیاد آور، زیرا که آنها از ازل بوده است.^۷ خطایای جوانی و سرکشی هایم را بیاد نیاور. ای خداوند مطابق رحمت و نیکویی خویش مرا یاد کن.^۸ خداوند نیک و عادل است، پس به گناهکاران راه راست را می آموزد.^۹ فروتنان را به انصاف رهبری می کند و به حلیمان طریق خود را تعلیم می دهد.^{۱۰} همه راههای خداوند، برای آنهایی که به پیمان و احکام او وفادار هستند، رحمت و راستی است.

۱۱ ای خداوند به خاطر نام خود، گناهان زیاد مرا ببخش.^{۱۲} کیست آن شخصی که از خداوند می ترسد؟ خداوند او را در طریقی که اختیار کرده است هدایت می کند.^{۱۳} جان او از نیکویی خدا برخوردار می گردد و اولاده او وارث زمین می شوند.^{۱۴} راز خداوند با ترسندگان او است و پیمان او به ایشان تعلیم داده می شود.^{۱۵} چشمان من همیشه به سوی خداوند است زیرا که او پاهای مرا از دام رهایی می دهد.^{۱۶} به من توجه فرما و رحم کن، زیرا که تنها و درمانده ام.^{۱۷} غمهای دلم زیاد شده است، مرا از سختی هایم نجات ده.^{۱۸} بر بینوایی و رنج من توجه فرما و همه گناهانم را بیامرز.^{۱۹} دشمنانم را ببین زیرا که بسیارند و به کینه تلخ از من نفرت دارند.^{۲۰} جانم را حفظ کن و مرا نجات ده تا شرمنده نشوم، زیرا به تو توکل دارم.^{۲۱} صداقت و راستی حافظ من باشد، زیرا که چشم امید به تو دارم.^{۲۲} ای خداوند، اسرائیل را از جمیع سختی های وی برهان.

دعای شخص عادل

(مزموری از داود)

۲۶^۱ ای خداوند، به داد من برس، زیرا در صداقت رفتار می‌کنم و به تو توکل دارم، پس نخواهم لغزید.^۲ ای خداوند، مرا امتحان کن و بیازما. قلب و وجدانم را پاکیزه گردان.^۳ زیرا که رحمت تو را در نظر داشته و در راستی تو رفتار می‌کنم.^۴ با اشخاص بد همنشین نیستم و با ریاکاران آمیزش ندارم.^۵ از مشارکت با شیران متنفرم و با اشخاص فاسد معاشرت نمی‌کنم.^۶ دستهای خود را از گناه پاک نموده و قربانگاه تو را طواف می‌کنم.^۷ با آواز بلند سرود حمد تو را می‌خوانم و خبر کارهای بزرگ تو را به همه جا اعلام می‌دارم.

^۸ ای خداوند، مکان مقدس تو را دوست می‌دارم و جایگاهی را که جلال تو در آنجا است.^۹ جانم را یکجا با گناهکاران درو نکن و نه زندگی مرا با مردمان خونریز.^{۱۰} زیرا که در دستهای ایشان آزار است و دست راست ایشان پُر از رشوه.^{۱۱} اما من در صداقت رفتار می‌کنم. مرا نجات ده و بر من رحم فرما.^{۱۲} پاهای من در جای هموار قرار گرفته است، پس خداوند را در اجتماع مقدسین متبارک می‌خوانم.

سرود اطمینان

(مزموری از داود)

۲۷^۱ خداوند نور و نجات من است، از کی بترسم؟ خداوند پناهگاه جان من است، از کی هراسان باشم؟^۲ وقتی شیران به من نزدیک شوند تا مرا نابود سازند، یعنی بدخواهان و دشمنانم، ایشان می‌لغزند و می‌افتند.^۳ اگر لشکری به من حمله کند، دلم نمی‌ترسد و اگر برای جنگ بیایند، آنگاه نیز بر خداوند اطمینان می‌دارم.^۴ یک چیز از خداوند می‌خواهم و آنرا

می طلبم، که تمام ایام عمرم در خانه خداوند ساکن باشم تا از دیدار جمال او همیشه برخوردار باشم و در عبادتگاه او تفکر نمایم.^۵ زیرا در هنگام سختی‌ها مرا در سایبان خود پنهان و در عبادتگاه خود مخفی می‌کند و بر فراز صخره‌ای قرار می‌دهد.^۶ بر دشمنانی که اطرافم را احاطه کرده‌اند سرافراز می‌شوم. با فریاد خوشی در عبادتگاه او قربانی تقدیم می‌کنم و برای خداوند سرود ستایش می‌خوانم.

^۷ ای خداوند، فریاد مرا بشنو و رحمت فرموده، دعای مرا اجابت کن.^۸ تو فرموده‌ای: «روی مرا بطلبید.» بلی ای خداوند، روی تو را می‌طلبم.^۹ روی خود را از من مپوشان و بر من خشمگین مباش. تو مددگار من بوده‌ای. ای خدای نجات من، مرا رد مکن و ترک منما.^{۱۰} حتی اگر پدر و مادرم ترکم کنند، خداوند مرا ترک نخواهد کرد.^{۱۱} ای خداوند، طریق خود را به من بیاموز و بخاطر دشمنانم مرا به راه راست هدایت فرما.^{۱۲} مرا به دست دشمنانم نسپار، زیرا که شاهدین دروغ و آنهایی که سرچشمه ظلم هستند، برضد من برخاسته‌اند.^{۱۳} به یقین می‌دانم که نیکویی خداوند را در دیار زندگان می‌بینم.^{۱۴} برای خداوند منتظر باش، دلیر شو و دلت را تقویت خواهد داد. بلی، منتظر خداوند باش.

درخواست کمک

(مزموری از داود)

۲۸ ای خداوند، نزد تو فریاد برمی‌آورم. ای صخره من، خاموش مباش، مبادا اگر خاموش باشی، مثل آنانی گردم که به گور می‌روند.^۲ آواز التماس مرا بشنو وقتی که به درگاه تو زاری می‌کنم و دست دعا را بسوی جایگاه مقدست برمی‌افرازم.^۳ مرا با شیران و بدکاران هلاک نساز که با همسایگان خود سخن صلح‌آمیز می‌گویند ولی آزار و اذیت در دل ایشان است.^۴ با آن‌ها موافق کردار و اعمال زشت شان رفتار نموده و مطابق عمل دست ایشان آن‌ها را مجازات کن. بدی

ایشان را به خود شان برگردان.^۵ چون آن‌ها به کارهای خداوند و صنعت دست وی اهمیت نمی‌دهند، ایشان را ویران ساخته و اعمار نخواهی کرد.

^۶ خداوند متبارک باد زیرا که آواز التماس مرا شنیده است.^۷ خداوند قوّت من و سپر من است. از جان و دل به او توکل کردم و مدد یافتم. پس دلم از خوشی ذوق می‌زند و با سرود خود او را ستایش می‌کنم.^۸ خداوند قوّت قوم خود است و برای برگزیده خویشتن قلعه نجات.^۹ قوم برگزیده‌ات را نجات ده و میراث خود را مبارک فرما. ایشان را چوپانی کن و تا به ابد مورد توجه خود قرار ده.

هیبت صدای خداوند

(مزموری از داود)

۲۹ ای موجودات آسمانی، خداوند را ستایش کنید. جلال و قوّت را برای خداوند توصیف نمائید.^۲ خداوند را به جلال اسم او تمجید نمائید. خداوند را در شایستگی قدوسیت سجده کنید.

^۳ آواز خداوند از ورای آبها شنیده می‌شود. آواز خدای جلال رعدآسا است. صدای خداوند مافوق آب‌های بسیار است.^۴ آواز خداوند با قوّت است. صدای خداوند با هیبت و با شکوه است.^۵ آواز خداوند سروهای آزاد را می‌شکند. خداوند سروهای آزاد لبنان را می‌شکند.^۶ خداوند کوه لبنان را مثل گوساله می‌جهاند و کوه حرمون را مثل گاویچه وحشی.^۷ آواز خداوند رعد و برق را تولید می‌کند.^۸ آواز خداوند بیابان را به لرزه می‌آورد و صحرای قادش را متزلزل می‌کند.^۹ آواز خداوند درختان بلوط را تکان می‌دهد و جنگلها را بی‌برگ می‌سازد. در عبادتگاه خداوند همگی جلال او را توصیف می‌نمایند.

^{۱۰} خداوند بر فراز سیلاب جلوس فرموده و به عنوان پادشاه ابدی سلطنت می‌کند. ^{۱۱} خداوند قوم خود را قوت می‌بخشد. خداوند قوم برگزیده خود را به صلح و سلامتی برکت می‌دهد.

دعای شکرانگی

(مزموری از داود، سرود در وقت تقدیس عبادتگاه)

^{۱۳} ای خداوند به تو سپاس می‌گویم، زیرا که تو مرا نجات بخشیدی و نگذاشتی دشمنانم بر من ظفر یابند. ^۲ ای خداوند، خدای من، بدربار تو برای کمک زاری کردم و تو مرا شفا دادی. ^۳ ای خداوند، مرا از لب گور کشیدی و نجات دادی. مرا زنده ساختی تا هلاک نگردم.

^۴ ای مقدسان خداوند، او را ستایش کنید و با شکرگزاری قدوسیت او را ذکر نمایید. ^۵ زیرا که غضب او لحظه‌ای است، اما در لطف او حیات. خوشی صبحگاهان جایگزین گریه شامگاهان می‌گردد. ^۶ اما من در آسودگی و آرامی خود گفتم: «تا به ابد لغزش نمی‌خورم.»

^۷ ای خداوند، از لطف خود مرا مثل کوهی ثابت و پابرجا ساختی، اما وقتی رویت را از من پنهان کردی ترسان و پریشان شدم. ^۸ ای خداوند، در پیشگاه تو فریاد برمی‌آورم. نزد خداوند التماس کرده گفتم: ^۹ «از مرگ و رفتن من به گور چه فایده‌ای دارد؟ آیا جسد خاک شده می‌تواند تو را ستایش کند و راستی و وفاداری تو را بیان کند؟» ^{۱۰} ای خداوند، دعایم را بشنو و بر من رحم کن. ای خداوند مددگار من باش. ^{۱۱} «تو غم و ماتم مرا به رقص خوشی تبدیل نمودی. تو رخت سوگواری را از من دور کرده و لباس خوشی به من پوشاندی. ^{۱۲} پس با تمام وجود برای تو سرود می‌خوانم و سکوت نخواهم کرد. ای خداوند، خدای من، تو را تا به ابد ستایش می‌کنم.»

دعای توکل به خداوند

(مزموری از داود)

۱۳۱ ای خداوند، به تو توکل دارم، پس نگذار سرافکنده شوم تا به ابد. در عدالت خویش مرا نجات بده. ^۲ به دعای من گوش فراداده و هرچه زودتر مرا رهایی ده. پناهگاهی مطمئن و قلعه‌ای استوار برای من باش و مرا برهان. ^۳ زیرا صخره و قلعه من تو هستی. به خاطر نام خود راهنمای من باش و هدایتم فرما. ^۴ مرا از دامی که در خفا برایم گسترده‌اند برهان. ^۵ زیرا تو پناهگاه من هستی. روح خود را به دست تو می‌سپارم. ای خداوند، خدای حق، تو خونبهای مرا مهیا نموده‌ای. ^۶ آنانی که اعتمادشان به بت است، مورد نفرت قرار می‌گیرند، اما من به خداوند توکل دارم. ^۷ برای رحمت تو بسیار خوشی کرده و شادمانم. زیرا تو رنج مرا دیده و دلتنگی‌هایم را شناخته‌ای. ^۸ مرا به دست دشمن اسیر نساختی و قدم‌های مرا وسعت بخشیدی.

^۹ ای خداوند، بر من رحم کن، زیرا در تنگنا و سختی هستم. چشمانم از غصه کم‌بین شده‌اند و جان و بدنم نیز بیتاب. ^{۱۰} عمرم در غم گذشت و سالهای زندگی را با ناله طی کردم. در اثر گناه، نیرو و توان من کاهش یافته و استخوانهایم بدرد آمده‌اند. ^{۱۱} نزد همه دشمنانم رسوا شده‌ام، حتی پیش همسایگانم. آشنایانم از من می‌ترسند و آنهایی که مرا در کوچه و بازار می‌بینند فرار می‌کنند. ^{۱۲} مثل مُرده‌ای از خاطره‌ها فراموش شده و مانند ظرف شکسته‌ای از نظر افتاده‌ام. ^{۱۳} تهمت‌های زیادی می‌شنوم و ترس و وحشت دورادور من است، زیرا دشمنان برایم دسیسه می‌سازند و نقشه کشتنم را می‌کشند.

^{۱۴} اما من به تو ای خداوند توکل دارم و می‌گویم: «تو خدای من هستی.» ^{۱۵} وقت‌های من در دست تو است، پس مرا از دست دشمنان و کسانی که به من جفا می‌رسانند رهایی ده. ^{۱۶} نور چهره خود را بر بنده‌ات بتابان و مرا به رحمت خود نجات ده. ^{۱۷} ای خداوند، نگذار شرمنده شوم، زیرا نام تو را خوانده‌ام. بگذار شیرین‌ان خجل شوند و در گور خاموش گردند. ^{۱۸} زبان

شخص دروغگو گنگ شود که با خشونت، گردن‌فرازی و سخنان زشت، عادلان را تحقیر می‌نمایند.^{۱۹} چه عظیم است نیکویی تو که برای خداترسان ذخیره کرده‌ای و آنرا پیش چشم همه بر کسانی که به تو توکل دارند، آشکار ساخته‌ای.^{۲۰} آن‌ها را در پناه حضور خود، از مکر و حیلۀ مردم حفظ می‌کنی و ایشان را در خیمه‌ای حمایت خود از زخم زبانها در امان می‌داری.^{۲۱} متبارک باد خداوند که رحمت شگفت‌انگیز خود را به من، در شهر محاصره شده‌ای، ظاهر ساخت.^{۲۲} من در سرگردانی خود گفتم که از نظر خداوند افتاده‌ام، اما وقتی نزد تو فریاد برآوردم، آواز التماس مرا شنیدی.

^{۲۳} ای مقدسانِ خداوند، او را دوست بدانید، زیرا خداوند اشخاص وفادار و امین را در پناه خویش نگاه می‌دارد، اما متکبران را به سزای اعمال شان می‌رساند.^{۲۴} ای همهٔ کسانی که چشم امیدتان به سوی خداوند است، شجاع باشید و او دل شما را تقویت می‌دهد.

اعتراف و آمرزش

(مزموری از داود)

۳۲ ^۱ خوشا به حال کسی که سرکشی او آمرزیده و گناه وی پوشیده شده است.^۲ خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی‌آورد و مکر و حیلۀ او در وجود او نیست.^۳ تا زمانی که به گناه خود اقرار نکردم، استخوانهایم بدرد آمده و تمام روز در عذاب بودم.^۴ شب و روز زجر می‌کشیدم. طراوت و شادابی من، همچو آبی که در گرمای تابستان تبخیر می‌کند، محو گردیده بود.^۵ بعد به گناه خود اقرار نمودم و جرم خود را پنهان نکرده و گفتم: «من در حضور خداوند به سرکشی خود اعتراف می‌کنم.» آنگاه تو گناهم را بخشیدی و از آلودگی مرا پاک ساختی.^۶ پس باشد که هر شخص خداترس در زمان مطلوب به حضور تو دعا کند تا اگر سیلابهای زیادی هم به طغیان بیایند هرگز به او رسیده نتوانند.^۷ تو پناهگاه من هستی و در زمان مصیبت

مرا نجات می دهی. فضای گرداگرد مرا پُر از سرودهای پیروزی و رهایی می نمائی.

^۸ خداوند می فرماید: «من به تو حکمت می آموزم و ترا به راهی که باید بروی هدایت می کنم. ترا نصیحت می کنم و چشم از تو برنخواهم داشت.^۹ مانند اسپ و قاطر، نادان و بی شعور نباشید که به دهان شان لگام و افسار می بندند، ورنه از شما اطاعت نخواهند کرد.»

^{۱۰} غم و غصهٔ شخص شریر زیاد است، اما هر که به خداوند توکل کند از رحمت برخوردار می شود.^{۱۱} پس ای عادلان در خداوند خوشی و شادمانی کنید و ای راستدلان سرود خوشی را سر کنید.

سرود ستایش

۳۳ ^۱ ای عادلان در خداوند خوشی کنید، زیرا خداوند را ستودن زیندهٔ راستدلان است.
^۲ خداوند را با آهنگ چنگ ستایش کنید و با ریاب سرود حمد او را بنوازید.^۳ با سرودهای نو او را تمجید نمائید و با مهارت و آواز بلند بسرائید.^۴ کلام خداوند برحق است و همه کارهای او قابل اعتماد.^۵ خداوند عدالت و انصاف را دوست دارد. زمین از رحمت او پُر است.^۶ به کلام خداوند آسمانها آفریده شد و با یک کلمه‌ای که از او صادر شد، آفتاب، مهتاب و ستارگان بوجود آمدند.^۷ آب‌های بحر را در یک جا جمع کرد آب‌های عمیق را در مخزنها ذخیره نمود.

^۸ ای تمام روی زمین، از خداوند بترسید، و ای جمیع مردم جهان، در حضور او با ترس و احترام بیائید،^۹ زیرا که خداوند گفت و شد؛ به امر او همه چیز برقرار گردید.^{۱۰} خداوند تصامیم ملتها را بی اثر می سازد و نقشه‌های اقوام جهان را نیست می گرداند.^{۱۱} اما مشورت خداوند تا به ابد پایدار است و خواسته‌های او در تمام زمانه‌ها.^{۱۲} خوشا به حال ملتی که خداوند، خدای ایشان است و قومی که خداوند ایشان را برای خود برگزیده است.

^{۱۳} خداوند از آسمان نگاه می‌کند و همهٔ بنی آدم را می‌بیند. ^{۱۴} او از بالای تخت ملکوتی خویش تمام ساکنان جهان را زیر نظر دارد. ^{۱۵} او که آفرینندهٔ دلهاست، از افکار و کردار انسان آگاه می‌باشد. ^{۱۶} پادشاه به زیادی لشکر پیروز نمی‌گردد و هیچ عسکری به قوت بازوی خود رهایی نمی‌یابد. ^{۱۷} امید بستن به اسب جنگی کار بیهوده‌ای است. قوت آن نمی‌تواند کسی را نجات دهد. ^{۱۸} اما چشمان خداوند مراقب کسانی است که از او می‌ترسند و بر رحمت او اتکاء دارند. ^{۱۹} تا جان آن‌ها را از مرگ نجات دهد و در زمان قحطی ایشان را زنده نگاه دارد. ^{۲۰} امید ما بر خداوند است. او مددگار و سپر ماست. ^{۲۱} دل‌های ما در او خوشی می‌کند زیرا به نام مقدس او توکل می‌کنیم. ^{۲۲} ای خداوند، رحمت تو بر ما باد، زیرا چشم امید ما فقط به سوی تو است.

در ستایش نیکویی خداوند

(مزموری از داود، موقعی که از نزد ابی‌ملک رانده می‌شود)

^{۳۴} ۱ خداوند را همیشه ستایش می‌کنم؛ شکر و سپاس او همواره بر زبانم جاری است. ^۲ جان من در خداوند فخر می‌کند. مسکینان این را می‌شنوند و خوشحال می‌شوند. ^۳ بیائید خداوند را تمجید کنیم و با هم نام او را ستایش کنیم. ^۴ خداوند را طلبیدم و او مرا اجابت فرمود و از قید جمیع ترسهایم آزاد کرد. ^۵ آنهایی که بسوی او نظر می‌کنند، منور می‌گردند و هرگز خجل نخواهند شد. ^۶ این حقیر فریاد برآورد و خداوند او را شنید و او را از همهٔ سختی‌هایش نجات داد. ^۷ فرشتهٔ خداوند گرداگرد مردم خداترس است. او ایشان را محافظت کرده و می‌رهاند.

^۸ بچشید و ببینید که خداوند نیکو است. خوشا به حال کسی که به او پناه می‌برد. ^۹ ای مقدسین خداوند از او بترسید، زیرا شخص خداترس محتاج به هیچ چیزی نمی‌باشد. ^{۱۰} شیرها نیز نیازمند و گرسنه می‌گردند، اما کسانی که جویای خداوند هستند، از هیچ نعمت نیکو بی‌بهره نمی‌باشند. ^{۱۱} ای فرزندان، بیائید و به من گوش بدهید تا به شما درس خداترسی را بیاموزم. ^{۱۲} آیا آرزومند

زندگی هستی و دوست داری که عمر طولانی داشته باشی تا سعادت و نیکویی را ببینی؟^{۱۳} پس خود را از بدی و لبه‌ایت را از سخنان فریبنده نگاه‌دار.^{۱۴} از شرارت دوری نما و نیکویی کن؛ جویای صلح باش و جهت برقراری آن کوشش نما.

^{۱۵} چشمان خداوند بسوی عادلان است و گوشهای وی متوجه فریاد ایشان.^{۱۶} روی خداوند ضد شیرین است تا اثر ایشان را از زمین محو سازد.^{۱۷} وقتی راستکاران فریاد برمی‌آورند، خداوند ایشان را شنیده و از تمام سختی‌ها نجات می‌دهد.

^{۱۸} خداوند نزدیک دل شکستگان است و آنانی را که افسرده و اندوهگین‌اند، نجات می‌دهد.
^{۱۹} رنج و زحمات شخص عادل زیاد است، اما خداوند او را از همه آن‌ها می‌رهاند.^{۲۰} خداوند تمام استخوانهای او را حفظ می‌کند و نمی‌گذارد حتی یکی از آن‌ها شکسته شود.^{۲۱} شیر از شرارت خود هلاک می‌گردد و دشمنان شخص عادل مورد بازخواست قرار می‌گیرند.^{۲۲} خداوند جان بندگان خود را نجات می‌دهد و از کسانی که به او پناه می‌برند بازخواست نمی‌شود.

دعا برای کمک

(مزموری از داود)

^{۳۵} ای خداوند، با دشمنان من دشمنی نما و جنگ کن با کسانی که با من می‌جنگند.^۲ سپر و زره را بگیر و برای کمک من برخیز.^۳ نیزه و شمشیر را بر ضد تعقیب‌کنندگانم بلند کن و مرا از نجات جانم مطمئن ساز.^۴ آنانی که قصد جان مرا دارند، شرمنده و رسوا شوند و کسانی که بدخواه من هستند، شکست خورده و خجل گردند.^۵ مثل گاه در برابر باد باشند و فرشته خداوند آن‌ها را براند.^۶ راه شان تاریک و لغزنده گردد و فرشته خداوند در تعقیب شان باشد.^۷ زیرا دام خود را بی‌سبب برای من گسترده و برای جان من بی‌جهت چاه کنده‌اند.^۸ پس بلای ناگهانی بر سر شان بیاید و به دامی که برای من نهاده‌اند، خود شان گرفتار شوند و هلاک گردند.

^۹ آنگاه جان من در خداوند شادمانی می‌کند و بخاطر نجاتی که او می‌دهد خوشحال می‌گردد.
^{۱۰} با تمام وجودم می‌گویم: «ای خداوند، کیست مانند تو که شخص ضعیف را از دست زورمندان برهاند و مسکین و بینوا را از دست تاراجگران؟»

^{۱۱} شاهدان بی‌رحم برضد من برخاسته و مرا به کاری که نکرده‌ام متهم می‌سازند. ^{۱۲} در مقابل نیکی‌هایم به من بدی می‌کنند و جان مرا می‌رنجانند. ^{۱۳} و اما من، وقتی آن‌ها بیمار بودند لباس ماتم پوشیدم، جان خود را با روزه رنج دادم و برای شان دعا و زاری نمودم. ^{۱۴} مانند کسی که برای یک دوست و برادر خود غصه کند و یا مانند کسی که در غم مادر خود نوحه کند، برای شان ماتم گرفتم. ^{۱۵} اما وقتی که من در زحمت افتادم، آن‌ها شاد و خندان دورم جمع شدند و همچون آدم‌های پست مرا مسخره کردند و حتی آنانی که نمی‌شناختم از بدرفتاری با من دست برنداشتند. ^{۱۶} مثل بدکارانی در ضیافت ریاکارانه‌شان، دندانهای خود را جهت من بهم می‌سائیدند.

^{۱۷} ای خداوند، تا به کی نظاره‌گر خواهی بود؟ جانم را از شر آن‌ها خلاص کن و یگانه‌ام را از دست شیران درنده. ^{۱۸} آنگاه در میان جماعت بزرگ ترا ستایش نموده و در جمع مردم ترا سپاس خواهم گفت. ^{۱۹} نگذار آنانی که بی‌جهت دشمن من‌اند، بر من سرافرازی نمایند و آنانی که بی‌سبب از من متنفرند مسخره‌ام کنند. ^{۲۰} زیرا سخن آن‌ها با من از روی صلح نیست و با سخنان ریاکارانه بر ضد کسانی که عاجز و آرامند توطئه می‌چینند. ^{۲۱} آن‌ها مرا متهم ساخته می‌گویند: «ها، ها، ما به چشم خود دیدیم»

^{۲۲} ای خداوند، تو از همه چیز آگاهی، پس سکوت مفرما. ای خداوند از من دور مباش. ^{۲۳} ای خداوند و ای خدای من، برخیز و از من دفاع کن و به داد من برس. ^{۲۴} ای خداوند، خدای من، موافق عدالت خود در مورد من داوری کن و نگذار که بر من سرافرازی کنند. ^{۲۵} مگذار که آن‌ها در دل خود بگویند: «ما به آرزوی خود رسیدیم و او را بر باد کردیم.» ^{۲۶} آنانی که از بدبختی من شادند، شرمنده و خوار شوند و کسانی که بر من سرافرازی می‌کنند، سرافکنده و رسوا گردند.

^{۲۷} اما آنانی که خواهان حق من هستند شادمان و خوشحال گردیده و پیوسته بگویند: «خداوند بزرگ است که خواستار سلامتی و سعادت خدمتگزار خود می‌باشد» ^{۲۸} آنگاه زبان من عدالت تو را بیان می‌کند و ستایش تو را تمامی روز.

شرارت انسان

(مزموری از داود خدمتگزار خداوند)

۳۶ ^۱ نافرمانی انسان شریر آشکار می‌کند که ترس خدا مدنظر او نیست. ^۲ آنقدر خودخواه و مغرور شده است که فکر می‌کند گنااهش آشکار نمی‌شود و کسی او را متهم نمی‌کند. ^۳ سخنان زبانش شرارت و فریب است. از فهم دور شده و از نیکوکاری دست کشیده است. ^۴ در بستر خود شرارت را تفکر می‌کند، راه نادرست را عادت خود ساخته و از بدی نفرت ندارد.

نیکویی خداوند

^۵ ای خداوند، رحمت تو تا به آسمان‌ها می‌رسد و وفاداری تو مافوق ابرها. ^۶ عدالت تو مانند کوهها پابرجا است و احکام تو عمیق‌تر از عمق‌های زمین. ای خداوند، تو مددگار انسانها و حیوانات هستی. ^۷ ای خدا رحمت تو چقدر عالی و با ارزش است. آدمیان در سایه بالهای تو پناه می‌برند. ^۸ همه از نعمت تو برخوردار می‌شوند و از دریای رحمت تو می‌نوشند. ^۹ تو سرچشمه زندگی هستی و در نور تو روشنی را می‌بینیم.

^{۱۰} رحمت تو همیشه بر آنانی که تو را می‌شناسند باقی بماند و عدالت تو پیوسته همراه راستدلان باشد. ^{۱۱} مگذار که پایمال اشخاص مغرور گردم و یا دست شیران مرا مجبور به فرار سازد. ^{۱۲} ببینید که چگونه بدکاران افتاده‌اند! آن‌ها طوری سقوط کرده‌اند که دیگر نمی‌توانند برخاست.

۳۷^۱ به سبب بدکاران خود را پریشان مساز و بر شیران حسد مبر،^۲ زیرا آن‌ها به زودی مثل سبزه خشک شده و مانند علف پژمرده می‌گردند.^۳ بر خداوند توکل نما و نیکویی کن تا در روی زمین در امنیت و آسودگی بسربری.^۴ در خداوند شادمان باش و او تمنای دلت را برآورده می‌سازد.^۵ طریق خود را به خداوند بسپار و به او توکل کن و او تو را مدد می‌کند.^۶ او عدالت ترا مثل نور آشکار می‌سازد و راستی و حق تو را مانند ظهر.

۷^۲ در حضور خداوند سکوت نما و منتظر او باش. به خاطر کسی که در زندگی سعادت‌مند است و شخص فریبکار خود را پریشان مساز.^۸ غضب را کنار بگذار و خشم را ترک کن. تشویش را بر خود راه نده چونکه باعث گناه می‌شود.^۹ مردم شیر از بین می‌روند، اما منتظرین خداوند وارث زمین می‌شوند.^{۱۰} آدم بدکار در فرصت کمی نابود می‌شود و وقتی بجوئید او را نمی‌یابید.^{۱۱} اما اشخاص حلیم و فروتن مالک زمین می‌شوند و از صلح و سلامتی فراوان برخوردار می‌گردند.

۱۲^۲ شیر برای شخص عادل توطئه می‌چیند و دندانهای خود را بهم می‌ساید.^{۱۳} خداوند بر او می‌خندد، چون می‌داند که روز داوری او نزدیک است.^{۱۴} شیران شمشیر را به دست گرفته و تیر و کمان را آماده کرده‌اند تا مسکین و بیچاره را از بین ببرند و راستکاران را به قتل برسانند.^{۱۵} اما شمشیر شان به قلب خود شان فرومی‌رود و کمان شان می‌شکند.

۱۶^۲ مال اندک شخص راستکار بهتر از ثروت سرشار شیران است،^{۱۷} زیرا خداوند بازوی شیران را در هم می‌شکند و اما از راستکاران مراقبت می‌کند.^{۱۸} خداوند از تمام روزهای زندگی صالحان آگاه می‌باشد و میراث ایشان باقی است تا به ابد.^{۱۹} در زمان مصیبت شرمنده نشده و در ایام قحطی سیر می‌باشند.^{۲۰} اما شیران هلاک می‌شوند. دشمنان خداوند مانند گلهای زودگذر

صحرا از بین می‌روند و مثل دودی ناپدید می‌گردند.^{۲۱} شیریر قرض می‌گیرد، ولی دوباره نمی‌پردازد. اما شخص صالح رحیم و سخاوتمند است.^{۲۲} آنهایی که از خداوند برکت دیده‌اند وارث زمین می‌شوند، ولی کسانی که زیر لعنت خدا قرار دارند از بین می‌روند.

^{۲۳} خداوند قدم‌های آنانی را که مورد رضایت او هستند استوار ساخته و ایشان را براهی که باید بروند هدایت می‌کند.^{۲۴} اگر بیفتند آسیبی به ایشان نمی‌رسد، زیرا خداوند دست آن‌ها را می‌گیرد.^{۲۵} من جوان بودم و حالا پیر شده‌ام، ولی هرگز ندیدم که شخص راستکار ترک شده باشد و یا نسل او دست به گدائی دراز کرده باشد.^{۲۶} شخص راستکار پیوسته مهربان و سخاوتمند است و اولاده او مبارک می‌باشند.

^{۲۷} از شرارت دوری نما و نیکویی کن. پس تا به ابد باقی خواهی ماند.^{۲۸} خداوند انصاف را دوست می‌دارد و مقدسان خود را ترک نمی‌کند. از ایشان تا به ابد حمایت می‌کند، اما نسل شیریر نابود می‌گردد.^{۲۹} صالحان وارث زمین می‌شوند و همیشه در آنجا زندگی می‌کنند.^{۳۰} از دهان شخص صالح کلام حکمت شنیده می‌شود و زبان او همیشه از عدل و انصاف حرف می‌زند.^{۳۱} او احکام و دستورات خداوند را در دل خود جای داده است پس از راه راست منحرف نمی‌شود.^{۳۲} شیریر برای راستکار کمین می‌کند و قصد کشتن وی را دارد،^{۳۳} اما خداوند شخص راستکار را به دست او نمی‌سپارد و نمی‌گذارد که در هنگام داوری محکوم شود.^{۳۴} منتظر خداوند باش و از احکام او اطاعت کن. او ترا وارث زمین می‌سازد و تو به چشم خود نابودی بدکاران را خواهی دید.

^{۳۵} شخص شیریر و ظالمی را دیدم که همچون درختی سبزی به هر سو شاخ و برگ گسترده بود.^{۳۶} اما طولی نکشید که از بین رفت و وقتی از آنجا می‌گذشتم نیست شده بود. هر قدر جستجو کردم او را نیافتم.^{۳۷} شخص نیکو و راستکار را ببین، زیرا که عاقبت آن شخص سلامتی است.^{۳۸} اما خطاکاران بکلی نابود می‌شوند و عاقبت شیریران نیستی است.^{۳۹} نجات صالحان از خداوند است. در هنگام سختی او پناهگاه ایشان می‌باشد.^{۴۰} خداوند مددگار و رهاننده ایشان

است و آن‌ها را از شیران نجات می‌بخشد و حفظ می‌کند، زیرا به خداوند پناه آورده‌اند.

دعای شخص رنج‌دیده

(مزموری از داود)

۳۸ ای خداوند، مرا در غضب خود سرزنش مفرما و در خشم خویش تنبیه نکن.^۲ تیرهای تو در بدنم فرورفته‌اند و دست تو بر من سنگینی می‌کند.^۳ به سبب غضب تو سلامتی در بدنم نیست و به سبب گناه خودم استخوانهایم بدرد آمده‌اند.^۴ زیرا گناهانم از سرم گذشته است و مثل بارگران از طاقتم سنگین‌تر شده.^۵ به سبب حماقت من، زخمهایم متعفن شده و چرک برداشته‌اند.^۶ به خود می‌پیچم و بکلی خمیده شده‌ام؛ تمام روز از درد نالیده و بی‌قرارم.^۷ زیرا کمرم از درد می‌سوزد و سلامتی در بدنم نیست.^۸ تمام وجودم ضعیف شده و تحمل خود را از دست داده‌ام؛ از فغان دل خود می‌نالم.

۹ ای خداوند، از تمام آرزوهایم خیر داری و ناله‌های من از تو پوشیده نیست.^{۱۰} قلب من به شدت می‌تپد، نیرویم را از دست داده‌ام و نور در چشمانم نمانده است.^{۱۱} دوستان و رفقایم به سبب مصیبتم از من فاصله گرفته‌اند و خویشاوندانم از من دوری می‌کنند.^{۱۲} دشمنان برای کشتنم دام گسترده‌اند. بدخواهانم سخنان فتنه‌انگیز می‌زنند و همیشه علیه من دسیسه می‌سجند.

۱۳ ولی من مثل یک شخص کر نمی‌شنوم و مانند گنگ حرفی نمی‌زنم.^{۱۴} بلی، مثل کسی گردیده‌ام که نمی‌شنود و حرفی در زبان ندارد.^{۱۵} اما ای خداوند، امید من به تو است و تو ای خداوند، خدایم جواب می‌دهی.^{۱۶} زیرا گفته‌ام که مبادا دشمنانم در بدبختی من شاد شوند و وقتی می‌افتم بر من سرافرازی کنند.^{۱۷} نزدیک است از پای درآیم و از دست درد لحظه‌ای آرام ندارم.^{۱۸} به گناه خود اعتراف می‌کنم و از خطای که کرده‌ام پشیمانم.^{۱۹} دشمنانم سالم و قوی هستند؛ بسیارند آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند.^{۲۰} آنانی که به عوض نیکی بدی می‌کنند با

من دشمنی می‌ورزند، چون نیکویی را پیروی می‌کنم.

^{۲۱} ای خداوند، مرا ترک منما. ای خدای من از من دور مباش! ^{۲۲} ای خداوندی که نجات من هستی، برای اعانت من تعجیل فرما.

اعتراف شخص رنج‌دیده

(مزموری از داود)

^{۳۹} به خود گفتم متوجه راههای خود می‌باشم تا با زبانم خطا نورزم. هنگامیکه شیران پیش من هستند، دهان خود را حفظ می‌کنم گویی لگام شده است. ^۲ من گنگ و خاموش بودم و حتی حرف خوب هم از زبانم شنیده نشد، ولی درد من بازهم شدیدتر شد. ^۳ دلم پُر از پریشانی شد و هر چه بیشتر می‌اندیشیدم، آتش قلبم زیادتر می‌شد. سرانجام به سخن آمدم و گفتم: ^۴ «ای خداوند، پایان عمرم را بر من معلوم ساز و اینکه ایام زندگانی من چقدر است تا بدانم که چقدر فانی هستم!» ^۵ روزهایم را بسیار کوتاه ساختی و تمام زندگی‌ام در نظر تو هیچ است. برآستی عمر انسان مثل یک نفس است. ^۶ انسان در خیالبافی زندگی می‌کند و بیهوده زحمت می‌کشد. ثروت ذخیره می‌کند ولی نمی‌داند که بعد از او دارائی‌اش نصیب چه کسی می‌شود.

^۷ و حالا ای خداوند، برای چه منتظر باشم؟ امید من بر تو می‌باشد. ^۸ پس مرا از همه گناهانم رهایی ده، مبادا نزد اشخاص نادان رسوا گردم. ^۹ من در حضور تو خاموش هستم و زبان خود را باز نمی‌کنم، زیرا که تو باعث این شده‌ای. ^{۱۰} این مصیبت را از من دور کن، زیرا که از سنگینی دست تو نزدیک است تلف شوم. ^{۱۱} تو انسان را به خاطر گناهش تنبیه می‌کنی، گنجهایش مثل یک پارچه کویه خورده از بین می‌روند. بلی، عمر انسان فقط یک نفس است.

^{۱۲} ای خداوند، به دعایم گوش بده، زاری و ناله‌ام را بشنو و به اشکهایم توجه فرما، زیرا نزد تو

مثل مهمانِ گذری هستم و مثل اجداد خود در این دنیا مسافر می‌باشم.^{۱۳} خشم خود را از من برگردان تا شادکام شوم، قبل از آنکه چشم از جهان پوشیده و نایاب گردم.

سرود پرستش

(مزموری از داود)

۴۰^۱ انتظار بسیار برای خداوند کشیدم، پس به من توجه کرده و فریاد مرا شنید.^۲ او مرا از گودال هلاکت و لجن‌زار بیرون کرد. پاهایم را بر صخره‌ای گذاشت و قدم‌هایم را استوار گردانید.^۳ به من سرود تازه‌ای آموخت و آن سرود حمد خدای من است. بسیاری چون این را ببینند، می‌ترسند و بر خدا توکل می‌کنند.^۴ خوشا به حال کسی که بر خداوند توکل می‌کند و به اشخاص متکبر و پیروان دروغ رغبت ندارد.

۵^۵ ای خداوند، خدای من، چه بسیار است معجزاتی که انجام داده‌ای و افکاری که برای ما داشته‌ای. زبانم از بیان آن‌ها عاجز است و شمار آن از حد زیاد.^۶ تو خواهان قربانی و هدیه نبودی؛ قربانی سوختنی و قربانی گناه را نخواستی، بلکه گوشه‌های مرا باز کردی.^۷ آنگاه گفتم: «اینک می‌آیم! در طومار کتاب درباره‌ی من نوشته شده است.^۸ در انجام اراده‌ی تو ای خدای من رغبت می‌دارم و احکام تو در قلبم ثبت شده است.»^۹ مژده‌ی عدالت تو را در جماعت بزرگ بیان کرده‌ام. تو ای خداوند، می‌دانی که من لبهایم را نخواهم بست.^{۱۰} عدالت تو را در دل خود مخفی نداشته‌ام؛ وفاداری و نجات تو را بیان کرده‌ام و رحمت و راستی تو را از جماعت بزرگ پنهان نکرده‌ام.

دعای کمک

(همچنین در مزمور ۷۰)

^{۱۱} ای خداوند، لطف خود را از من باز مدار. رحمت و راستی تو پیوسته مرا محافظت کند.
^{۱۲} مصیبت زیادی مرا احاطه کرده است و گناهانم دورادور مرا گرفته‌اند، به حدی که نمی‌توانم دید. گناهانم از موی سرم زیادتر شده‌اند و امید خود را بکلی باخته‌ام.^{۱۳} ای خداوند، رحم کن و مرا نجات بده. ای خداوند، برای امداد من بشتاب!^{۱۴} آنهایی که قصد کشتن جانم را دارند، همه خجل و شرمنده شوند و آنانی که در پی آزار من هستند، مغلوب و رسوا گردند.^{۱۵} کسانی که مرا تحقیر و مسخره می‌کنند، از رسوایی خویش حیران شوند.^{۱۶} اما تمام کسانی که جویای تو هستند در تو خوشی و شادمانی کنند و آنانی که از نجات تو شکر گزارند، همیشه بگویند: «خداوند بزرگ است!»^{۱۷} من بنده بیچاره و مسکین تو هستم. تو همواره در فکر من بوده‌ای. تو مددگار و نجات‌دهنده من هستی، پس ای خدای من تأخیر مکن.

دعای یک بیمار

(مزموری از داود)

۱۴۱^۱ خوشا به حال کسی که در فکر مردمان مسکین و بینوا است. خداوند او را در روز مصیبت می‌رهاند.^۲ خداوند از او حمایت می‌کند و او را زنده نگاه می‌دارد. او در زمین مبارک بوده و از شر دشمنانش در امان می‌ماند.^۳ خداوند او را در بستر بیماری تقویت می‌کند و صحت و سلامتی از دست رفته‌اش را به او برمی‌گرداند.

^۴ من گفتم: «ای خداوند، بر من رحم کن. جان مرا شفا ده، زیرا نسبت به تو گناه ورزیده‌ام.»
^۵ دشمنانم درباره من می‌گویند: «چه وقت می‌میرد و نامش از صفحه زندگی محو می‌شود؟»
^۶ اگر برای دیدن من بیایند، حرفهای بیهوده می‌زنند و در دل خود افکار شرارت‌آمیز را سنجیده و بعد آنها را به دیگران پخش می‌کنند.^۷ همه دشمنانم با یکدیگر در مورد من سخن چینی می‌کنند و برای من بدی می‌اندیشند.^۸ می‌گویند: «به مرض کشنده‌ای گرفتار است و به سلامتی از بستر

بیماری بر نمی‌خیزد.»^۹ حتی دوست صمیمی‌ام که به او اعتماد زیادی داشتم و نان و نمک مرا خورده، بر ضد من برخاسته است.

^{۱۰} ولی تو ای خداوند، بر من رحم فرموده، مرا از بستر بیماری بلند کن تا دشمنانم را مجازات کنم.^{۱۱} از این می‌دانم که تو از من راضی هستی، چون دشمنم دیگر بر من سرافرازی نمی‌کند.^{۱۲} تو مرا به خاطر درستکاری‌ام حفظ می‌کنی و در حضور خود برای همیشه می‌پذیری.^{۱۳} متبارک باد خداوند، خدای اسرائیل! از ازل تا به ابد. آمین و آمین!

کتاب دوم

(مزامیر ۴۲-۷۲)

دعای شخص پریشان

(قصیده‌ای از بنی قورح)

^۱ ۴۲ چنانکه آهو برای نهرهای آب شدت اشتیاق دارد، همچنان ای خدا جان من هم اشتیاق شدید برای تو دارد.^۲ جان من تشنه‌ی خداست، تشنه‌ی خدای زنده. که کی بیایم و به حضور خدا حاضر شوم.^۳ اشکهایم شب و روز نان من بوده است، چون همواره به من می‌گویند: «خدای تو کجاست؟»^۴ چون گذشته را بیاد می‌آورم، جانم بی‌حال می‌گردد. چگونه با گروه مردم می‌رفتم و ایشان را به عبادتگاه خداوند پیشروی می‌کردم، با آواز خوشی و ستایش در جمع تجلیل‌کنندگان.

^۵ ای جان من چرا افسرده شده‌ای و چرا در من پریشان گشته‌ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را به خاطر نجات از طرف روی او دوباره ستایش خواهیم کرد.

۶ ای خدای من، جان من افسرده است، بنابراین از سرزمین اُردن و کوههای حِرمون و مِسر ترا به یاد می آورم. ۷ ندای عمق آبها و آواز آبشارها و جمیع خیزابها و امواج آن از سر من گذشته اند. ۸ در طی روز خداوند رحمت خود را بر من قرار می دهد و در شب سرود او در قلب من می باشد و دعایم نزد خدای حیات من. ۹ به خدا که صخره من است می گویم: «چرا مرا فراموش کرده ای؟ چرا بخاطر ظلم دشمنان در غم و ماتم باشم؟» ۱۰ دشمنانم مرا ملامت می کنند و همواره به من می گویند: «خدای تو کجاست؟» و این همچون ضربه مهلک به استخوانهایم است.

۱۱ ای جان من چرا افسرده شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را دوباره ستایش خواهم کرد، که نجات روی من و خدای من است.

ادامه دعای شخص پریشان

۴۳ ای خدا، مرا داوری کن و در دعوای من با قوم بی رحم قضاوت کن. مرا از دست مردم حيله گر و شریر رهایی ده. ۲ زیرا تو خدا، پناهگاه من هستی. چرا مرا ترک کرده ای؟ چرا بخاطر ستم دشمن در غم و ماتم باشم؟

۳ نور و راستی خود را بفرست تا هادی و راهنمای من باشند و مرا به کوه مقدس تو و مسکن های تو برسانند. ۴ آنگاه به قربانگاه خدا می آیم، بسوی خدایی که خوشی و شادابی من است. و تو را ای خدا، خدای من با نغمه رباب ستایش می کنم.

۵ ای جان من چرا افسرده شده ای و چرا در من پریشان گشته ای؟ بر خدا امید داشته باش زیرا که او را دوباره ستایش خواهم کرد، که نجات روی من و خدای من است.

خداوند در همه حال پشتیبان ما است

(قصیده‌ای از بنی قورح)

۴۴ ای خدا، ما به گوش خود شنیده‌ایم و پدران ما کاری را که در روزهای شان و در ایام قدیم انجام داده‌ای، به ما بیان کرده‌اند.^۲ تو با دست خود امت‌ها را بیرون کردی، اما پدران ما را برقرار نمودی. قوم‌ها را تباه کردی و ایشان را منتشر ساختی.^۳ زیرا که اجداد ما با شمشیر خود زمین را تسخیر نکردند و بازوی ایشان آن‌ها را نجات نداد بلکه دست راست تو و بازوی تو و نور روی تو. زیرا از ایشان خشنود بودی.

۴ ای خدا تو پادشاه من هستی، پس بر نجات اولادهٔ یعقوب امر فرما.^۵ با کمک تو دشمنان را مغلوب می‌کنیم و به نام تو مخالفان خود را پایمال می‌سازیم.^۶ زیرا بر کمان خود اعتماد نمی‌کنم و شمشیرم مرا نجات نمی‌دهد،^۷ بلکه تو ما را از دست جفاکنندگان ما رهایی می‌بخشی و دشمنان ما را رسوا می‌سازی.^۸ تمامی روز بر خدا فخر می‌نمائیم و نام تو را تا به ابد ستایش می‌کنیم.

۹ اما حالا تو ما را ترک کرده و رسوا ساخته‌ای و دیگر لشکرهای ما را همراهی نمی‌کنی.^{۱۰} ما را از پیش دشمن فرار داده‌ای و آنانی که از ما نفرت دارند، ما را تاراج می‌کنند.^{۱۱} ما را مثل گوسفندان برای خوراک تسلیم کرده‌ای و ما را در میان امت‌ها پراکنده ساخته‌ای.^{۱۲} قوم برگزیدهٔ خود را ارزان فروختی و از قیمت ایشان سودی نبردی.^{۱۳} ما را نزد همسایگان خوار ساخته‌ای و ما مورد توهین و تمسخر اطرافیان قرار گرفته‌ایم.^{۱۴} ما را در میان امت‌ها ضرب‌المثل ساخته‌ای و باعث جنبانیدن سر در میان قوم‌ها.^{۱۵} رسوایی من همه روزه در نظر من است و خجالت رویم را پوشانیده است،^{۱۶} از آواز ملامت‌کننده و دشنام‌دهنده، از روی دشمن و انتقام‌گیرنده.

^{۱۷} این همه بر ما واقع شده است، ولی تو را فراموش نکرده‌ایم و پیمانی را که با ما بسته‌ای نشکسته‌ایم، ^{۱۸} دل ما از تو دور نگردیده و پاهای ما از طریق تو منحرف نشده است. ^{۱۹} هرچند ما را در مکان شغالان کوبیدی و با تاریکی مطلق پوشانیدی. ^{۲۰} اگر ما نام خدای خود را فراموش می‌کردیم و دست خود را بسوی خدایان غیر دراز می‌کردیم، ^{۲۱} آیا خدا از این واقف نمی‌شد؟ زیرا او اسرار قلب را می‌داند. ^{۲۲} یقیناً به خاطر تو همواره با مرگ روبرو بوده و مثل گوسفندانی هستیم که منتظر کشته شدن باشند. ^{۲۳} ای خداوند، بیدار شو! چرا خوابیده‌ای؟ برخیز و ما را تا به ابد ترک مکن. ^{۲۴} چرا روی خود را از ما پنهان کرده و ذلت و خواری ما را نادیده می‌گیری؟ ^{۲۵} زیرا که جان ما بر خاک افتاده و بدن ما به زمین خم شده است. ^{۲۶} به جهت کمک ما برخیز و به خاطر رحمت خود ما را نجات بخش.

سرود عروسی ملوکانه

(قصیده‌ای از بنی قورح)

^۱ **۴۵** در حالیکه این سرود را برای پادشاه می‌سراییم، دل من به کلام نیکو می‌جوشد. زبان من قلم کاتب ماهر است. ^۲ تو نیکوتر از بنی آدم هستی و نعمت بر لبهای تو ریخته شده است. بنابراین، خدا تو را تا به ابد متبارک ساخته است. ^۳ ای مقتدر شمشیر خود را بر ران خود ببند، یعنی جلال و جبروتت را. ^۴ به کبریایی خود سوار شده و به خاطر حقیقت و فروتنی و عدالت پیروز شو. دست راستت کارهای عجیب و ترسناک را به تو خواهد آموخت. ^۵ تیرهای تیز تو به دل دشمنان پادشاه فرومی‌روند و امت‌ها بزیر پای تو می‌افتند.

^۶ ای خدا، تخت تو تا به ابد برقرار است. عصای سلطنت تو عصای راستی و انصاف است. ^۷ تو عدالت را دوست داشته و شرارت را دشمن می‌داری. بنابراین خدا، خدای تو، تو را بیشتر از همراهانت با روغن شادمانی مسح کرده است. ^۸ لباسهایت همه با مُر و عود و سلیخه، یعنی

عطرهای گوناگون، معطراند. با آلات موسیقی از قصرهای عاج تو را خوش ساختند.^۹ دختران پادشاهان، زیبایی دربار تو هستند و ملکه در دست راست، با لباسی از طلای خالص اوفیر ایستاده است.

^{۱۰} ای دختر بشنو، بین و توجه کن: قوم خود و خانه پدرت را فراموش کن.^{۱۱} پادشاه دلبسته زیبایی تو است. او صاحب تو است، پس او را محترم بدار.^{۱۲} مردم صور و ثروتمندان قوم با هدایای خویش طالب رضامندی تو هستند.^{۱۳} دختر پادشاه در اندرون قصرش چه زیباست! لباسهایش مزین به طلا.^{۱۴} به لباس فاخر به حضور پادشاه حاضر می شود و دوشیزگان او را همراهی می کنند.^{۱۵} آنها با خوشی و شادمانی آورده شده و به قصر پادشاه داخل می شوند.

^{۱۶} پسران نیز مانند اجداد خواهند بود و تو آنها را در تمامی سرزمین به حکمرانی می گماری.^{۱۷} نام تو را در تمام نسل ها مشهور می سازم و قوم ها تا به ابد سپاسگزار تو خواهند بود.

خدا پناهگاه ما است

(قصیده ای از بنی قورح)

^۱ ۴۶ خدا پناهگاه و قوت ماست و در وقت سختی ها مددگار قابل اعتماد.^۲ بنابراین ترسی نداریم، اگر چه دنیا ویران شود و کوهها در قعر اوقیانوسها فروریزند،^۳ یا آب های بحر غرش کنند و به جوش آیند و کوهها از سرکشی آن لرزان گردند.

^۴ نهریست که شاخه هایش شهر خدا را شادمان می سازد و مسکن مقدس خداوند متعال را.^۵ خدا در وسط اوست، پس آن شهر از ویرانی در امان است. خدا در طلوع صبح او را کمک می کند.^۶ امت ها غرش می کنند و مملکت ها بیجا می گردند. او آواز خود را می دهد، پس زمین ذوب

می‌گردد.^۷ خداوند قادر مطلق با ماست و خدای یعقوب پناهگاه ما.

^۸ بیائید کارهای خداوند را مشاهده کنید و عجایب او را در روی زمین.^۹ او جنگها را در سراسر جهان خاتمه می‌دهد. کمان را می‌شکند، نیزه را قطع می‌کند و ارابه‌ها را به آتش می‌سوزاند.

^{۱۰} آرام باشید و بدانید که من خدا هستم، در میان امت‌ها متعال و در جهان متعال می‌باشم.
^{۱۱} خداوند قادر مطلق با ماست و خدای یعقوب پناهگاه ما.

خداوند پادشاه تمام جهان است

(مزموری از بنی قورح)

^۱ ۴۷ ای تمام اقوام جهان کف بزنید و سرود خوشی را با آواز بلند به حضور خداوند بسرائید.^۲ زیرا خداوند متعال و مهیب است و بر تمامی جهان خدای بزرگ.^۳ او ما را بر قوم‌ها غالب می‌سازد و طایفه‌ها را به زیر پای ما می‌اندازد.^۴ میراث ما را برای ما خواهد برگزید یعنی جلال یعقوب را، که او را دوست می‌دارد.

^۵ خدا در میان آواز بلند صعود نموده است، خداوند در میان صدای شیپور.^۶ ستایش کنید، خدا را ستایش کنید. ستایش کنید، پادشاه ما را ستایش کنید.^۷ چون خدا پادشاه تمامی جهان است، پس او را با سرود ستایش کنید.^۸ خداوند بر تخت مقدس خود نشسته و بر اقوام جهان سلطنت می‌کند.^۹ سروران اقوام جهان با قوم خدای ابراهیم برای پرستش او جمع می‌شوند، زیرا که سپرهای جهان از آن خداست. او بسیار متعال می‌باشد.

سهیون شهر خدا

(سرودی از بنی قورح)

۴۸^۱ خداوند بزرگ است و بی نهایت قابل ستایش، در شهر خدای ما و در کوه مقدس خویش.^۲ کوه بلند و زیبای سهیون که در شمال شهر پادشاه بزرگ واقع است، به تمامی جهان خوشی می بخشد.^۳ خدا در قصرهای آن به پناهگاه بلند معروف است.^۴ پادشاهان همه متفق شدند و با هم پیش آمدند.^۵ اما چون آنرا دیدند، تعجب کردند و وحشتزده فرار نمودند.^۶ لرزه بر ایشان تسلط یافت و درد شدید مثل درد زایمان.^۷ تو کشتی های ترشیش را به باد شرقی در هم می شکنی.^۸ چنانکه شنیده بودیم و حالا به چشم خود دیدیم، در شهر خداوند قادر مطلق، در شهر خدای ما، خدا آن را تا ابدالآباد مستحکم می سازد.

۹ ای خدا، ما در عبادتگاه تو به رحمت تو تفکر می کنیم.^{۱۰} ای خدا چنانکه نام تو است، همچنان ستایش تو در سرتاسر روی زمین رسیده است. دست راست تو از عدالت پُر است.^{۱۱} به سبب داوری های تو، کوه سهیون خوشی می کند و دختران یهودا به وجد آمده اند.

۱۲ سهیون را طواف کنید و گرداگرد او بخرامید و برجهایش را بشمارید.^{۱۳} به حصارهایش توجه کنید و به قصرهایش دقت نمائید تا به نسل آینده از آنها اطلاع دهید.^{۱۴} زیرا این خدا، خدای ماست تا به ابد و ما را تا طول حیات هدایت می کند.

حماقت اعتماد به ثروت

(مزموری از بنی قورح)

۴۹^۱ ای تمامی قومها این را بشنوید! ای تمامی ساکنین روی زمین، گوش گیرید،^۲ خورد و بزرگ، ثروتمندان و فقیران!^۳ زبانم به حکمت سخن می راند و تفکر دل من پُر از دانایی است.^۴ گوش خود را به مثلی فرامی گیرم و با نوای چنگ معمایی خود را حل می کنم.

^۵ چرا در روزهای مصیبت، وقتی که شرارت حيله‌گران احاطه‌ام کنند، ترسان باشم؟ ^۶ آنانی که متکی به ثروت خود هستند و به زیادی مال و دارائی خود می‌بالند، ^۷ هیچیک از اینها نمی‌تواند با مال و دارائی خود بهای حیات یکنفر را پردازد و یا کفاره او را به خدا تقدیم کند. ^۸ زیرا فدیۀ جان ایشان گرانبهاست و غیر قابل دسترسی. ^۹ هیچ کسی نمی‌تواند تا به ابد زنده بماند و فساد را نبیند.

^{۱۰} زیرا می‌بیند که حکیمان می‌میرند و جاهلان و احمقان باهم هلاک می‌گردند و ثروت خود را برای دیگران ترک می‌کنند. ^{۱۱} فکر دل ایشان این است که خانه‌های ایشان دائمی باشد و جایداد ایشان از یک نسل به نسل دیگر. آن‌ها برای اینکه خاطره شان جاودانی باشد، نام خود را بر زمین‌های خود می‌گذارند. ^{۱۲} لیکن انسان در شکوه خود باقی نمی‌ماند بلکه همچون حیوان جان می‌سپارد.

^{۱۳} این راه ایشان، جهالت ایشان است و نیز سرنوشت بازماندگان ایشان که سخن آن‌ها را می‌پسندند. ^{۱۴} مثل گوسفندان به طرف کشتارگار روانند و موت آن‌ها را شبانی می‌کند. صبحگاهان مردمان راستکار بر ایشان حکومت می‌کند و وجود شان در قبر پوسیده می‌شوند و خانه ابدی شان گور است. ^{۱۵} اما خدا جان مرا از گور می‌رهاند زیرا که مرا به حضور خود می‌برد.

^{۱۶} پس ترسان مباش، چون شخصی ثروتمند شود و جلال خانه او افزوده گردد! ^{۱۷} زیرا چون بمیرد، چیزی از آن با خود نمی‌برد و جلالش او را همراهی نخواهد کرد. ^{۱۸} البته تا وقتی که زنده است خود را برکت یافته می‌داند و چون ثروتمند است مردم از او توصیف می‌کنند، ^{۱۹} اما عاقبت می‌میرد و با اجداد خود می‌پیوندد و دیگر نور را تا به ابد نمی‌بیند. ^{۲۰} انسانی که در شکوه است و فهم ندارد، همچون حیوان جان می‌سپارد.

(مزموری از آساف)

۵ • خدا، خداوند خدا سخن می‌گوید و همهٔ مردم روی زمین را، از شرق تا غرب، فرامی‌خواند. ^۲ خدا در جلال خود از سهیون که کمال زیبایی است ظاهر شده است. ^۳ خدای ما می‌آید و سکوت نخواهد نمود. آتش سوزنده پیش روی او و طوفان شدید گرداگرد او می‌باشد. ^۴ او آسمان‌ها را از بالا و زمین را فرامی‌خواند تا قوم برگزیدهٔ خود را داوری کند. ^۵ او می‌فرماید: «مقدسانِ مرا جمع کنید، که عهد را با من به قربانی بسته‌اند.» ^۶ آسمان‌ها از انصاف او خیر می‌دهند، زیرا خدا خود داور است.

^۷ «ای قوم برگزیدهٔ من بشنو! و ای اسرائیل تا برایت شهادت دهم که خدا، خدای تو من هستم. ^۸ در مورد قربانی‌هایت تو را سرزنش نمی‌کنم و قربانی‌های سوختنی تو همواره در نظر من است. ^۹ گاوی از خانهٔ تو نمی‌گیرم و نه بزنی از آغل تو، ^{۱۰} زیرا که تمامی حیوانات جنگل و رمه‌هائی که بر هزاران کوه می‌باشند، به من تعلق دارند. ^{۱۱} همه پرنندگان کوهها را می‌شناسم و جانوران صحرا متعلق به من هستند. ^{۱۲} اگر گرسنه هم می‌بودم به تو نمی‌گفتم، زیرا که جهان و هرچه که در آن است متعلق به من است. ^{۱۳} مگر من گوشت گاوها را می‌خورم و یا خون بزها را می‌نوشم؟ ^{۱۴} قربانی واقعی تو، شکر و سپاس به خداست. به وعده‌های که به قادر مطلق داده‌ای وفا کن. ^{۱۵} در روز تنگی مرا بخوان تا ترا نجات دهم و تو مرا ستایش کنی.»

^{۱۶} اما خدا به شریر می‌فرماید: «ترا چه کار است که فرایض مرا بیان کنی و عهد مرا به زبان خود بیاوری؟ ^{۱۷} چونکه تو از تأدیب نفرت داشته‌ای و کلام مرا پشت سر خود انداخته‌ای. ^{۱۸} وقتی دزد را می‌بینی با او همراهی می‌کنی و با زناکاران همنشین هستی. ^{۱۹} دهان خود را به شرارت باز می‌کنی و زبان تو حيله را اختراع می‌کند. ^{۲۰} آماده هستی تا به ضد برادر خود سخن گویی و دربارهٔ پسر مادر خویش غیبت کنی. ^{۲۱} این را کردی و من چیزی نگفتم. پس گمان کردی که من

هم مثل تو هستم. لیکن ترا سرزنش می‌کنم و این را به ترتیب پیش نظر تو می‌نهم.^{۲۲} ای کسانی که خدا را فراموش کرده‌اید، در این تفکر کنید! مبادا شما را بدرم و نجات‌دهنده‌ای نباشد.^{۲۳} هر که قربانی سپاسگزاری را بگذراند مرا احترام می‌نماید، و آنکه طریق خود را راست سازد، نجات را از طرف خدا می‌بیند.»

طلب آموزش

(مزموری از داود. او این مزمور را وقتی نوشت که ناتان نبی نزد او آمد و او را به سبب زنا با بَتَشَبَع، زن اوریا و کشتن خود اوریا سرزنش کرد)

۵۱ ای خدا مطابق رحمت خود به من رحم فرما و مطابق شفقت بی‌پایانت گناهانم را محو ساز.^۲ مرا از شرارتم کاملاً شست و شوده و از گناهم مرا پاک کن.^۳ من به نافرمانی خود اعتراف می‌کنم و گناهم همیشه در نظر من است.^۴ به تو و به تو تنها گناه ورزیده و در نظر تو این بدی را کرده‌ام. پس کلام تو در مورد من راست و داوری تو علیه من عادلانه است.

^۵ من گناهکار دنیا آمده‌ام و از همان لحظه‌ای که نطفه‌ام در رحم مادر بسته شد، گناه همراه من بوده است.^۶ تو خواهان صداقت باطنی هستی، پس حکمت را در قلب من به من بیاموز.^۷ مرا با بته زوفا پاک کن تا طاهر شوم. مرا شست و شو کن تا از برف سفیدتر گردم.^۸ خوشی و خرمی را به من بشنوان تا وجود شکسته‌ام دوباره به وجد آید.^۹ روی خود را از گناهانم بپوشان و همه خطاهایم را محو کن.

^{۱۰} ای خدا، دل پاک در من بیافرین و روح راستی را در باطنم تازه گردان.^{۱۱} مرا از حضور خود مران و روح قدوس خود را از من بگیر.^{۱۲} خوشی نجات را به من باز ده و روح مایل و مطیع را در من ایجاد کن.^{۱۳} آنگاه طریق تو را به خطاکاران می‌آموزم و گناهکاران بسوی تو برمی‌گردند.^{۱۴} مرا از جرم خون نجات ده! ای خدایی که خدای نجات من هستی! تا زبانم سرود عدالت ترا

بسراید. ^{۱۵} خداوندا، لبهایم را باز کن تا زبانم ستایش تو را بیان کند.

^{۱۶} زیرا تو قربانی را دوست نداشتی، ورنه تقدیم می‌کردم. قربانی سوختنی را پسند نکردی.

^{۱۷} قربانی‌ای مورد پسند خدا، روح شکسته است. خدایا، تو دل شکسته و فروتن را خوار نخواهی شمرد.

^{۱۸} به رضامندی خود بر سهیون احسان فرما و دیوارهای اورشلیم را آباد کن. ^{۱۹} آنگاه از

قربانی‌های عدالت و قربانی‌های سوختنی راضی خواهی شد و بر قربانگاه تو گاوها را تقدیم خواهند کرد.

سرنوشت شخص بدکار

(قصیده‌ای داود. او این مزمور را در اعتراض به دشمن خود دواغ ادومی نوشت. به اول سموئیل ۲۲ رجوع شود.)

^۱ ۵۲ ای متکبر چرا از بدی فخر می‌کنی؟ رحمت خدا همیشه پایدار است. ^۲ زبان تو ای حيله‌گر، مثل تیغ تیز، شرارت را اختراع می‌کند. ^۳ بدی را زیاده‌تر از نیکویی دوست می‌داری و دروغ را بیشتر از راستگویی. ^۴ همه سخنان تباه‌کننده را دوست می‌داری، ای زبان فریبنده.

^۵ خدا نیز ترا برای همیشه نابود می‌کند. ترا از خانه‌ات ربوده و می‌راند و از زمین زندگان ریشه کن می‌سازد. ^۶ عادلان این را دیده، می‌ترسند و بر او می‌خندند: ^۷ «این شخص را ببینید که بر خدا توکل نکرد، بلکه متکی به ثروت سرشار خود بود و از بدی خویش خود را زورآور ساخت.»

^۸ اما من مثل درخت سرسبز زیتون در خانه خدا هستم و به رحمت خدا تا به ابد توکل می‌دارم.

^۹ تو را برای هر آنچه انجام داده‌ای تا به ابد شکر می‌گویم و امید من به نام تو است که در نزد مقدسان تو نیکوست.

شرارت انسان

(قصیده‌ای از داود، همچنین در مزموور چهاردهم)

^۱ ۵۳ احمق در دل خود می‌گوید: «خدائی نیست.» فاسد شده‌اند و به کارهای زشت دست می‌زنند و حتی یک نفر نیکوکار نیست.

^۲ خدا از آسمان بر بنی آدم می‌نگرد تا ببیند که آیا شخص دانا و خداجوئی وجود دارد. ^۳ همه گمراه و فاسد شده‌اند. نیکوکاری نیست، حتی یک نفر هم نیست. ^۴ آیا این بدکاران شعور ندارند که قوم برگزیده خدا را مثل نان می‌خورند و نام خدا را یاد نمی‌کنند؟ ^۵ آنگاه سخت ترسان شدند، جایی که هیچ ترس نبود، زیرا خدا استخوانهای محاصره کننده تو را پاشان می‌سازد. آنها شرمنده می‌شوند زیرا خدا ایشان را رد نموده است.

^۶ ای کاش که نجات اسرائیل از سهیون بیاید. وقتی که خدا اسیران قوم برگزیده خود را بازگرداند، یعقوب خوشی می‌کند و اسرائیل شادمان می‌شود.

دعای رهایی از شر دشمنان

(قصیده‌ای از داود. او این مزموور را هنگامی نوشت که اهالی زیف می‌خواستند او را به دست شائول تسلیم کنند. به اول سموئیل ۱۹:۲۳ و

۵۴^۱ ای خدا به خاطر نام خود مرا نجات بده و به قوت خویش بر من داوری نما. ^۲ ای خدا دعای مرا بشنو و سخنان زبانم را گوش بگیر، ^۳ زیرا بیگانگان بر علیه من برخاسته‌اند و مردمان ظالم قصد کشتن مرا دارند. آن‌ها خدا را در مدنظر خود ندارند.

^۴ اما خدا مددگار من است و خداوند از حفظ کنندگان جان من است. ^۵ بدی را بر دشمنان من برمی‌گرداند. به راستی خود آن‌ها را ریشه‌کن ساز. ^۶ با کمال خوشی و میل به پیشگاه تو قربانی‌ها تقدیم می‌کنم. نام تو را ای خداوند سپاس می‌گویم، زیرا که نیکوست. ^۷ چونکه از تمامی سختی‌ها مرا نجات داده و چشم من شکست دشمنانم را نگریسته است.

دعای کسی که دوستش به او خیانت کرده است

(قصیده‌ای از داود)

۵۵^۱ ای خدا به دعای من گوش بده و وقتی که به حضور تو زاری می‌کنم خود را از من پنهان مکن. ^۲ دعای مرا بشنو و مستجاب فرما، زیرا که فکرم پریشان است و ناله می‌کنم. ^۳ به سبب آواز دشمن و ظلم شریر. آن‌ها نسبت به من ظلم نموده و با خشم بر من جفا می‌کنند. ^۴ دل من در اندرونم می‌لرزد و وحشت مرگ مرا فراگرفته است. ^۵ ترس و لرز به من وارد شده و وحشتی هولناک احاطه‌ام کرده است. ^۶ می‌گویم: «کاش مثل کبوتر بال می‌داشتم تا پرواز کرده و آرامی می‌یافتم. ^۷ پس به یک جای دوردست رفته و ساکن صحرا می‌شدم، ^۸ و بسوی پناهگاهی می‌شافتم تا از باد تُند و طوفان شدید در امان باشم.»

^۹ ای خداوند شیران را چنان سراسیمه گردان که زبان یکدیگر را نفهمند، زیرا در شهر ظلم و جنگ می‌بینم. ^{۱۰} شب و روز دیوارهایش را دور می‌زنند و شرارت و مزاحمت در شهر است.

^{۱۱} فسق و فساد در میان آن است و جور و خیانت از کوچه‌هایش دور نمی‌شود.

^{۱۲} اگر دشمن مرا ملامت می‌نمود، تحمل می‌کردم و یا اگر خصم من بر من سرافرازی می‌نمود، خود را از وی پنهان می‌ساختم، ^{۱۳} اما تو بودی ای مرد نظیر من! ای یار خالص و دوست صدیق من. ^{۱۴} که صحبت‌های شیرین با هم می‌کردیم و یکجا در جمع مردم به عبادتگاه می‌رفتیم. ^{۱۵} مرگ ناگهانی بر ایشان آید و زنده بگور فروروند، زیرا شرارت در خانه‌های ایشان و در میان ایشان است.

^{۱۶} اما من نزد خدا فریاد می‌کنم و خداوند مرا نجات می‌دهد. ^{۱۷} شامگاهان و صبح و ظهر شکایت و ناله را سر می‌دهم و او آواز مرا می‌شنود. ^{۱۸} جانم را از جنگی که بر من شده بود به سلامتی فدیة داده است، زیرا مخالفان من بسیاراند. ^{۱۹} خدا که پادشاه ازلی است می‌شنود و آن‌ها را شکست می‌دهد، زیرا که ایشان اصلاح‌ناپذیر بوده و از خدا نمی‌ترسند.

^{۲۰} دست خود را بر صلح‌اندیشان خویش دراز کرده و عهد خویش را شکسته است. ^{۲۱} سخنان چرب و نرم در زبانش، لیکن جنگ در باطن او است. حرف‌هایش چرب‌تر از روغن، ولی مثل شمشیر تیز و بُران‌اند.

^{۲۲} بار تمام تشویش‌های خود را به خداوند بسپار و او از تو حمایت می‌کند. او هرگز نمی‌گذارد که شخص عادل بیفتد. ^{۲۳} تو ای خدا، مردمان خونریز و حيله‌گر را به قعر گودال نیستی سرنگون کن و عمر ایشان را کوتاه ساز. لیکن من بر تو توکل می‌کنم.

توکل بر خدا

(مزموری از داود، هنگامیکه توسط فلسطینی‌ها در جت گرفتار شده.)

۵۶^۱ خدایا بر من رحم کن، زیرا که انسان مرا به شدت تعقیب می‌کند، تمامی روز با من جنگ کرده و مرا اذیت می‌نماید.^۲ دشمنانم تمامی روز مرا به شدت تعقیب می‌کنند، زیرا بسیارند آنانی که با غرور بر ضد من می‌جنگند.^۳ هنگامیکه ترسان شوم، به تو توکل خواهم داشت.^۴ در خدا کلام او را ستایش می‌کنم. بر خدا توکل می‌کنم و نمی‌ترسم. انسان فانی به من چه می‌تواند کرد؟

۵ هر روز سخنان مرا منحرف می‌سازند و همه فکرهای ایشان درباره من برای بدی است.
۶ همگی همدست شده‌اند و در کمین من هستند. در هر قدم مرا تعقیب می‌کنند و قصد کشتنم را دارند.^۷ آیا آن‌ها به سبب شرارت خود نجات خواهند یافت؟ ای خدا امت‌ها را در غضب خویش بینداز.^۸ تو روزهای آوارگی مرا شمرده و حساب اشکهایم را می‌دانی و در دفترت ثبت کرده‌ای.^۹ در آن روزی که خداوند را یاد کنم، دشمنانم برمی‌گردند و می‌گیرند. این را می‌دانم زیرا خدا با من است.^{۱۰} در خدا کلام او را ستایش می‌کنم. در خداوند کلام او را ستایش می‌کنم.^{۱۱} بر خدا توکل می‌کنم پس نمی‌ترسم. انسان فانی به من چه می‌تواند کرد؟

۱۲ ای خدا به وعده‌های که داده‌ام وفا می‌کنم و قربانی‌های شکرگزاری را در پیشگاه تو تقدیم می‌کنم.^{۱۳} زیرا که تو جان مرا از مرگ نجات دادی و پاهایم را از لغزیدن نگاه داشتی تا در نور حیات در حضور خدا راه روم.

دعای کمک

(مزموری از داود، هنگامیکه از نزد شائول به مغاره فرار کرد)

۵۷^۱ ای خدا بر من رحم فرما، بر من رحم کن! زیرا جانم به تو پناه آورده و در سایه بالهای

تو پناه برده‌ام تا این بلایا بگذرد.^۲ نزد خدای قادر متعال زاری و دعا می‌کنم، نزد خدایی که همه چیز را برایم تمام می‌کند.^۳ او برای نجات من از آسمان کمک می‌فرستد و آنهایی را که قصد نابودی مرا دارند ملامت می‌کند. خدا رحمت و راستی خود را خواهد فرستاد.^۴ جانم را شیران درنده احاطه کرده‌اند. در میان شعله‌های آتش قرار دارم، یعنی مردمانی که دندانهای شان چون نیزه‌ها و تیرهاست و زبان شان مانند شمشیر بُرنده است.^۵ ای خدا عظمت خود را در آسمان‌ها و جلالت را بر روی همه زمین آشکار ساز.

^۶ دامی در سر راه من قرار دادند و جانم افسرده گردید. چاهی پیش رویم کنند، اما خود شان در آن افتادند.

^۷ دل من مستحکم است. خدایا، دل من استوار است. من سرود خواهم خواند و تو را ستایش خواهم کرد.^۸ ای جان من بیدار شو! ای چنگ و رباب بیدار شوید! من سپیده‌دم را بیدار می‌کنم.^۹ ای خداوند تو را در میان امت‌ها سپاس می‌گویم و تو را در میان قوم‌ها ستایش می‌کنم،^{۱۰} زیرا رحمت تو تا آسمان‌ها عظیم است و راستی تو تا افلاک.^{۱۱} ای خدا عظمت خود را در آسمان‌ها و جلالت را بر روی همه زمین آشکار ساز.

مجازات مردم بدکار

(سرودی از داود)

۵۸ ^۱ آیا حقیقتاً عدالت گنگ است، چنانچه شما سخن می‌گوئید؟ ای بنی‌آدم، آیا شما از روی راستی قضاوت می‌کنید؟^۲ شما در دل‌های خود شرارت بعمل می‌آورید و با دستان تان بر روی زمین ظلم می‌کنید.^۳ شیران از رَحِم منحرف هستند و دروغ‌گویان از روز تولد گمراه.^۴ ایشان را زهری است مثل زهر مار و مانند کفچه‌مار که گوشهای خود را می‌بندد^۵ تا آواز افسونگران را نشنود، هر چند به مهارت افسون کند.

۶ ای خدا دندانهای آنها را در دهانشان بشکن. ای خداوند دندانهای شیرهای درنده را خرد کن. ۷ مثل آبی که در یک زمین خشک ناپدید می‌شود، آنها محو شوند و چون تیرهای خود را بیندازند، بی اثر باشند. ۸ مثل حلزونی باشند که در لعاب خود حل می‌گردد و مثل سقط زن که روی روشنی را نمی‌بیند. ۹ مثل خارهای باشند که قبل از آنکه دیگهای تان آتش آنها احساس کنند، همه آنها، چه تر و چه خشک، نابود می‌گردند.

۱۰ شخص عادل چون انتقام را دید خوشنود می‌گردد و پاهای خود را در خون شریر می‌شوید. ۱۱ آنگاه مردم می‌گویند: «یقیناً که پاداشی برای عادلان است و به یقین که خدائی هست که جهان را قضاوت می‌کند.»

دعای محافظت

(سرودی از داود، هنگامیکه شائول افراد خود را به خانه او فرستاد تا او را بکشند.)

۵۹ ۱ ای خدای من، مرا از دشمنانم نجات بده و مرا از مخالفانم در پناه خود نگاه دار. ۲ مرا از شریران خلاصی ده و از مردمان خونریز رهایی بخش. ۳ زیرا آنها برای کشتن من کمین کرده‌اند و زورآوران علیه من همدست شده‌اند. ای خداوند، بدون آنکه خطایی و یا گناهی را مرتکب شده باشم. ۴ بدون تقصیر من آنها می‌شتابند و خود را برای حمله آماده می‌کنند. پس برای کمک به من برخیز و حال مرا ببین. ۵ ای خداوند، خدای قادر مطلق و ای خدای اسرائیل، برخیز و همه خدانشناسان را به جزای اعمال شان برسان و بر هیچیک از غداران شریر شفقت مکن. ۶ آنها هر شب برمی‌گردند، مثل سگ قوله می‌کشند و در شهر گشت‌وگذار می‌کنند. ۷ فریاد می‌زنند و تهدید و توهین می‌کنند. زبان شان مثل شمشیر بُران است و فکر می‌کنند: «کیست که بشنود؟» ۸ اما تو ای خداوند، به آنها می‌خندی و آن بت پرستان را مسخره می‌کنی.

^۹ ای خدا، ای قوّت من، چشم امید من بسوی تو است، زیرا تو پناهگاه من می باشی. ^{۱۰} خدای من با رحمت خویش پیشاپیش من می رود. خدا شکست دشمنانم را به من نشان می دهد. ^{۱۱} ایشان را به قتل مرسان، مبادا قوم من این را فراموش کنند. ایشان را به قوّت خود پراکنده ساخته، به زیر انداز، ای خداوند که سپر ما هستی! ^{۱۲} به سبب گناه زبان و سخنان لبهای خود، در تکبر خویش گرفتار شوند. به خاطر لعنت و دروغی که می گویند، ^{۱۳} آن ها را نابود کن، در غضب خود نابود کن تا نیست گردند و بدانند که خدا در یعقوب و تا دورترین نقاط دنیا سلطنت می کند. ^{۱۴} آن ها هر شب برمی گردند، مثل سگ قوله می کشند و در شهر گشت وگذار می کنند. ^{۱۵} برای خوراک به هر طرف پراکنده می شوند و سیر نشده، شب را بسر می برند.

^{۱۶} اما من قوّت تو را می ستایم و هر صبح رحمت تو را با خوشی تمجید می کنم، زیرا تو قلعه بلند من هستی و در هنگام سختی پناهگاه من می باشی. ^{۱۷} ای خدا، ای قوّت من، برای تو سرود ستایش می خوانم، زیرا تو قلعه بلند من هستی و خدای رحمت من.

دعا برای رهایی

(سرودی از داود. او این مزمور را هنگامی نوشت که با لشکر سوری در جنگ بود و این همان جنگی بود که یوآب، سردار لشکر داود، دوازده هزار ادومی را در «دره نمک» از پای درآورد.)

۶۰ ای خدا، تو ما را دور انداخته و پراکنده ساختی! خشمگین بودی، حال بسوی ما برگرد! ^۲ تو زمین را به لرزه آوردی و آن را شکافتی. شکستگی هایش را درست کن، زیرا لرزان گردیده است. ^۳ مشکلات زیادی را به قوم برگزیده ات نشان داده و شراب سرگردانی را به ما نشانیدی. ^۴ عکمی به آنهایی که از تو می ترسند دادی تا آنرا برای راستی برافرازند. ^۵ تا محبوبان تو نجات یابند. به دست راست خود نجات ده و ما را مستجاب فرما.

۶ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است: «با خوشی فراوان شهر شکیم را تقسیم می‌کنم و وادی سوکوت را اندازه‌گیری می‌کنم. ۷ سرزمین جلعاد و مَسّی به من تعلق دارد. افرایم کلاهخود سر من و یهودا عصای سلطنت من است. ۸ سرزمین موآب را ظرف طهارت می‌گردانم، بر ادوم کفش خود را می‌اندازم و بر فلسطین فریاد پیروزی برمی‌آورم.»

۹ کیست که مرا به شهر حصاردار ببرد؟ و کیست که مرا به ادوم راهنمائی کند؟ ۱۰ مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته و با لشکرهای ما نرفتی؟ ۱۱ مرا در مقابل دشمن کمک فرما، زیرا معاونت از طرف انسان باطل است. ۱۲ با کمک خدا پیروزی نصیب ما است و او دشمنان ما را پایمال می‌سازد.

فریاد به حضور خدا

(مزموری از داود)

۱ ۶ ای خدا فریاد مرا بشنو و دعای مرا اجابت فرما! ۲ از دورترین نقطه دنیا تو را می‌خوانم. هنگامیکه دلم از حال می‌رود، به تو رو می‌آورم، تا مرا به صخره‌ای که از من بلندتر است هدایت نمائی. ۳ زیرا که تو پناهگاه من هستی و برج قوی ام در مقابل دشمن. ۴ می‌خواهم که تا به ابد در خیمه حضور تو ساکن باشم و در سایه بالهای تو پناه ببرم. ۵ زیرا تو ای خدا، وعده‌ای را که به تو داده‌ام شنیده‌ای و میراثی به من عطا کرده‌ای که به ترسندگان نام تو تعلق دارد. ۶ به روزهای عمر پادشاه روزها خواهی افزود و سالهای او تا نسلها باقی خواهد ماند. ۷ در حضور خدا خواهد نشست تا به ابد. رحمت و راستی را مهیا کن تا او را محافظت کنند. ۸ پس نام تو را تا به ابد ستایش می‌کنم و هر روز به وعده‌های که داده‌ام وفا می‌کنم.

(مزموری از داود)

۶۲

۱ جان من تنها نزد خدا آرامی می‌یابد، زیرا نجات من از جانب اوست. ۲ تنها او صخره و نجات من است و پناهگاه من، پس هرگز لغزش نمی‌خورم. ۳ تا به کی بر مردی هجوم می‌آورید و همگی تان می‌خواهید او را که مثل یک دیوار خمیده و شکسته است از بین ببرید؟ ۴ آن‌ها فقط در فکر این هستند که او را از مقام‌اش سقوط دهند و دروغ را دوست می‌دارند. آن‌ها به زبان خود برکت می‌دهند ولی در دل خود لعنت می‌کنند.

۵ ای جان من، تنها نزد خدا آرام یاب، زیرا امید من بر اوست. ۶ تنها او صخره و نجات من است و پناهگاه من، پس لغزش نمی‌خورم. ۷ نجات و عزت من بر خداست. صخره قوت من و پناه من در اوست. ۸ ای قوم، همیشه به او توکل کنید و دل‌های خود به حضور وی خالی نمائید، زیرا خدا پناهگاه ما است.

۹ بنی آدم چه عادی باشد و چه مهم، در هر صورت ناچیز است. وقتی در ترازو وزن شود از هوا هم سبکتر است. ۱۰ بر ظلم توکل نکنید، بر غارت افتخار نکنید و چون مال و دارائی تان افزوده شود دل به آن نبندید. ۱۱ خدا یک بار گفته است و دو بار این را شنیده‌ام که قوت از آن خداست. ۱۲ ای خداوند، رحمت نیز از آن تو است، زیرا به هر کس مطابق اعمالش اجر و جزا می‌دهی.

جان من تشنه توست

(مزموری از داود، هنگامیکه در بیابان یهودیه بود.)

۶۳ ای خدا، تو خدای من هستی. در سحر تو را می جویم. در زمین خشک و تشنه و بی آب، جان من تشنه تو است و تمام وجودم مشتاق تو.^۲ در جایگاه مقدست تو را نگریستم تا قوت و جلال تو را بینم.^۳ چونکه رحمت تو از خود زندگی بهتر است، پس لبهای من تو را ستایش می کند.^۴ تا که زنده ام تو را شکر و سپاس خواهم گفت و دستهای خود را به نام تو بلند خواهم کرد.^۵ جان من سیر می شود، چنانچه از غذای چرب و لذیذ و زبانم با خوشی تو را ستایش می کند.

۶ وقتی که در بستر خود می روم، تو را یاد می کنم و در هنگام شب به تو می اندیشم.^۷ زیرا تو مددگار من بوده ای و در سایه بالهای تو سرود شادمانی را می سرایم.^۸ جان من جدا از تو نیست و دست راست تو از من حمایت می کند.

۹ اما آنانی که قصد کشتنم را دارند، هلاک می گردند و در قعر جهنم فرومی روند.^{۱۰} آن ها با شمشیر کشته می شوند و طعمه شغالها می گردند.^{۱۱} اما پادشاه در خدا شادمانی می کند و هر کسی که نام خدا را اقرار کند سرفراز می شود، زیرا دهان دروغگویان بسته می گردد.

دعای حمایت از شر دشمنان

(مزموری از داود)

۶۴ ای خدا، آواز ناله و زاری مرا بشنو و حیاتم را از خوف دشمن نگاه دار.^۲ در مقابل توطئه شیران و هیاهوی بدکاران از من محافظت کن.^۳ آن ها زبان خود را چون شمشیر تیز کرده اند و مرا هدف تیر سخنان تلخ خود قرار داده اند.^۴ از کمینگاه خود شخص بیگناه را نشانه می گیرند و ناگهان او را با تیر می زنند و نمی ترسند.^۵ یکدیگر خود را در کارهای زشت تشویق

می‌کنند، در خفا نقشه می‌کشند و دام می‌گسترند و می‌گویند: «چه کسی می‌تواند ما را ببیند؟»
کارهای بد را طرح می‌کنند و می‌گویند: «چه خوب سنجیدیم.» چه عمیق است فکر درون
انسان و دل او.

اما خدا با تیرهای خود آن‌ها را می‌زند و جراحات ناگهانی را بر بدن شان وارد می‌کند.^۸ زبان
خودشان برای شان دام می‌شود و کسانی که آن‌ها را ببینند، با تمسخر سر خود را تکان می‌دهند.
آنگاه تمامی آدمیان ترسیده و کار خدا را بیان خواهند کرد و عمل او را خواهند فهمید.

شخص راستکار در خداوند خوشی کند و بر او توکل نماید! و همه عادلان خدا را ستایش
کنند!

ستایش و شکرگزاری

(مزمور و سرودی از داود)

۶۵ ای خدا، ستایش در سهیون منتظر توست و وعده‌ها برای تو وفا خواهد شد.^۲ ای که
دعا را می‌شنوی، همه بشر نزد تو می‌آیند.^۳ گناهان بر من سنگینی کرده است، اما تو تقصیرهای
مرا کفاره می‌کنی.^۴ خوشا به حال کسی که او را برگزیده و نزدیک به خود ساخته‌ای تا در
پیشگاه تو ساکن شود. از برکات خانه تو و از قدوسیت عبادتگاه تو ما سیر می‌شویم.

۵ ای خدایی که نجات ما هستی، با کارهای هیبتناک و عادلانه ما را جواب می‌دهی. تو مایه
امید ساکنان سراسر جهان و دورترین بحر هستی.^۶ کوهها را به قوت خود برافراشته‌ای و کمر
خود را به قدرت بسته‌ای.^۷ تلاطم بحرها را آرام می‌گردانی، تلاطم امواج آن‌ها را و شورش
امت‌ها را.^۸ ساکنان سراسر جهان از کارهای عجیب تو ترسانند. تو باعث فریاد شادمانی از یک
سوی جهان تا سوی دیگر آن هستی.

^۹ زمین را ملاقات کرده و سیراب می‌کنی و آنرا بسیار حاصلخیز می‌گردانی. نهر خدا از آب پُر است. غلهٔ ایشان را تهیه می‌کنی و زمین را به این طور آماده می‌سازی: ^{۱۰} گردهایش را سیراب کرده و بلندی‌هایش را هموار می‌سازی. با باران فراوان آنرا شاداب نموده و نباتاتش را برکت می‌دهی. ^{۱۱} به احسان تو محصولات تاج زمین گردیده و راههای تو فراوانی را ببار می‌آورد. ^{۱۲} کشتزارهای صحرا نیز حاصلخیز شده و تپه‌ها با شادمانی استوار گردیده‌اند. ^{۱۳} چمنزارها پُر از گله و رمه و وادی‌ها سرشار از غله هستند. همه از خوشی فریاد می‌زنند و سرود می‌سرایند.

سرود شکرگزاری

(سرود و مزمور)

۶۶ ای تمامیِ روی زمین، خدا را آواز شادمانی دهید! ^۲ جلال نام او را بسرائید و در ستایش او، عظمت او را تمجید کنید. ^۳ به خدا بگوئید: «چه با هیبت‌اند کارهای تو! به سبب شدت قوت تو دشمنانت از ترس در برابر تو سر تسلیم خم می‌کنند. ^۴ تمام روی زمین تو را پرستش کرده و تو را ستایش می‌کنند و نام تو را با سرود می‌ستایند.»

^۵ بیائید کارهای خدا را مشاهده کنید و ببینید که چه کارهای مهیبی را برای بنی‌آدم انجام داده است. ^۶ بحر را به خشکی تبدیل کرد و مردم با پای پیاده از میان آن عبور کردند. در آنجا ما از خدا خوشی کردیم. ^۷ در توانائی خود تا به ابد سلطنت می‌کند و چشمانش ناظر امت‌ها است. پس فتنه‌انگیزان بر ضد او قیام نکنند. ^۸ ای مردم جهان، خدای ما را متبارک خوانید و آواز ستایش او را بشنوانید. ^۹ او به جانهای ما حیات می‌بخشد و نمی‌گذارد که پاهای ما لغزش خورد.

^{۱۰} تو ای خدا، ما را آزمایش کردی و چون نقره‌ای که در کوره تصفیه می‌شود ما را پاک ساختی. ^{۱۱} تو ما را به دام درآوردی و بار سنگینی را بر پشت‌های ما نهادی. ^{۱۲} مردمان را بر سر ما مسلط ساختی و به آتش و آب درآمدیم. اما سرانجام ما را به یک جای آرام و پُربرکت

^{۱۳} به خانه تو با قربانی های سوختنی می آیم و به وعده های خود وفا می کنم. ^{۱۴} وعده های که در ایام سختی، لبهای خود را بر آنها گشودم و به زبان خود آوردم. ^{۱۵} قربانی های سوختنی پرواری را نزد تو می گذرانم. گوساله ها و بزها را با دود قوچها ذبح می کنم.

^{۱۶} ای همه خداترسان بیائید و بشنوید تا شما را از آنچه خدا برای جان من کرده است آگاه سازم. ^{۱۷} با دهانم نزد او آواز خود را بلند کردم و سرود ستایش بر زبان من بود. ^{۱۸} اگر شرارت را در دل خود نگه می داشتم، خداوند دعایم را نمی شنید. ^{۱۹} اما خدا دعای مرا شنیده است و به آواز دعای من توجه فرموده.

^{۲۰} متبارک باد خدا که دعای مرا رد نکرده و رحمت خویش را از من دریغ نداشته است.

سرود شکرگزاری

(سرود و مزمور)

^۱ ^{۶۷} خدا بر ما رحم کند و ما را برکت دهد و نور روی خود را بر ما بتاباند، ^۲ ای خدا راه تو در جهان شناخته گردد و نجات تو بر جمیع امت ها. ^۳ ای خدا همه مردم تو را ستایش کنند و جمیع قوم ها تو را سپاس گویند.

^۴ امت ها خوشی کنند و سرود شادمانی بسرایند، زیرا قوم ها را به انصاف داوری نموده و

امت های جهان را هدایت می کنی. ^۵ ای خدا قوم ها تو را ستایش کنند و جمیع قوم ها تو را

سپاس گویند. ^۶ آنگاه زمین محصول خود را داده و خدا، خدای ما، ما را برکت می دهد. ^۷ خدا ما را برکت دهد و همه گوشه و کنار جهان از او بترسند.

(مزمور و سرودی از داود)

۶۸^۱ خدا برخیزد و دشمنانش پراکنده شوند و آنانی که از او نفرت دارند از حضورش بگریزند! ^۲ مثل دود که پراکنده می‌شود، ایشان را پراکنده ساز و چنانکه موم نزد آتش آب می‌شود، شیران نیز در حضور خدا هلاک گردند. ^۳ اما راستکاران شاد می‌شوند، در حضور خدا به وجد می‌آیند و به شادمانی خرسند می‌شوند.

^۴ برای خدا سرود بخوانید و نام او را بستائید. او را که بر ابرها سوار است، جلال دهید. نام او خداوند است! در حضورش به وجد آئید. ^۵ پدر یتیمان و حامی بیوه زنان، خداست در جایگاه مقدس خود! ^۶ خدا بی‌کسان را جای و مسکن می‌دهد و اسیران را به آزادی بیرون می‌آورد. اما فتنه‌انگیزان در بیابان خشک و سوزان ساکن می‌گردند.

^۷ ای خدا، وقتی که پیش روی قوم برگزیده‌ات رفتی و هنگامیکه در بیابان خرامیدی، ^۸ زمین لرزان گردید و آسمان به حضور خدا بارید. کوه سینا نیز به حضور خدا، خدای اسرائیل به لرزه افتاد. ^۹ تو ای خدا باران نعمت‌ها بارانیدی تا میراث را که از حال رفته بود استوار و شاداب گردانی. ^{۱۰} قوم برگزیده‌ات در آن زمین ساکن شدند. تو ای خدا، از روی سخاوت‌مندی خویش برای نیازمندان تدارک دیده‌ای.

^{۱۱} خداوند فرمان داد و گروه کثیر زنان این مژده را رساندند: ^{۱۲} «پادشاهان لشکرها شکست خورده و فرار می‌کنند و زنی که در خانه مانده است، غنایم جنگ را تقسیم می‌کند. ^{۱۳} آن‌ها یک وقتی در طویله می‌خوابیدند، اما اکنون خوشبخت و ثروتمند، مانند کبوتری که بالهایش نقره فام و پرهایش طلائیست، با زر و زیور تزئین شده‌اند. ^{۱۴} وقتی که خداوند قادر مطلق پادشاهان را در آنجا پراکنده ساخت، مثل برف بود که بر کوه صلمون پاشان می‌گردد.»

^{۱۵} کوه باشان متعلق به خداست. کوه باشان دارای قله‌های بلند است. ^{۱۶} ای کوه‌های که قله‌های بلند دارید، چرا به کوهی که خدا آن را برای سکونت خود برگزیده است به نظر حسرت می‌نگرید؟ خداوند در آنجا تا به ابد ساکن خواهد بود. ^{۱۷} عراده‌های جنگی خدا هزاران هزار است. خداوند در قدوسیت خود مثل کوه سينا در میان آنهاست. ^{۱۸} به عالم بالا صعود فرموده و اسیران را به اسیری برده‌ای. آدمیان خود را به تو تقدیم کردند، حتی مردم متمرّد نیز به تو تسلیم شدند تا تو خداوند، خدا در بین شان ساکن گردی.

^{۱۹} شکر و سپاس باد بر خداوندی که هر روزه متحمل بارهای ما می‌شود و خدایی که نجات‌دهنده ما است. ^{۲۰} خدا برای ما، خدای نجات است و خداوند، خدا رهاننده ما از مرگ. ^{۲۱} اما خداوند سر دشمنان خود را می‌کوبد و سر آنهايي را که در گناه خود روان هستند. ^{۲۲} خداوند فرمود: «من دشمنان تان را از قله‌های کوه باشان و از اعماق بحر برمی‌گردانم، ^{۲۳} تا خون ایشان پایمال شما گردند و زبان سگهای تان نیز از آنها حصه خود را بیابند.»

^{۲۴} ای خدایی که پادشاه و خدای من هستی، همه دیده‌اند که چگونه به جایگاه مقدست داخل می‌شوی. ^{۲۵} در پیش‌رو، خوانندگان می‌خرامند و در پشت سر، سازندگان و در وسط دوشیزگان دایره‌نواز. ^{۲۶} خدا را در جماعت‌ها ستایش کنید. ای کسانی که از نسل اسرائیل هستید، خداوند را سپاس گوئید. ^{۲۷} قبیله بنیامین که کوچکترین قبیله‌ها است، اولتر و رهبران قبایل یهودا، زبولون و نفتالی به دنبال شان می‌آیند. ^{۲۸} خدایت برای تو قوت بخشیده است. ای خدا قدرت خود را چنانچه در گذشته به ما نشان دادی، آشکار گردان. ^{۲۹} به خاطر عبادتگاه تو که در اورشلیم است، پادشاهان هدایا نزد تو می‌آورند. ^{۳۰} حیوان وحشی نیزار را و اقوام دیگر را که مثل گله‌های گاو و گوساله هستند، سرزنش کن تا با نقره‌های خود نزد تو گردن نهند. اقوامی را که جنگ را دوست می‌دارند، پراکنده ساز. ^{۳۱} سروران از مصر می‌آیند و حبشه دستهای خود را به سوی خدا بلند می‌کند.

^{۳۲} ای ممالک جهان برای خدا سرود بخوانید. برای خداوند سرود ستایش بسرائید. ^{۳۳} برای او

که از ازل بر تخت ملکوتی خود در آسمان جلوس فرموده است، سرود بخوانید.^{۳۴} او آواز خود را می‌دهد، آوازی که پُر قوّت است.^{۳۵} خدا را در قوّت او بستائید. قوم اسرائیل از شکوه و جلال او برخوردار هستند و عظمت او در آسمان‌ها دیده می‌شود.^{۳۶} ای خدا چه هیبتناک هستی در جایگاه مقدس خویش! خدای اسرائیل قوم برگزیده خود را قوّت و توانائی می‌بخشد. متبارک باد خدا!

طلب کمک از خدا

(مزموری از داود)

۶۹^۱ خدایا مرا نجات ده! زیرا آبها نزدیک است نفس مرا بگیرد.^۲ در لجن زار عمیق فرورفته‌ام، جایی که نمی‌توان ایستاد. در آب‌های عمیق افتاده‌ام و سیلاب مرا احاطه کرده است.^۳ از فریاد خود خسته شده‌ام. گلویم خشک و چشمانم از انتظار خدای من تار گردیده است.^۴ آنانی که بی‌سبب از من نفرت دارند، از موهای سرم زیادتراند و آنهایی که قصد نابودی مرا دارند، قوی و نیرومند هستند. پس آنچه را که از کسی نگرفته بودم، از من مطالبه می‌کنند.

۵ ای خدا، تو حماقت مرا می‌دانی و گناهانم از تو مخفی نیست.^۶ ای خداوند، خدای قادر مطلق، منتظرین تو به سبب من خجل نشوند. ای خدای اسرائیل، آنهایی که طالب تو هستند، به خاطر من رسوا نگردند.^۷ زیرا به خاطر تو متحمل تمسخر مردم شده و رسوایی روی مرا پوشیده است.^۸ نزد برادرانم مثل یک اجنبی شده‌ام و خانواده‌ام مرا به نظر یک بیگانه می‌بینند.

۹ غیرت عبادتگاه تو مرا خورده، و ملامت‌های ملامت‌کنندگان تو بر من آورده است.^{۱۰} هنگامیکه با روزه و اشک جان خود را فروتن ساختم، آن‌ها مرا مسخره کردند.^{۱۱} وقتی برای توبه نمود پوشیدم، نزد ایشان ضرب‌المثل گردیدم.^{۱۲} مردم کوچه و بازار بر ضد من حرف می‌زنند و میگساران درباره من سرود می‌خوانند.^{۱۳} اما من ای خداوند، در پیشگاه تو در وقت مناسب

دعا می‌کنم. ای خدا، در کثرت رحمانیت خود و به خاطر حقیقتِ نجاتِ خود دعای مرا مستجاب کن. ^{۱۴} مرا از لجن‌زار خلاصی ده تا غرق نشوم و از نفرت‌کنندگانم و از عمق آبها نجات پیدا کنم. ^{۱۵} مگذار که سیل آبها مرا بپوشاند و یا عمق‌ها مرا ببلعد و گودال نیستی مرا در دهان خود فروبرد. ^{۱۶} ای خداوند مرا مستجاب فرما، زیرا رحمت تو نیکوست و از روی رحمت بی‌کرات به من توجه فرما. ^{۱۷} روی خود را از این بندهات مپوشان، زیرا در سختی قرار دارم. مرا به زودی مستجاب فرما. ^{۱۸} به من نزدیک شده، بهای آزادی‌ام را بپرداز و مرا از دست دشمنانم نجات ده.

^{۱۹} تو خواری، رسوایی و خجالت مرا دانسته و جمیع دشمنانم را می‌بینی. ^{۲۰} رسوایی دلم را شکسته است و به شدت بیمار شده‌ام. خواهان شفقت بودم، ولی دلسوزی نبود و منتظر تسلی‌دهندگان بودم، اما نیافتم. ^{۲۱} مرا برای خوراک زردآب دادند و چون تشنه بودم مرا سرکه نوشانیدند. ^{۲۲} پس دسترخوان شان و همچنان آسایش آن‌ها، برای شان دام گردد. ^{۲۳} چشمان شان تار کردند تا نبینند و کمرهای شان را همواره لرزان گردان. ^{۲۴} خشم خود را بر آن‌ها بریز و در آتش غضب خود ایشان را بسوزان. ^{۲۵} خانه‌های شان ویران گردد و در خیمه‌های شان هیچکس ساکن نشود. ^{۲۶} زیرا کسی را که تو زده‌ای زجر می‌دهند و درباره‌ی آنانی که تو مجروح شان کرده‌ای، باهم سخن می‌گویند. ^{۲۷} پس گناه به گناه ایشان بیفزای و عدالت تو شامل حال شان نگردد. ^{۲۸} از دفتر حیات محو شوند و در شمار راستکاران محسوب نگردند.

^{۲۹} اما من، مسکین و دردمند هستم، پس ای خدا، نجات تو مرا سرافراز سازد. ^{۳۰} آنگاه نام خدا را با سرود ستایش نموده و عظمت او را با شکرگزاری بیان می‌کنم. ^{۳۱} این است که خداوند را خشنود می‌سازد، زیادت‌تر از قربانی‌های گاو و گوساله. ^{۳۲} اشخاص فروتن این را دیده و شادمان می‌شوند. ای کسانی که جویای خدا هستید، دل شما زنده گردد. ^{۳۳} زیرا خداوند دعای نیازمندان را می‌شنود و اسیران خود را از یاد نمی‌برد.

^{۳۴} آسمان و زمین او را سپاس گویند و همچنان بحر‌ها و هر چه که در آن‌ها حرکت دارند. ^{۳۵} زیرا

خدا سهیون را نجات می دهد و شهرهای یهودا را آباد می کند تا قوم برگزیده او در آنجا سکونت نموده و مالک آن گردد. ^{۳۶} فرزندان آن ها وارث آن می گردند و کسانی که نام او را دوست دارند، در آن ساکن خواهند گردید.

دعای کمک

(مزموری از داود به جهت یادگاری)

(همچنان در مزمور ۱۳:۴۰-۱۷)

۷۰^۱ خدایا، برای نجات من شتاب کن! ای خداوند برای کمک به من تعجیل فرما! ^۲ آنهایی که قصد جانم را دارند، خجل و شرمنده گردند و کسانی که بدخواه من هستند، خجل و سرافکنده شوند. ^۳ آنانی که مرا مسخره می کنند، به سبب خجالت خویش رسوا گردند. ^۴ اما همه کسانی که جویای تو هستند، در تو خوشی و شادمانی کنند. آنهایی که بخاطر نجات خود شکرگزاراند، همیشه بگویند: «خدا بزرگ است.» ^۵ اما من مسکین و محتاج هستم. خدایا، برای من تعجیل کن، زیرا تو مددگار و نجات دهنده من هستی. پس ای خداوند، تأخیر مکن.

دعای شخص پیر

۷۱^۱ به تو ای خداوند پناه می آورم، پس تا به ابد شرمنده نخواهم شد. ^۲ به عدالت خود مرا آزاد کن و رهایی ده. دعایم را بشنو و مرا نجات ده. ^۳ برای من صخره سکونت باش تا همه وقت به آن پناه برم. تو به نجات من امر فرموده ای، زیرا صخره و قلعه من تو هستی. ^۴ خدای من، مرا از دست شیریران و از چنگ اشخاص بدکار و ظالم رهایی ده. ^۵ زیرا ای خداوند، خدای متعال تو امید من هستی و از طفولیت بر تو توکل داشته ام. ^۶ پیش از تولدم تو خدای من و از رحم مادر تو پناهگاه من بوده ای. پس تو را پیوسته ستایش می کنم.

^۷ برای مردم زیادی نشانه‌ای عجیب شده‌ام، لیکن تو پناهگاه قوی من هستی. ^۸ دهانم از ستایش تو پُر است و تمام روز جلال تو را بیان می‌کند. ^۹ در زمان پیری مرا از خود دور مکن و در وقت ناتوانی مرا ترک منما. ^{۱۰} زیرا دشمنانم برضد من سخن می‌گویند و تعقیب‌کنندگانم قصد جانم را دارند. ^{۱۱} آن‌ها می‌گویند: «خدا او را ترک کرده است، پس او را تعقیب نموده و دستگیر کنید، زیرا که رهاننده‌ای نیست.»

^{۱۲} ای خدا از من دور مشو و ای خدای من، به یاری من بشتاب. ^{۱۳} دشمنان جانم رسوا و نابود شوند و آنانی که برای ضرر من در تلاش هستند، با شرمندگی و رسوایی پوشیده گردند. ^{۱۴} اما چشم امید من پیوسته بسوی تو است و بیشتر از پیش تو را ستایش خواهم کرد. ^{۱۵} زبانم عدالت تو را بیان می‌کند و نجات تو را تمامی روز. اگر چه حد و قیاس آنرا نمی‌دانم. ^{۱۶} در توانائی خداوند، خدای قادر مطلق خواهم رفت و فقط از عدالت تو خبر می‌دهم.

^{۱۷} ای خدا، از طفولیتم مرا تعلیم داده‌ای و تا به اکنون کارهای شگفت‌انگیز تو را اعلام کرده‌ام. ^{۱۸} پس ای خدا، مرا حتی در زمان پیری و موسفیدی نیز ترک نکن. تا بتوانم این نسل را از قدرت تو خبر دهم و همه نسل‌های آینده را از توانائی تو. ^{۱۹} ای خدا، عدالت تو تا به آسمان‌ها می‌رسد. تو کارهای عظیم انجام داده‌ای. خدایا، مانند تو کیست؟ ^{۲۰} ای که تنگی‌های بسیار و سخت را به ما نشان داده‌ای، رجوع کرده، باز ما را زنده خواهی ساخت و برگشته ما را از اعماق زمین برخواهی آورد. ^{۲۱} مرا بیشتر از پیش سرافراز خواهی نمود و برگشته، مرا تسلی خواهی بخشید. ^{۲۲} پس من نیز راستی تو را، ای خدای من، با نغمه چنگ ستایش می‌کنم و به تو ای قدوس اسرائیل با نوای رباب سرود خواهم خواند. ^{۲۳} لبهایم وقتیکه برای تو سرود می‌خوانم، بسیار خوشی خواهد کرد و جانم نیز که آنرا فدیة داده‌ای. ^{۲۴} زبانم نیز تمامی روز عدالت تو را ذکر می‌کند، زیرا آنانی که برای ضرر من در تلاش بودند، شرمنده و رسوا گردیدند.

(مزموری از سلیمان)

۷۲ ای خدا، انصاف خود را به پادشاه ده و عدالت خود را به پسر پادشاه! ^۲ تا او قوم برگزیده تو را به عدالت داوری کند و مسکینان تو را با انصاف. ^۳ آنگاه کوهها برای قوم برگزیده ات سلامتی باری آورند و تپه ها نیز در عدالت. ^۴ باشد که او به داد مسکینان قوم برسد، فقیران را نجات دهد و ظالمان را سرکوب کند. ^۵ تا زمانی که آفتاب باقی است و ماه هست، آن ها از تو خواهند ترسید از یک نسل تا نسل دیگر. ^۶ او مثل بارانی خواهد بود که بر علف زار می بارد و مانند بارش های که زمین را سیراب می کند. ^۷ در دوران او عادلان رشد خواهند کرد و تا زمانی که ماه هست، کثرت سلامتی خواهد بود.

^۸ ساحه قلمرو او از بحر تا بحر و از دریای فرات تا دورترین نقطه جهان خواهد بود. ^۹ به حضور وی، ساکنین بیابان به زانو درآمده و دشمنان او به خاک می افتند. ^{۱۰} پادشاهان ترشیش و جزایر هدایا خواهند آورد و پادشاهان سیا و سیا به او جزیه خواهند داد. ^{۱۱} تمام پادشاهان او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت ها او را بندگی خواهند نمود. ^{۱۲} وقتی شخص فقیر از او کمک بخواهد، او را نجات خواهد داد و همچنان مسکینی را که چاره سازی ندارد. ^{۱۳} بر ضعیفان و نیازمندان دلسوزی می کند و جان مسکینان را نجات می دهد. ^{۱۴} آن ها را از ظلم و ستم می رهاند، زیرا خون ایشان در نظر وی گرانبها است.

^{۱۵} عمر پادشاه دراز باد و از طلای سیا به او داده شود. پیوسته برای وی دعا شود و برکات خدا همواره شامل حالش باشد. ^{۱۶} زمین و کوهها پُر از غله و محصول فراوان باشند. مثل لبنان سرشار از میوه و با ثمر گردند. همان طوری که چمن ها پُر از علف و سبزه هستند، شهرهایش نیز پُر نفوس باشند. ^{۱۷} نام او تا ابد پاینده باد و اسم او همچون آفتاب عالمگیر باشد. آدمیان در او با یکدیگر برکت ببینند و جمیع امت های زمین او را متبارک خوانند.

^{۱۸} متبارک باد خداوند خدای متعال، خدای اسرائیل! که فقط او کارهای شگفت‌انگیز انجام می‌دهد. ^{۱۹} تا به ابد متبارک باد نام پُر جلال او! تمامی زمین از جلال او پُر گردد. آمین! آمین!

^{۲۰} دعا‌های داود، پسری در اینجا خاتمه یافت.

کتاب سوم

(مزامیر ۷۳ - ۸۹)

عدالت خدا

(مزموری از آساف)

۷۳ ^۱ یقیناً که خدا برای اسرائیل نیکوست، او برای آنانی که پاک دل هستند نیکوست. ^۲ اما من، نزدیک بود که پاهایم از راه منحرف شود و قدم‌هایم لغزش خورد، ^۳ زیرا بر اشخاص متکبر و شریر حسد بردم وقتی سلامتی شان را دیدم. ^۴ آن‌ها تا زمان مرگ با هیچ تکلیفی درگیر نشده و قوی و سالم بوده‌اند. ^۵ مثل مردم دیگر در زحمت نیستند و مانند اشخاص دیگر با سختی روبرو نشده‌اند. ^۶ بنابراین گردن ایشان با غرور آراسته است و ظلم مثل لباس آن‌ها را می‌پوشاند. ^۷ چشمان شان به خاطر چاقی آن‌ها نزدیک است که از حدقه بیرون رود و به نسبت خیالات دل خود همیشه بلندپروازی می‌کنند. ^۸ مردم را تحقیر می‌کنند، حرف‌های بد می‌زنند و سخنان ظلم‌آمیز را مغرورانه بر زبان می‌آورند. ^۹ دهان شان بر ضد آسمان باز است و زبان شان در جهان گردش می‌کند. ^{۱۰} قوم برگزیده خدا هم بدنبال آن‌ها می‌روند و آب‌های فراوان به ایشان نوشانیده می‌شود. ^{۱۱} حتی می‌گویند: «خدا چگونه بداند و آیا خدای متعال علم دارد؟» ^{۱۲} مردمان بدکار را ببینید، زندگی آرام دارند و ثروت شان روز بروز زیادتر می‌شود.

^{۱۳} پس آیا من بیهوده دل خود را پاک ساخته و دست‌های خود را از گناه دور داشته‌ام؟ ^{۱۴} تمام

روز در زحمت بوده و هر صبح تنبیه می‌گردم.^{۱۵} اگر من واقعاً آن حرفها را می‌زدم، البته در برابر قوم برگزیده تو خیانتکار محسوب می‌شدم.^{۱۶} چون فکر کردم که این را بفهمم، در نظرم دشوار آمد.^{۱۷} تا که به قدسهای خدا داخل شدم. آنگاه دانستم که عاقبت و سرنوشت بدکاران چه است.^{۱۸} تو آنها را در جاهای لغزنده قرار داده‌ای تا در ویرانی سقوط کنند.^{۱۹} آنها ناگهان به هلاکت رسیده و تباہ می‌شوند. عاقبت زندگی آنها ترس‌آور و وحشتناک است.^{۲۰} همان طوریکه خواب انسان بعد از بیدار شدن محو می‌گردد، همچنین تو ای خداوند وقتی برخیزی، تصورات آنها را ناچیز می‌شماری.

^{۲۱} در آن وقت که دل من تلخ شده و در باطن خود دل‌ریش بودم،^{۲۲} همچو یک جاهل و بی‌معرفت و مثل یک حیوان نزد تو گردیدم.^{۲۳} با وصف این همه من دائماً با تو هستم و تو دست مرا گرفته‌ای.^{۲۴} موافق صلاح‌دید خود مرا هدایت می‌کنی و بعد مرا در حضور پُر‌جلال خود می‌رسانی.^{۲۵} کیست برای من در آسمان؟ غیر از تو هیچ چیزی را در زمین نیز نمی‌خواهم.^{۲۶} هر چند بدنم فرسوده و دلم ضعیف گردد، اما خدا صخرهٔ دلم و تا ابد همه چیز من است.^{۲۷} کسانی که از تو دورند، هلاک می‌گردند و آنانی را که به تو بی‌وفایی و خیانت می‌کنند، نابود خواهی ساخت.^{۲۸} اما من، چقدر خوب است که همیشه به خدا نزدیک باشم. به خداوند متعال توکل کرده‌ام تا همهٔ کارهای او را بیان کنم.

دعا برای رهایی

(قصیده‌ای از آساف)

۷۴^۱ خدایا، چرا ما را برای همیشه ترک کرده‌ای و خشم تو بر ما که گوسفندان چراگاه تو هستیم، افروخته شده است؟^۲ قومی را بیاد آور که از ایام قدیم برای خود خریده‌ای و آنها را فدیہ کرده‌ای تا قوم برگزیدهٔ تو شوند. این کوه سهیون را بیاد آور که در آن ساکن بوده‌ای.

^۳ بسوی خرابه‌های دائمی آن قدم بردار، زیرا دشمن هر چه را که در عبادتگاه تو بود، خراب کرده است. ^۴ دشمنانت در عبادتگاه مقدس تو فریاد می‌زنند و بیرق‌های خود را به نشانه پیروزی در آنجا برپا می‌نمایند. ^۵ مثل کسانی به نظر می‌رسند که تبرها را برای قطع کردن درختان جنگل بلند می‌کنند. ^۶ آن‌ها تمام نقش و نگار تراشیده عبادتگاه را با تبرها و چکش‌ها خراب می‌کنند. ^۷ عبادتگاه مقدس تو را آتش زده‌اند و مسکن نام تو را با خاک یکسان نموده و بی‌حرمت کرده‌اند. ^۸ در دل خود می‌گویند: «ما آن‌ها را بکلی نابود می‌کنیم.» پس تمام جاهای مقدس خدا را در سرزمین سوزانیده‌اند. ^۹ علامات تو را دیگر نمی‌بینیم و از انبیاء هم یک نفر باقی نمانده است. در بین ما هیچکس نیست که بداند این وضع تا چه وقت دوام می‌کند. ^{۱۰} ای خدا، دشمن تا به کی ملامت خواهد کرد؟ و آیا او تا به ابد نام تو را بی‌حرمت خواهد نمود؟ ^{۱۱} چرا دست راست خود را از ما دریغ داشته‌ای؟ پس قدرت خود را ظاهر ساخته و ایشان را نابود کن.

^{۱۲} خدا از قدیم پادشاه من است. او با معجزات بر روی زمین نجات را نمایان ساخته است. ^{۱۳} تو به قوت خود آب بحر را از هم جدا کردی و سر نهنگ‌ها را در آبها شکستی. ^{۱۴} همچنین سر لویاتان، یعنی جانور بحری، را کوبیده و او را خوراک جانوران بیابان ساختی. ^{۱۵} تو چشمه‌ها و جویها را به جریان آوردی و نهرهای دائمی را خشک گردانیدی. ^{۱۶} روز به تو تعلق دارد و شب نیز. آفتاب و مهتاب را تو در جاهای شان قرار داده‌ای. ^{۱۷} تمام حدود زمین را تو تعیین کرده‌ای. تابستان و زمستان را تو ایجاد کرده‌ای.

^{۱۸} ای خداوند این را بیاد آور که چسان دشمن تمسخر می‌کند و چگونه مردم جاهل نام تو را بی‌حرمت می‌نماید. ^{۱۹} جانِ فاخته خود را به جانور وحشی مسپار و این قوم رنج‌دیده‌ات را تا به ابد فراموش مکن. ^{۲۰} عهدی را که بسته‌ای بیاد آور، زیرا مردم ظالم در هر گوشه تاریک کمین کرده و زمین را از ظلم پر ساخته‌اند. ^{۲۱} مگذار که مظلومان رسوا گردند. مسکینان و نیازمندان نام تو را ستایش کنند. ^{۲۲} ای خدا، برخیز و حقانیت خود را پابرجا کن و بیاد آور که چگونه احمق تمام روز تو را تمسخر می‌کند. ^{۲۳} فریاد دشمنان خود را فراموش مکن و غوغای مخالفین خود را که همواره بلند می‌شود.

خداوند داور حقیقی است

(مزمور و سرودی از آساف)

۷۵^۱ خدایا، تو را ستایش می‌کنیم و تو را سپاس می‌گوئیم! زیرا نام تو به ما نزدیک است و مردم کارهای عجیب تو را بیان می‌کنند.

۲ خداوند می‌فرماید: «هنگامیکه به وقت معین برسم، با عدالت داوری خواهم کرد.^۳ اگرچه زمین و همه ساکنین آن در حال ذوب‌شدن هم باشند، من ارکان آنرا استوار نگاه می‌دارم.^۴ به متکبران می‌گویم که مغرور نباشند و شیران به قدرت خود نبالند،^۵ بلندپروازی نکنند و از روی سرکشی سخنان تکبرآمیز نگویند.»^۶ زیرا سرافرازی نه از شرق، نه از غرب و نه از بیابان و نه از کوهها می‌آید،^۷ بلکه تنها خدا داور است. او است که یکی را سرافراز و دیگری را سرافکنده می‌سازد.

۸ در دست خداوند کاسه‌ای است که مملو از شراب تلخ آمیخته با غضب او است. او آنرا می‌ریزد و همه شیران جهان باید تا آخرین قطره از آن بنوشند.^۹ اما من تا به ابد اعلام کرده و برای خدای یعقوب سرود ستایش می‌خوانم.^{۱۰} شاخ افتخار شیران تماماً بریده شده، اما قدرت راستکاران برافراشته خواهد شد.

خدا پیروز است

(مزمور و سرودی از آساف)

۷۶^۱ خدا در یهودا معروف است و نام او در اسرائیل عظیم!^۲ خیمه اوست در شالیم و مسکن او در سهیون.^۳ او در آنجا تیرهای آتشین را شکست و همچنان سپر و شمشیر و جنگ

را. ^۴ تو پُر جلال و شکوهمند هستی، بیشتر از کوههای مهیب. ^۵ شجاعترین مردان دشمن در آنجا تاراج شده و به خواب ابدی فرورفتند و دست خود را دیگر بلند کرده نتوانستند. ^۶ از توبیخ تو ای خدای یعقوب، سواران و اسبها به خواب گران فرورفتند.

^۷ اما تو مهیب هستی، تنها تو! در حین غضبت کیست که در حضور تو بایستد؟ ^۸ از آسمان داوری را شنوایدی. جهان بترسید و خاموش گردید، ^۹ هنگامیکه خدا برای داوری برخاست تا مسکینان جهان را نجات دهد. ^{۱۰} خشم انسان تو را سپاس خواهد گفت و کمر بازماندگان خشم را می بندد.

^{۱۱} به خداوند خدای خود وعده دهید و به آن وفا کنید. همه آن‌ها که گرداگرد او هستند، برای او که مهیب است هدایا تقدیم کنند. ^{۱۲} روحیه فرمانروایان را می شکند و پادشاهان جهان را به وحشت می اندازد.

تسلی در روز پریشانی

(مزموری از آساف)

۷۷ ^۱ آواز من بسوی خداست و فریاد می کنم. بسوی خدا فریاد می کنم و او مرا خواهد شنید. ^۲ در روز پریشانی خود خداوند را طلب کردم. در شب نیز دست من برای دعا بلند شده و خسته نگردید و جان من تسلی را ترجیح نداد. ^۳ خدا را بیاد می آورم و می نالم. تفکر می کنم و روح من حیران می گردد. ^۴ چشمانم را بیدار نگه داشتی و از پریشانی حرفی زده نمی توانم. ^۵ به روزگار گذشته فکر می کنم و سالهای قدیم را بیاد می آورم. ^۶ سرود شبانه خود را بیاد می آورم. در دل خود تفکر می کنم و روح من جوینده است. ^۷ آیا خداوند تا به ابد ترک می کند و دیگر هرگز راضی نخواهد شد؟ ^۸ آیا رحمت او برای همیشه زایل شده و عهد او تا به ابد باطل گردیده است؟ ^۹ آیا خدا شفقت خود را از یاد برده و رحمت های خود را در غضب بازداشته است؟ ^{۱۰} پس گفتم

این درد من است که دست راست خدای متعال با من مثل قدیم نیست. ^{۱۱} در کارهای خداوند تفکر می‌کنم. بلی، اعمال شگفت‌انگیز تو را که از قدیم است به یاد می‌آورم. ^{۱۲} دربارهٔ جمیع کارهای تو می‌اندیشم و در صنعت‌های تو تفکر می‌کنم.

^{۱۳} ای خدا، طریق تو در قدوسیت است. کیست خدای بزرگ مثل تو، ای خدا؟ ^{۱۴} تو خدائی هستی که کارهای عجیب می‌کنی. تو قدرت خود را به همهٔ اقوام جهان معروف گردانیده‌ای. ^{۱۵} قوم برگزیدهٔ خود را به بازوی خود رهانیده‌ای، یعنی اولادهٔ یعقوب و یوسف را. ^{۱۶} آنها تو را دید، ای خدا، آنها تو را دیده به لرزه آمد و عمق آنها نیز سخت آشفته و لرزان گردید. ^{۱۷} از ابرها باران بارید، در آسمان رعد پدید آمد و تیرهای برق تو از هر طرف به جهیدن شروع کردند. ^{۱۸} صدای رعد تو در گردباد بود و نور برق، جهان را روشن ساخت و زمین آشفته و لرزان گردید. ^{۱۹} طریق تو در موجهای بحر است و راههای تو در آب‌های فراوان، اما آثار تو را نمی‌توان دانست. ^{۲۰} قوم برگزیدهٔ خود را مانند یک چوپان رهبری و به دست موسی و هارون هدایت نمودی.

خدا و قوم برگزیدهٔ او

(قصیده‌ای از آساف)

۷۸ ^۱ ای قوم من به تعلیمات من گوش دهید و به سخنان دهانم گوش فرادهید. ^۲ دهان خود را به مثل‌ها باز خواهم کرد و چیزهای را شرح خواهم داد که از بنای عالم مخفی بوده است، ^۳ چیزهای که شنیده و دانسته‌ایم و پدران ما برای ما بیان کرده‌اند. ^۴ ما هم آنها را از فرزندان ایشان پنهان نخواهیم کرد. ستایشات خداوند را و قدرت او و معجزات شگفت‌انگیزی را که او کرده است، برای نسل‌های آینده بیان می‌کنیم. ^۵ خداوند شهادتی در یعقوب برپا داشت و احکامی در اسرائیل وضع کرد و پدران ما را امر فرمود که آنها را به فرزندان خود تعلیم دهند،

۶ تا نسل آینده آن‌ها را بدانند و فرزندان‌ی که در آینده متولد می‌گردند نیز برخاسته و آن‌ها را به فرزندان خود بیان نمایند. ۷ و ایشان به خدا توکل نمایند و اعمال خدا را فراموش نکنند بلکه احکام او را اطاعت کنند. ۸ تا مثل پدران خود نسل سرکش و فتنه‌انگیز نشوند که دل‌شان با خدا راست نبود و نه روح ایشان بسوی خدا وفادار.

۹ مردم افرایم با وجودیکه با تیر و کمان مسلح بودند، در روز جنگ فرار کردند. ۱۰ پیمان خدا را نگاه نداشتند و مطابق احکام او عمل نکردند. ۱۱ کارهای خداوند را فراموش کردند و معجزاتی را که او به ایشان ظاهر کرده بود. ۱۲ در برابر چشمان پدران‌شان در سرزمین مصر و صوعن، کارهای شگفت‌انگیزی بعمل آورد. ۱۳ آب بحر را دوشق کرده، ایشان را عبور داد و آبها را مانند دیوار برپا داشت. ۱۴ در روز آن‌ها را در زیر سایه ابر و هنگام شب با نور آتش هدایت می‌نمود. ۱۵ در بیابان صخره‌ها را بشگافت و آب فراوان، مثل آبی که از عمق‌ها به دست می‌آید، به آن‌ها فراهم نمود. ۱۶ آب از صخره‌ها فوران کرد و مثل نهرها جاری شد. ۱۷ با وجود همه اینها، بار دیگر نسبت به او گناه ورزیدند و در برابر خدای متعال در بیابان آشوب برپا کردند. ۱۸ در دل‌های خود خداوند را امتحان کردند، زیرا از او برای ارضای نفس خود غذا خواستند. ۱۹ بر ضد خدا حرف می‌زدند و می‌گفتند: «آیا خدا می‌تواند در این بیابان سفره‌ای برای ما تهیه کند؟» ۲۰ بلی، دیدیم که او صخره را زد و آبها روان شد و نهرها جاری گردید، پس آیا می‌تواند نان را نیز بدهد و گوشت برای قوم برگزیده خود حاضر سازد؟»

۲۱ وقتی خداوند این را شنید، غضبناک شد و آتش در یعقوب شعله‌ور شد و خشم بر اسرائیل افروخته گردید، ۲۲ زیرا به خدا ایمان نداشته و به قدرت نجات‌بخش او اعتماد نکردند. ۲۳ پس ابرها را از بالا امر فرمود و دریچه‌های آسمان را گشود. ۲۴ آنگاه «منا» را بر ایشان بارانید تا بخورند و غله آسمان را به ایشان بخشید. ۲۵ مردمان از غذای فرشتگان خوردند و آذوقه فراوان داشتند. ۲۶ باد شرقی را در آسمان وزانید و با قدرت خود باد جنوبی را آورد. ۲۷ گوشت را برای‌شان مثل غبار فرستاد یعنی پرندگان را مانند ریگ دریا. ۲۸ او آنرا در بین خیمه‌ها و اطراف اقامتگاه‌شان فرود آورد. ۲۹ همگی خوردند و سیر شدند و آنچه که نفس‌شان آرزو داشت، به

آن‌ها داده شد.^{۳۰} ایشان از طمع خود دست بردار نبوده و غذای دهن را هنوز فرو نبرده بودند،^{۳۱} که غضب خدا بر ایشان شعله‌ور گردیده، تنومندان شان را کشت و جوانان اسرائیل را هلاک ساخت.

^{۳۲} با وجود این همه، آن‌ها دست از گناه نکشیدند و به معجزات او ایمان نیاوردند.^{۳۳} بنابراین او کاری کرد که روزهای شان در بیهودگی گذشت و سال‌های شان در وحشت و ترس.^{۳۴} هنگامیکه عده‌ای از آنها را کشت، بقیه به خدا رو آورده، توبه نمودند و حضور او را طلبیدند.^{۳۵} آن‌ها به یاد آوردند که خدا صخره‌ای ایشان و خدای متعال رهاننده‌ی ایشان است.^{۳۶} اما با دهان خود به او چاپلوسی کردند و با زبان خویش به او دروغ گفتند،^{۳۷} زیرا که دل ایشان با او راست نبود و به عهد وی وفادار نماندند.^{۳۸} اما او از روی رحمت خود گناه ایشان را بخشیده، آن‌ها را هلاک نساخت بلکه بارها از غضب خود برگشته و تمامی خشم خود را ظاهر نکرد.^{۳۹} و بیاد آورد که آن‌ها بشر هستند و مثل بادی که می‌وزد و بر نمی‌گردد.

^{۴۰} آن‌ها به مراتب در بیابان در مقابل او سرکشی نمودند و در صحرا او را رنجانیدند.^{۴۱} بارها او را امتحان کردند و به قدوس اسرائیل بی‌حرمتی نمودند.^{۴۲} قدرت او را به خاطر نداشتند، روزی که ایشان را از دشمن رهانیده بود،^{۴۳} که چگونه نشانه‌های خود را در مصر ظاهر ساخت و معجزات خود را در دیار صوعن.^{۴۴} دریاها و نه‌رهای شان را به خون تبدیل کرد، طوریکه آب برای نوشیدن نداشتند.^{۴۵} انواع حشرات نیشدار را فرستاد که آن‌ها را گزیدند و بقه‌ها که به آن‌ها آسیب رسانیدند.^{۴۶} کشت و زراعت شان را بوسیله‌ی کرم‌ها تلف کرد. محصول زحمت شان را خوراک ملخ‌ها ساخت.^{۴۷} تاکستان ایشان را با ژاله خراب کرد و درختان انجیر شان را با ژاله‌های بزرگ.^{۴۸} رمه و گله‌ی شان را به ژاله سپرد و مواشی شان را به شعله‌های برق.^{۴۹} آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، یعنی غضب و خشم شدید و مصیبت را با فرشتگان هلاکت.^{۵۰} غضب خود را جاری ساخت و جان ایشان را از موت نرهانید، بلکه به مرض کشنده‌ی ویا تسلیم نمود.^{۵۱} همه‌ی نخست‌زادگان مصریان را کشت و اولباری‌های قوت ایشان را در خیمه‌های حام.

^{۵۲} آنگاه قوم برگزیده خود را مثل گوسفندان از مصر بیرون آورد و ایشان را در بیابان همچون گله‌ای رهنمایی نمود. ^{۵۳} ایشان را در امنیت رهبری کرد تا نترسند، اما بحر دشمنان شان را در کام خود فروبرد. ^{۵۴} بعد ایشان را به سرزمین مقدس خود آورد، به این کوهی که با قدرت دست راست خود حاصل کرده بود. ^{۵۵} امت‌ها را پیش روی ایشان بیرون راند و مُلک شان را با ریسمان تقسیم نموده و قبایل اسرائیل را در خیمه‌های ایشان ساکن گردانید. ^{۵۶} لیکن آن‌ها بازهم خدای متعال را امتحان کردند، به او آشوب برپا کردند و شهادت او را نگاه نداشتند. ^{۵۷} ایشان برگشته، مانند پدران خود خیانت ورزیدند و مثل کمان نادرست، منحرف شدند. ^{۵۸} با ساختن بتخانه‌ها در جاهای بلند خشم او را برافروختند و با پرستش بت‌های خویش غیرت او را به هیجان آوردند. ^{۵۹} چون خدا این را شنید، غضبناک گردید و از اسرائیل به شدت متنفر گردید. ^{۶۰} پس خیمه شیلو را ترک نمود، آن خیمه‌ای که جای سکونت را که در میان آدمیان برپا ساخته بود. ^{۶۱} به دشمنان موقع داد تا صندوق پیمان را که نشانه قدرت او بود، به اسیری برند و جلال خود را به دست ایشان سپرد. ^{۶۲} قوم برگزیده خود را به شمشیر تسلیم نمود و بر میراث خود غضبناک گردید. ^{۶۳} جوانان آن‌ها را در آتش هلاک ساخت و دوشیزگان شان بی شوهر ماندند. ^{۶۴} کاهنان شان با شمشیر بقتل رسیدند و بیوه‌های شان امکان عزاداری را نداشتند.

^{۶۵} سرانجام خداوند مثل کسی که بیدار شده و مانند شخص نیرومندی که از باده سرخوش گردیده است، ^{۶۶} دشمنان خود را به عقب راند و برای همیشه خجل و سرکوب ساخت. ^{۶۷} خانواده یوسف را رد کرد و قبیله افرایم را نپذیرفت، ^{۶۸} بلکه قبیله یهودا و کوه سهیون را که دوست می‌داشت، برگزید. ^{۶۹} او در آنجا عبادتگاه خود را مثل کوه‌های بلند و مثل زمین که استوار و همیشه پایدار است، بنا کرد. ^{۷۰} بنده خود، داود را برگزید و او را از آغل‌های گوسفندان گرفت. ^{۷۱} او را از عقب میش‌های شیری آورد تا قوم برگزیده او یعقوب و میراث او اسرائیل را چوپانی کند. ^{۷۲} پس داود ایشان را با صداقت دل چوپانی نمود و با مهارت دست هدایت کرد.

دعا برای رهایی قوم

(مزموری از آساف)

۷۹ ای خدا، امت‌ها به سرزمین تو داخل شده، عبادتگاه مقدس تو را بی حرمت ساختند و اورشلیم را به خرابه‌ای تبدیل نمودند.^۲ اجساد بندگان را خوراک مرغان هوا ساختند و گوشت بدن خادمانت را به حیوانات وحشی دادند.^۳ خون شان را در کوچه‌های اورشلیم مثل آب ریختند و کسی نبود که آن‌ها را دفن کند.^۴ نزد همسایگان خود خوار شده و پیش اطرافیان خود رسوا و مسخره گردیده‌ایم.

۵ تا کی ای خداوند، تا به ابد خشناک می‌باشی؟ تا کی غیرت تو مثل آتش افروخته خواهد ماند؟^۶ غضب خود را بر سر اقوامی که تو را نمی‌شناسند بریز و بر ممالکی که نام تو را نمی‌خوانند.^۷ زیرا که بنی یعقوب را بلعیده و محل سکونت شان را ویران کرده‌اند.

۸ گناهان اجداد ما را به حساب ما می‌آور. رحمت‌های تو بزودی پیش روی ما آید، زیرا که بسیار خوار شده‌ایم.^۹ ای خدا، ای نجات‌دهنده ما، به خاطر جلال نام خود ما را یاری فرما و ما را نجات ده و به خاطر نام خود گناهان ما را بیا مرز.^{۱۰} چرا امت‌ها گویند که خدای ایشان کجاست؟ بگذار که پیش چشمان ما، انتقام خون ریخته شده بندگان بر امت‌ها معلوم شود.

۱۱ ناله اسیران به حضور تو برسد و بر حسب عظمت قدرت خود آنانی را که به مرگ سپرده شده‌اند، نجات ده.^{۱۲} ای خداوند، به همسایگان ما که به تو بی حرمتی کرده‌اند، جزای هفت چندان برسان.^{۱۳} آنگاه ما که قوم برگزیده تو و گوسفندان چراگاه تو هستیم، تا ابد از تو شکرگزار بوده و نسل اندر نسل ستایش تو را بیان خواهیم کرد.

دعا برای احیای قوم

(مزموری از آساف)

۸۰ ای چوپان اسرائیل بشنو! ای که قبیله یوسف را مانند گله گوسفند راهنمایی می کنی! ای که بر فراز کروبیان یعنی فرشتگان مقرب، جلوس فرموده ای، در جلال و شکوه، خود را نمایان کن! حضور خود را به قبایل افرایم، بنیامین و منسی بنما، قدرتت را آشکار کن و برای نجات ما بیا. ۳ ای خدا ما را دوباره احیاء کن و نور چهره خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

۴ ای خداوند، خدای قادر مطلق، تا به کی بر قوم برگزیده خویش غضبناک خواهی بود و دعای بندگان را نمی شنوی؟ ۵ خوراک ایشان را اشک و اندوه ساختی و جام لبریز سرشک را به آنها نوشانیدی. ۶ ما را مورد تمسخر همسایگان ما ساخته ای و دشمنان ما به ما می خندند. ۷ ای خدای قادر مطلق، ما را دوباره احیاء کن و نور چهره خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

۸ تو قوم برگزیده ات را همچون تاک انگوری از مصر بیرون آوردی، امت ها را بیرون راندی و در جای ایشان آنها غرس نمودی. ۹ اطراف آنها وسعت دادی، پس خوب ریشه دوانیده و زمین را پر ساخت. ۱۰ کوهها به سایه آن پوشانیده شد و سروهای آزاد تو با شاخه هایش. ۱۱ شاخه های خود را تا به بحر و تا دریای فرات پهن نمود. ۱۲ پس چرا دیوارهایش را شکسته ای که هر رهگذری آن را می چیند؟ ۱۳ گرازهای جنگل آن را ویران می کنند و حیوانات صحرا آنها را می خورند.

۱۴ ای خدای قادر مطلق، بسوی ما برگرد، از آسمان نظر انداز و ببین و از این تاک تفقد نما، ۱۵ از این نهالی که دست راست تو نشانده است و از آن پسری که برای خویشتن قوی ساخته ای! ۱۶ چون مثل هیزم در آتش سوخته شده و از خشم روی تو تباه گردیده اند! ۱۷ پس دست تو بر مرد دست راست تو باشد و بر پسر انسان که او را برای خود قوی ساخته ای. ۱۸ آنگاه هیچگاهی از

تو رو برنخواهیم گشتاند. ما را زنده نگهدار تا نام تو را بخوانیم.^{۱۹} ای خداوند، خدای قادر مطلق، ما را دوباره احیاء کن و نور چهره خود را بر ما بتابان تا نجات یابیم.

سرود عید

(مزموری از آساف)

۱۸ فریاد خوشی را سر دهید برای خدایی که قوت ماست و آواز شادمانی را برای خدای یعقوب! ^۲ سرود بسرائید و دایره را به صدا آورید و آهنگی دلنواز با چنگ و رباب بنوازید. ^۳ با نوای شیپور، ماه نو، شب چهارده و عیدها را تجلیل کنید، ^۴ زیرا که این فریضه ای است در اسرائیل و فرمانی است از جانب خدای یعقوب. ^۵ این را شهادتی تعیین فرمود بر یوسف، هنگامیکه بر ضد مصر بیرون رفت. در آنجا آوازی را به زبانی ناآشنا شنیدم که می گفت:

۶ «من بار سنگین را از دوش او برداشتم و دستهای او را از کارهای شاقه آزاد کردم. ^۷ در هنگام سختی استدعا نمودی و تو را رهانیدم. از میان رعد و برق تو را اجابت کرده و در کنار آب مریبه آزمایش نمودم.»

۸ «ای قوم برگزیده من بشنو، به تو هوشدار می دهم. ای اسرائیل، کاش به من گوش دهی! ^۹ در میان تو خدای غیر نباشد و نزد خدای بیگانه سجده منما. ^{۱۰} من خداوند، خدای تو هستم که تو را از زمین مصر برآوردم. دهان خود را باز کن و آن را پُر خواهم ساخت.

۱۱ اما قوم برگزیده من سخن مرا نشنیدند و اسرائیل از من اطاعت نکرد. ^{۱۲} بنابراین آن ها را به سختی دل شان ترک کردم تا خواهشهای نفس خود را دنبال کنند. ^{۱۳} ای کاش قوم برگزیده ام به من گوش می دادند و اسرائیل در طریق های من روان می بود. ^{۱۴} آنگاه دشمنان شان را بزودی شکست می دادم و دست خود را بر ضد مخالفان آن ها برمی گردانیدم. ^{۱۵} آنانی که از خداوند

نفرت دارند با ترس در برابر او تعظیم می کردند و گرفتار مجازات ابدی می شدند.^{۱۶} اما قوم برگزیده خود را با بهترین گندم غذا می دادم و تو را با عسل صحرائی سیر می ساختم.»

خداوند فرمانروای مطلق است

(مزموری از آساف)

۸۲ خدا در دادگاه آسمانی ایستاده است و در میان خدایان داوری می کند.^۲ تا به کی با بی عدالتی داوری می کنید و از شیرین طرفداری می نمائید؟^۳ «فقیران و یتیمان را دادرسی کنید و بر مردم بیچاره و مسکین با انصاف باشید.^۴ مظلومان و فقیران را برهانید و از دست شیرین نجات دهید.

۵ آن ها نمی دانند و نمی فهمند و در تاریکی راه می روند و جمیع اساس زمین متزلزل می باشد.^۶ من گفتم که شما خدایانید و جمیع شما فرزندان خدای متعال،^۷ لیکن مثل آدمیان خواهید مُرد و چون یکی از سروران خواهید افتاد!»

۸ ای خدا برخیز و جهان را داوری فرما، زیرا که تو صاحب اختیار همه اقوام جهان هستی.

دعا برای شکست دشمنان

(سرود و مزموری از آساف)

۸۳ ای خدا خاموش مباش! ای خدا سکوت نکن و آرام منشین،^۲ زیرا دشمنانت شورش می کنند و کسانی که از تو نفرت دارند، سر خود را برافراشته اند.^۳ بر علیه قوم برگزیده ات نقشه های پنهانی می کشند و برای آنهایی که به تو پناه آورده اند، حيله می سنجند^۴ و می گویند:

«بیائید که آن‌ها را از بین ببریم تا قومی نباشند و نام اسرائیل دیگر یاد نگردد.»

^۵ آن‌ها همه همدست شده‌اند و علیه تو توطئه کرده و باهم پیمان بسته‌اند. ^۶ اینها ادومیان، اسماعیلیان، موآبیان، هاجری‌ها، ^۷ مردم جبال، عمونیان، عمالیقیان، فلسطینی‌ها و باشندگان صور هستند. ^۸ آشور نیز با ایشان متفق شده و پشتیان اولاده لوط گردیده است.

^۹ همان برخورداری را که با مدیان کردی، با این مردم هم بکن، چنانکه به سیسرا و یابین در وادی قیشون ^{۱۰} که در عیندور هلاک شدند و اجسادشان پاروی زمین گردیدند. ^{۱۱} سرورانِ شان را به سرنوشت غراب و زیب گرفتار کن و جمیع حاکمان آن‌ها را مانند ذبح و صلْمناع سرکوب بساز، ^{۱۲} زیرا که می‌گفتند: «جایگاهی را که متعلق به خدا است به دست می‌آوریم.»

^{۱۳} ای خدای من، آن‌ها را مثل خار بتۀ لولان و مانند کاه پیش روی باد بساز. ^{۱۴} همچون آتشی که جنگل را می‌سوزاند و مثل شعله آتش که کوهها را مشتعل می‌سازد، ^{۱۵} همچنان آن‌ها را با تندباد خود بران و با طوفان خود ایشان را آشفته گردان. ^{۱۶} آن‌ها را ذلیل بساز تا نام تو را ای خداوند بطلبند. ^{۱۷} خجل و پریشان شوند تا به ابد و شرمنده و هلاک گردند. ^{۱۸} و بدانند تو که اسمت خداوند یهوه می‌باشد، یگانه حکمفرمای مطلق کائنات هستی.

اشتیاق برای خانه خدا

(مزموری از بنی قورح)

۸۴ ای خداوند قادر مطلق، چه دلپذیر است مسکن‌های تو! ^۲ جان من اشتیاق شدید برای صحنهای خداوند دارد. دلم و تمام وجودم با آواز بلند خدای زنده را ستایش می‌کند. ^۳ در کنار قربانگاه‌های تو ای خدای قادر مطلق، که پادشاه من و خدای من هستی، حتی گنجشک نیز برای خود خانه‌ای پیدا کرده است و غچی برای خویشن آشیانه‌ای تا چوچه‌های خود را در آن

بگذارد.^۴ خوشا به حال کسانی که در خانه تو ساکن هستند و همیشه سرود ستایش تو را می خوانند.^۵ خوشا به حال مردمانی که قوت ایشان در تو است و طریق های تو در دل های ایشان.^۶ وقتی که از وادی بکاء یعنی بیابان خشک عبور می کنند، آنجا چشمه سار می شود و باران آنرا با برکات پر می کند.^۷ از قوت تا قوت می خرامند و هر یک آن ها در سهیون نزد خدا حاضر می شوند.

^۸ ای خداوند، خدای قادر مطلق، دعای مرا بشنو! ای خدای یعقوب، به من گوش بده! ^۹ ای خدایی که سپر ما هستی، ببین و به روی مسیح خود نظر انداز. ^{۱۰} یک روز در صحن های تو بهتر است از هزار در جای دیگر. ایستادن بر آستانه خانه خدای خود را بیشتر می پسندم تا ساکن شدن در خیمه های شیران. ^{۱۱} زیرا خداوند، خدا آفتاب و سپر است. خداوند فیض و جلال خواهد داد و هیچ چیز نیکو را منع نخواهد کرد از آنانی که پیرو راستی هستند. ^{۱۲} ای خداوند قادر مطلق، خوشا به حال کسی که بر تو توکل دارد.

دعای نجات و رستگاری

(مزموری از بنی قورح)

۸۵ ای خداوند، این سرزمین مورد لطف تو واقع شده است. تو یعقوب را از اسارت باز آورده ای. ^۲ سرکشی قوم برگزیده ات را عفو کرده و تمام گناهان شان را پوشانیده ای. ^۳ تمامی غضب خود را برداشته و آتش خشم خود را فرونشانده ای. ^۴ ای خدای نجات ما، ما را بسوی خود برگردان و غضب خود را از ما بردار. ^۵ آیا تا به ابد بر ما خشمگین خواهی بود؟ و خشم خویش را از یک نسل تا به نسل دیگر ادامه خواهی داد؟ ^۶ آیا ما را دوباره احیاء نخواهی کرد تا قوم برگزیده ات در تو شادمانی کنند؟ ^۷ ای خداوند، رحمت خود را بر ما ظاهر کن و نجات خویش را به ما عطا فرما.

^۸ آنچه خداوند خدا می گوید می شنوم، زیرا او به قوم برگزیده خود و مقدسان خویش به سلامتی تکلم خواهد فرمود تا بسوی جهالت برنگردند. ^۹ یقیناً نجات او به کسانی که از او می ترسند نزدیک است تا جلال او در سرزمین ما ساکن شود.

^{۱۰} رحمت و راستی باهم ملاقات می کنند. عدالت و سلامتی یکدیگر را می بوسند. ^{۱۱} راستی از زمین سر می زند و عدالت از آسمان نگاه می کند. ^{۱۲} یقیناً خداوند چیزهای نیکو را می بخشد و زمین ما محصول خود را می دهد. ^{۱۳} عدالت پیش روی او حرکت کرده و راه را برای قدم های وی آماده می سازد.

دعا برای کمک

(دعای داود)

۸۶ ^۱ ای خداوند به من گوش بده و دعایم را مستجاب کن، زیرا مسکین و نیازمند هستم! ^۲ جان مرا حفظ کن، زیرا من به تو وفادار هستم. ای خدای من، بنده خود را که بر تو توکل دارد، نجات بده. ^۳ ای خداوند بر من رحم فرما، زیرا که تمام روز به حضور تو زاری می کنم! ^۴ جان بنده خود را شادمان گردان، زیرا ای خداوند جان خود را به تو تقدیم می نمایم. ^۵ تو ای خداوند نیکو و بخشنده هستی و بسیار رحیم بر آنانی که تو را می خوانند. ^۶ ای خداوند دعای مرا بشنو و به آواز ناله من توجه نما! ^۷ در روز سختی و مشکلات به حضور تو دعا می کنم، زیرا که مرا مستجاب خواهی فرمود. ^۸ ای خداوند، تو مانند و همتا نداری و کارهای تو بی نظیر است. ^۹ ای خداوند، همه قوم های را که آفریده ای، به حضور تو سجده نموده و نام تو را تمجید می کنند، ^{۱۰} زیرا که تو بزرگ هستی و معجزه می نمایی. تنها تو خدا هستی.

^{۱۱} ای خداوند طریق خود را به من بیاموز تا در راستی تو قدم بردارم. دل مرا کامل ساز تا از نام تو ترسان باشم. ^{۱۲} ای خداوند خدای من، با تمامی دل از تو شکرگزارم و نام تو را تا به ابد

ستایش می‌کنم،^{۱۳} زیرا که رحمت تو به من عظیم است و جان مرا اعماق موت نجات دادی.

^{۱۴} ای خدا، مردمان متکبر به مخالفت من برخاسته‌اند و گروهی از ظالمان قصد کشتن مرا دارند. آن‌ها تو را مدنظر خود ندارند.^{۱۵} اما تو ای خداوند، خدای رحیم و مهربان هستی، دیر غضب و پُر از رحمت و راستی.^{۱۶} بسوی من توجه فرما و بر من رحم کن. قوت خود را به این بنده‌ات عطا فرما و پسر کنیز خود را نجات بخش.^{۱۷} نیکویی خود را به من نشان ده تا آنانی که از من نفرت دارند شرمند گردند، زیرا که تو ای خداوند مرا یاری نموده و تسلی بخشیده‌ای.

در وصف اورشلیم

(مزموری از بنی قورح)

۸۷^۱ خداوند شهر خود را که اساس آن در کوه‌های مقدس می‌باشد، بنا کرده است.^۲ او دروازه‌های سهیون را بیشتر از همه شهرهای دیگر یعقوب دوست دارد.^۳ ای شهر خدا، با شکوهمندی درباره‌ تو گفته می‌شود:^۴ «مصر و بابل جزء اقوامی هستند که مرا می‌شناسند. مردمان فلسطین، صور و حبشه را در زمره‌ باشندگان سهیون می‌شمارم.»

^۵ درباره‌ سهیون گفته خواهد شد که زادگاه همگان می‌باشد. خود خدای متعال آنرا استوار می‌سازد.^۶ هنگامیکه خداوند نامهای اقوام جهان را ثبت نماید، آن‌ها را به سهیون نسبت می‌دهد.^۷ آنگاه خوانندگان و نوازندگان این سرود را می‌خوانند: «جمیع چشمه‌های من در تو است.»

فریاد کمک

(سرود و مزموری از بنی قورح. سرود هیمان ازراحی)

۸۸ ای خداوند، خدای نجات من، در روز نزد تو فریاد می‌کنم و در هنگام شب ناله و زاری. ^۲ دعای من به حضور تو برسد و به ناله من گوش خود را فراگیر. ^۳ رنج و مصیبت جانم را به لب رسانده و زندگی‌ام به قبر نزدیک گردیده است. ^۴ مردم مرا در جمله مُردگان می‌شمارند و مثل یک فرد بی‌قوت گشته‌ام. ^۵ در میان مُردگان گمنام و مثل کشته‌شدگانی هستم که در قبر آرمیده‌اند، که ایشان را دیگر به یاد نخواهی آورد و از پناه تو جدا گردیده‌اند. ^۶ مرا در اعماق موت قرار داده‌ای و در تاریکی مطلق. ^۷ خشم تو بر من سنگینی می‌کند و همه امواج تو مرا در بر گرفته است. ^۸ دوستانم را از من دور کرده و مرا در نظر ایشان منفور ساخته‌ای. در قید و بند گرفتارم و راه گریز برایم نیست. ^۹ چشمانم از خواری و پستی تار گردیده است. ای خداوند، هر روز بدربار تو زاری می‌کنم و دست دعای من بسوی تو بلند است.

۱۰ آیا برای مُردگان معجزه می‌کنی؟ آیا مُردگان برخاسته تو را ستایش می‌کنند؟ ^{۱۱} آیا رحمت تو در قبر بیان می‌گردد و وفاداری تو در گودال نیستی؟ ^{۱۲} آیا معجزات تو در ظلمت یاد می‌گردد و عدالت تو در مکان فراموشی؟

۱۳ اما من نزد تو ای خداوند فریاد برآورده و صبحگاهان بدربار تو دعا می‌کنم. ^{۱۴} ای خداوند، چرا جان مرا ترک کرده و روی خود را از من پنهان می‌کنی؟ ^{۱۵} من از طفولیت بینوا و مشرف به مرگ بوده‌ام. خوف و ترس تو بر من قرار گرفته و حیران و سرگردان شده‌ام. ^{۱۶} غضب تو بر من گذشته و خوف‌های تو مرا هلاک ساخته است. ^{۱۷} مثل سیلاب دورادور مرا گرفته و تمامی روز مرا از هر سو احاطه نموده‌اند. ^{۱۸} دوستان و عزیزانم را از من دور کرده و ظلمت را یار و یاور من ساخته‌ای.

(قصیده‌ای از ایتان ازراحی)

۸۹ رحمت‌های تو را ای خداوند را تا به ابد می‌ستایم و وفاداری تو را با دهان خود نسل اندر نسل اعلام می‌کنم. ^۲ زیرا رحمت تو تا به ابد پایدار و وفاداری تو در آسمان‌ها استوار است. ^۳ تو فرمودی: «با برگزیده خود پیمانی بسته‌ام و برای بنده‌ام، داود قسم خورده‌ام ^۴ که نسل تو را تا به ابد پایدار ساخته و تخت سلطنت تو را نسل اندر نسل بنا می‌کنم.»

^۵ آسمان‌ها کارهای شگفت‌انگیز تو را ای خداوند ستایش می‌کنند و جماعت مقدسان وفاداری تو را. ^۶ زیرا کیست در آسمان‌ها که با خداوند برابری تواند کرد؟ در میان موجودات آسمانی چه کسی را می‌توان با خداوند تشبیه نمود؟ ^۷ خدا در جماعت مقدسان بی‌نهایت مهیب است و خوف‌انگیزتر از آنانی است که گرداگرد او هستند.

^۸ ای خداوند، خدای قادر مطلق، کیست عظیم و توانا مانند تو ای خداوند؟ و وفاداری تو، تو را احاطه می‌کند. ^۹ بر بحر خروشان تو مسلط هستی و وقتی طغیان می‌کند امواج آنرا آرام می‌سازی. ^{۱۰} جانور بحری «رَهَب» را درهم کوبیدی و از بین بردی و به بازوی قدرت خویش دشمنانت را پراکنده نمودی. ^{۱۱} آسمان به تو تعلق دارد و زمین نیز از آن تو است. جهان و پُری آنرا تو آفریده‌ای. ^{۱۲} شمال و جنوب را تو بوجود آورده‌ای. کوههای تابور و حرمون با خوشی نام تو را ستایش می‌کنند. ^{۱۳} بازوی تو با قوّت است. دست تو زورآور است و دست تو متعال. ^{۱۴} عدالت و انصاف اساس تخت تو است. رحمت و راستی پیش روی تو می‌خرامند.

^{۱۵} خوشا به حال قومی که آواز شادمانی را می‌دانند و در نور روی تو می‌خرامند. ^{۱۶} تمامی روز در نام تو شادمان هستند و در عدالت تو سرافراشته می‌گردند. ^{۱۷} زیرا که افتخار قوّت ایشان تو هستی و به رضامندی تو ما سرافراز می‌شویم. ^{۱۸} زیرا سپر ما از آن خداوند و پادشاه ما متعلق به

وعدۀ خدا به داود

^{۱۹} آنگاه در عالم رؤیا با مقدسینت سخن گفתי و فرمودی: «توانمندی را بر مرد شجاعی قرار دادم و برگزیده‌ای از قوم را سرافراز گردانیدم. ^{۲۰} بنده خود داود را یافتم و او را با روغن مقدس خود مسح کردم. ^{۲۱} دست من با او استوار خواهد شد و بازوی من نیز او را قوی خواهد گردانید. ^{۲۲} دشمنی بر او ستم نخواهد کرد و پسر ظلم به او اذیت نخواهد رسانید. ^{۲۳} خصمان او را پیش روی وی شکست خواهم داد و آنانی را که از او نفرت دارند، به زمین خواهم زد. ^{۲۴} وفاداری و رحمت من با وی خواهد بود و در نام من سرافراز خواهد گردید. ^{۲۵} دست او را بر بحر تسلط خواهم داد و دست راست او را بر دریاها. ^{۲۶} او به من خواهد گفت: «تو پدر من هستی، خدای من و صخرهٔ نجات من.» ^{۲۷} من نیز او را نخست‌زادهٔ خود خواهم ساخت، بلندتر از پادشاهان جهان. ^{۲۸} رحمت خویش را برای وی تا به ابد نگاه خواهم داشت و پیمان من با او استوار خواهد بود. ^{۲۹} نسل او را تا به ابد پابرجا خواهم ساخت و تخت او را مثل روزهای آسمان. ^{۳۰} اما اگر اولادهٔ او از احکام من سرکشی نمایند و مطابق فرامین من رفتار نکنند، ^{۳۱} اگر فرایض مرا بشکنند و اوامر مرا نگاه ندارند، ^{۳۲} آنگاه نافرمانی ایشان را به عصا تنبیه خواهم نمود و گناه ایشان را به تازیانه‌ها. ^{۳۳} لیکن رحمت خود را از او برنخواهم داشت و در وفاداری خود ثابت خواهم ماند. ^{۳۴} پیمان خود را نخواهم شکست و آنچه را از دهانم صادر شد تغییر نخواهم داد. ^{۳۵} یکبار به خاطر قدوسیت خود وعده نموده‌ام و به داود هرگز دروغ نخواهم گفت. ^{۳۶} نسل او تا به ابد باقی خواهد ماند و تخت او به حضور من مثل آفتاب. ^{۳۷} و مثل ماه که شاهد باوفایی در آسمان است، تا به ابد ثابت خواهد بود.»

سوگواری برای شکست پادشاه

^{۳۸} لیکن تو برگزیدهٔ خود را ترک کرده و خوار نموده‌ای و بر او غضبناک شده‌ای. ^{۳۹} پیمان خود

را با بندهات شکسته‌ای و تاج او را بر زمین انداخته، بی حرمت ساخته‌ای.^{۴۰} تمام دیوارهای شهر او را ویران کرده و قلعه‌های او را به خرابه تبدیل نموده‌ای.^{۴۱} همه رهگذران او را تاراج می‌کنند و او نزد همسایگان رسوا گردیده است.^{۴۲} دست راست خصمان او را برافراشته، و همه دشمنانش را شادمان ساخته‌ای.^{۴۳} دم شمشیرش را برگردانیده‌ای و در جنگ با او کمک نکرده‌ای.^{۴۴} شکوه و جلال او را از بین برده و تخت او را به زمین انداخته‌ای.^{۴۵} روزهای جوانی او را کوتاه کرده، او را به خجالت پوشانیده‌ای.

دعا برای رهایی

^{۴۶} تا به کی ای خداوند؟ آیا خود را تا به ابد پنهان خواهی کرد؟ تا به کی غضب تو مثل آتش افروخته خواهد شد؟^{۴۷} به یاد آور که روزهای زندگی‌ام چقدر کوتاه است. همه انسانها را چقدر فانی آفریده‌ای!^{۴۸} کدام انسان زنده است که مرگ را نمی‌بیند؟ کیست آن کسی که بتواند جان خود را از چنگ گور نجات دهد؟

^{۴۹} ای خداوند، رحمت‌های قدیم تو کجاست که برای داود به وفاداری خود وعده دادی؟^{۵۰} ای خداوند، به یاد آور که چگونه از طرف قوم‌های بسیار ملامت شده و آنرا در سینه خود متحمل می‌باشم.^{۵۱} دشمنان تو ای خداوند ملامت کرده‌اند. آن‌ها مسح شده‌ای تو را مسخره نموده‌اند.

^{۵۲} خداوند متبارک باد تا به ابد! آمین و آمین!

کتاب چهارم

(مزامیر ۹۰-۱۰۶)

خدای جاویدان و انسان فانی

(دعای موسی، مرد خدا)

۹۰ ای خداوند، پناهگاه ما در جمیع نسل‌ها تو بوده‌ای. ^۲ پیش از آنکه کوه‌ها به وجود آید و زمین و جهان را بیافرینی، از ازل تا به ابد تو خدا هستی. ^۳ انسان را به خاک برمی‌گردانی، و می‌گویی ای بنی‌آدم رجوع نمائید. ^۴ هزار سال در نظر تو مثل دیروز که گذشته باشد و مانند قسمتی از شب است. ^۵ تو به زندگی انسان دفعتاً خاتمه می‌دهی و عمر او مثل یک خواب کوتاه و مانند یک گیاهی زودگذر است. ^۶ صبحگاهان می‌شگفتد و می‌روید، شامگاهان بریده و پژمرده می‌شود.

^۷ غضب تو ما را نابود می‌سازد و خشم تو به وحشت می‌اندازد. ^۸ چونکه گناهان ما را در نظر خود گذاشته‌ای و خطایای مخفی ما را در نور روی خویش. ^۹ زیرا که تمام روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی بسربرده‌ایم. ^{۱۰} میعاد عمر ما هفتاد سال است و اگر تندرست و قوی باشیم ممکن است هشتاد سال زندگی کنیم، اما همه دوران زندگی ما آمیخته با رنج و زحمت است و بزودی به آخر می‌رسد و فنا می‌شویم.

^{۱۱} کیست که شدت خشم تو را بداند؟ و کیست که غضب تو را بفهمد تا بترسد، چنانکه از تو می‌باید ترسید؟ ^{۱۲} به ما بیاموز که روزهای عمر خود را بشماریم تا دل ما فهیم و دانا گردد.

^{۱۳} بیا ای خداوند! تا به کی؟ و بر بندگان شفق فرما. ^{۱۴} صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا در تمام روزهای زندگی خود شادمانی و خوشی نمائیم. ^{۱۵} به اندازه روزهایی که سختی کشیدیم و سالهایی که بدبختی را دیدیم، به ما خوشی عطا فرما. ^{۱۶} بگذار بندگان کارهای تو را ببینند و فرزندان شان عظمت تو را. ^{۱۷} لطف و نیکویی خداوند، خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما را بر ما استوار ساز! عمل دستهای ما را استوار گردان!

خداوند پناهگاه و حافظ ما است

۹۱ آنکه زیر پوشش خدای متعال قرار دارد، زیر سایهٔ قادر مطلق ساکن خواهد بود.^۲ به خداوند می‌گویم که او پناهگاه و قلعهٔ من است و خدای من که به او توکل دارم.^۳ حقیقتاً او ترا از دام صیاد و از مرض‌کشنده می‌رهاند.^۴ با شهیرهای خود ترا می‌پوشاند و در زیر بالهای او پناه خواهی گرفت. راستی او پناه و سپر تو می‌باشد.^۵ از خوفی در شب نخواهی ترسید و نه از تیری که در روز می‌پرد.^۶ از مرض‌کشنده که در تاریکی پیشرفت می‌کند نخواهی ترسید و نه از آفتی که در روز باعث تباهی می‌گردد.^۷ هزار نفر در پهلویت و ده هزار نفر در اطراف خواهند افتاد، اما به تو صدمه‌ای نخواهد رسید.^۸ فقط با چشمان خود خواهی نگرست و مجازات شیران را خواهی دید.

۹ زیرا گفתי تو ای خداوند پناهگاه من هستی و خدای متعال را قلعهٔ خود خواندی،^{۱۰} پس هیچ بدی بر تو واقع نخواهد گردید و بلایی به جای سکونت تو نزدیک نخواهد شد،^{۱۱} زیرا که او به فرشتگان خود امر خواهد فرمود تا در تمامی راههای ترا حفظ نمایند.^{۱۲} آن‌ها تو را بر دستهای خود خواهند برداشت، مبادا پایت به سنگی بخورد.^{۱۳} بر شیر و مار پای خواهی نهاد، شیربچه و اژدها را پایمال خواهی کرد.

۱۴ خداوند می‌فرماید: «چونکه به من محبت دارد، او را خواهم رهانید و چونکه اسم مرا می‌شناسد، او را سرافراز خواهم ساخت.»^{۱۵} وقتی بحضور من دعا کند او را اجابت خواهم کرد. من در زمان سختی با او خواهم بود و او را نجات داده، با عزت خواهم ساخت.^{۱۶} او را با عمر طولانی سیر ساخته و نجات خویش را به او نشان خواهم داد.»

ستایش و سپاسگزاری

(مزمور و سرودی برای روز سَبْت)

۹۲^۱ خداوند را سپاس گفتن نیکوست و نام تو را ای خداوند متعال، ستایش کردن.
۲ سحرگاهان رحمت تو را بیان کردن نیکوست و شامگاهان وفاداری تو را.^۳ با نوای چنگ ده
تار و رباب سرود ستایش تو را می خوانیم،^۴ زیرا که ای خداوند، مرا به کارهای خودت شادمان
ساخته‌ای، به سبب اعمال دستهای تو خوشی می‌کنم.^۵ ای خداوند، کارهای تو چه شگفت‌انگیز
است و فکرهای تو بی‌نهایت عمیق.^۶ شخص بی‌فهم این را نمی‌داند و جاهل از درک آن عاجز
است.^۷ اگرچه شیران مثل علف می‌رویند و همهٔ بدکاران سعادت‌مند می‌شوند، اما سرانجام برای
همیشه از بین می‌روند.^۸ لیکن تو ای خداوند، در جایگاه آسمانی خود تا به ابد باقی هستی.
۹ دشمنان تو ای خداوند، بلی، دشمنان تو هلاک می‌گردند و تمام بدکاران پراکنده می‌شوند.
۱۰ تو شاخ قوت مرا مثل شاخ گاو وحشی برافراشته‌ای و به روغن تازه مسح شده‌ام.^{۱۱} با چشمان
خود شکست دشمنانم را می‌بینم و به گوش خود فریاد بدخواهانم را که با من مقاومت می‌کنند
می‌شنوم.

۱۲ شخص عادل مثل درخت خرما با ثمر خواهد شد و مانند سرو لبنان نمو خواهد کرد.^{۱۳} آنانی
که در خانهٔ خداوند غرس شده‌اند، در پیشگاه خدای ما خواهند شگفت.^{۱۴} ایشان در زمان پیری
نیز ثمر آورده و تازه و سبز خواهند بود.^{۱۵} به این ترتیب اعلام می‌کنند که خداوند راست است.
او صخرهٔ من است و در وی هیچ بی‌انصافی نیست.

پادشاهی خداوند

۹۳^۱ خداوند پادشاه است. او ملبس با جلال می‌باشد. خداوند خود را آراسته و کمر خود را
با قوت بسته است. جهان را نیز با قدرت خود پایدار ساخته است که از جای خود تکان
نمی‌خورد.^۲ تخت تو از ازل برقرار بوده و تو ابدی هستی.

^۳ ای خداوند، سیلابها طغیان کرده‌اند. سیلابها آواز خود را برافراشته‌اند. سیلابها می‌خروشند.
^۴ بالاتر از آواز آب‌های بسیار و مافوق امواج زورآور بحر، خداوند در جایگاه آسمانی خود
زورآورتر است. ^۵ شهادت تو بی‌نهایت امین است. ای خداوند، قدوسیت خانه‌تو را می‌زیبد تا
ابدالآباد.

خداوند انتقام می‌گیرد

۹۴ ^۱ ای خداوند، خدای انتقام‌گیرنده، ای خدای انتقام‌گیرنده، در جلال و شکوه خود
ظاهر شو! ^۲ ای داور جهان برخیز و مردمان مغرور را به سزای اعمال شان برسان. ^۳ تا به کی
شیران، ای خداوند، تا به کی شیران شادمان باشند؟ ^۴ آن‌ها پُرگویی کرده، سخنان ستم‌آمیز
می‌گویند و همهٔ بدکاران لاف می‌زنند. ^۵ ای خداوند، آن‌ها قوم برگزیدهٔ تو را کوبیده و میراث تو
را خوار می‌شمارند. ^۶ بیوه زنان و یتیمان را می‌کشند و بیگانگانی را که در این سرزمین زندگی
می‌کنند، بقتل می‌رسانند. ^۷ آن‌ها می‌گویند: «خداوند نمی‌بیند؛ خدای یعقوب متوجه نمی‌شود.»

^۸ ای احمقان قوم بفهمید! ای مردم نادان چه وقت هوشیار می‌شوید؟ ^۹ او که گوش را ساخته
است، آیا خودش نمی‌شنود؟ او که چشم را آفرید، آیا خودش نمی‌بیند؟ ^{۱۰} او که ملتها را تنبیه
می‌کند و معرفت را به انسان می‌آموزد، آیا شما را سرزنش نخواهد کرد؟ ^{۱۱} خداوند فکرهای
انسان را می‌داند که کاملاً پوچ و بیهوده است.

^{۱۲} ای خداوند، خوشا به حال کسی که او را تأدیب می‌کنی و به او احکام خود را می‌آموزی. ^{۱۳} تا
او را در روزهای مصیبت آسودگی بخشی، در آن هنگامیکه شیران به جزای اعمال شان
می‌رسند. ^{۱۴} خداوند قوم برگزیدهٔ خود را رد نخواهد کرد و میراث خویش را ترک نخواهد نمود.
^{۱۵} بار دیگر داوری مطابق عدل و انصاف اجراء خواهد شد و همهٔ عادلان از آن پشتیبانی
خواهند نمود.

۱۶ کیست که در مقابل اشخاص شریر از من دفاع کند و کیست که با من بر ضد بدکاران مقابله کند؟^{۱۷} اگر خداوند مددگار نمی‌بود، جان من بزودی رهسپار دیار خاموشی می‌شد.^{۱۸} وقتی گفتم پایم لغزش می‌خورد، آنگاه رحمت تو ای خداوند مرا استوار ساخت.^{۱۹} در کثرت اندیشه‌های دل من، تسلی‌های تو جانم را آسایش بخشید.

۲۰ آیا مسند داورانِ فاسد می‌تواند به تو وابستگی داشته باشد، که در نام قانون بی‌عدالتی را اختراع می‌کند؟^{۲۱} بر جان شخص عادل دسیسه می‌سازند و بر خون بی‌گناه فتوی می‌دهند.^{۲۲} لیکن خداوند پناهگاه من و خدایم صخرهٔ نجات من است.^{۲۳} گناه ایشان را بر خودشان بر خواهد گردانید و آن‌ها را به سبب شرارت شان از بین خواهد برد. خداوند، خدای ما آن‌ها را بکلی نابود خواهد ساخت.

سرود پرستش خداوند

۹۵ ^۱ بیائید خداوند را ستایش کنیم و برای صخرهٔ نجات خود آواز شادمانی سر دهیم.^۲ به حضور او با حمد بیائیم و با سرودهای شادمانی او را ستایش کنیم.^۳ زیرا خداوند، خدای بزرگ است و پادشاه عظیم بر تمامی خدایان.^۴ نشیب‌های زمین در دست وی است و فراز کوه‌های بلند از او.^۵ بحر‌ها به او تعلق دارد، او آن‌ها را بوجود آورد و دستهای وی زمین خشک را شکل داد.

۶ بیائید عبادت و سجده نمائیم و بحضور آفرینندهٔ خود، خداوند زانو زنیم.^۷ زیرا که او خدای ما است و ما قوم برگزیده و گلهٔ دست او می‌باشیم! ای کاش امروز آواز او را می‌شنیدید!^۸ «دل خود را سخت مسازید، مانند روزهای امتحان در بیابان مریبه و مسا.^۹ در آنجا پدران شما مرا امتحان کردند و باوجودی که اعمال مرا دیده بودند، باز هم مرا آزمودند.^{۱۰} مدت چهل سال از آن قوم بیزار بودم و گفتم: «قوم گمراه دل هستند که طریقه‌های مرا شناختند.»^{۱۱} پس در غضب خود قسم خوردم، که به آرامی من داخل نخواهند شد.»

بزرگی و جلال خدا

(همچنین در اول تواریخ ۱۶: ۲۳ - ۳۳)

۹۶

^۱ سرود تازه‌ای در وصف خداوند بسرائید! ای تمامی زمین، خداوند را بسرائید!
^۲ خداوند را بسرائید و نام او را متبارک خوانید! مژدهٔ نجات او را روز به روز بیان کنید. ^۳ جلال
و شکوه او را به ملتها اعلام کنید و کارهای شگفت‌انگیز او را در میان همهٔ مردم. ^۴ زیرا خداوند
عظیم است و سزاوار ستایش. او مهیب است بر همهٔ خدایان. ^۵ زیرا همه خدایانِ دیگر بتها
هستند، لیکن خداوند، آسمان‌ها را آفرید. ^۶ عظمت و جلال به حضور وی است و قوت و جمال
در قدس وی.

^۷ ای مردم جهان، خداوند را ستایش کنید! خداوند را در جلال و قدرت او توصیف نمائید!
^۸ خداوند را به جلال اسم او ستایش کنید! هدیه بیاورید و به پیشگاه او بیائید. ^۹ خداوند را در
کمال قدوسیت او بپرستید! ای تمامی زمین از حضور وی بلرزید! ^{۱۰} به همه اقوام جهان بگوئید:
«خداوند پادشاه است. او جهان را طوری بنا کرد که جنبش نمی‌خورد و همهٔ مردم را از روی
عدالت داوری می‌کند.»

^{۱۱} آسمان خوشی کند و زمین وجد نماید، بحرها و تمام موجودات آن‌ها به جوش و خروش آیند،
^{۱۲} کشتزارها و هرچه در آنهاست شادمان گردند! همهٔ درختان جنگل فریاد خوشی برآورند؛ ^{۱۳} به
حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. او جهان را به انصاف و قوم‌ها
را به امانت خود داوری خواهد کرد.

قدرت و عظمت خداوند

۹۷

^۱ خداوند پادشاه است، پس زمین خوشی کند و جمیع جزیره‌ها شادمان باشند. ^۲ ابرها و
ظلمتِ غلیظ گرداگرد اوست. عدالت و انصاف اساس تخت اوست. ^۳ آتش در پیشروی او

می رود و دشمنانش را که در اطراف او هستند، می سوزاند.^۴ برقهای او جهان را روشن می کند و زمین آنرا می بیند و به لرزه می آید.^۵ کوهها در حضور خداوند گداخته می شوند، در حضور خداوند تمام جهان.^۶ آسمانها عدالت او را اعلام می کنند و همه اقوام جهان جلال او را می بینند.

^۷ تمام بت پرستان خجل و شرمنده می شوند، زیرا آنها به بتهای خود می بالند. ای جمیع خدایان امتها، در حضور خداوند سجده کنید.^۸ سهیون این را می شنود و شادمان می شود و شهرهای یهودا مسرور می گردند. به سبب داوری های تو، ای خداوند.^۹ زیرا که تو ای خداوند بر تمامی روی زمین متعال هستی و برتر از همه خدایان.

^{۱۰} ای شما که خداوند را دوست دارید، از بدی نفرت کنید. او حافظ جانهای مقدسان خود می باشد و آنها را از دست شیران نجات می دهد.^{۱۱} نور بر عادلان می تابد و شادمانی برای راستکاران.^{۱۲} ای عادلان، در خداوند شادمان باشید و نام مقدس او را سپاس گوئید.

سرود تازه

۹۸ ^۱ برای خداوند سرود تازه ای بسرائید، زیرا کارهای شگفت انگیز کرده است. دست راست و بازوی مقدس او، او را پیروز ساخته است.^۲ خداوند نجات را اعلام کرده و عدالت خود را به امتها آشکار کرده است.^۳ رحمت و امانت خود را با قوم اسرائیل به یاد آورد. همه اقصای زمین دیدند که خدای ما نجات داد.

^۴ ای تمامی زمین، آواز شادمانی را برای خداوند بلند کنید. با فریاد خوشی و نوای نشاط انگیز، او را ستایش نمائید.^۵ برای خداوند با نوای چنگ بسرائید، با نوای چنگ سرود بخوانید.^۶ با آواز شیپورها و شاخ قوچ به حضور خداوند، پادشاه آواز شادمانی را بلند کنید.^۷ بحر و تمام موجودات آن به خروش آید، جهان و ساکنین آن خوشی کنند.^۸ امواج دریا کف بزنند و کوهها با

هم ترنم نمایند،^۹ به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید. او جهان را به انصاف و قوم‌ها را با راستی داوری خواهد کرد.

سلطنت و اقتدار خداوند

۹۹ خداوند پادشاه است، پس ملتها بلرزند. وقتی بر تخت خود بالای کروبیان، یعنی فرشتگان مقرب، می‌نشیند، زمین به لرزه می‌آید.^۲ خداوند در سهیون عظیم است و بر جمیع ملتها متعال.^۳ اسم عظیم و مهیب تو را ستایش کنند، زیرا او قدوس است.^۴ قوت پادشاه، انصاف را دوست می‌دارد. تو راستی را برقرار کرده و انصاف و عدالت را در یعقوب به عمل آورده‌ای.^۵ خداوند، خدای ما را ستایش کنید و در برابر قدم‌های او زانو بزنید، زیرا او قدوس است.

^۶ موسی و هارون از جمله کاهنانش و سموئیل از یاد کنندگان نام او، به حضور خداوند دعا کردند و او ایشان را اجابت فرمود.^۷ از بین ستون ابر به ایشان سخن گفت و آن‌ها شهادت و احکامی را که به ایشان داد بجا آوردند.^۸ ای خداوند، خدای ما، تو ایشان را اجابت فرمودی. تو ایشان را خدای غفور و بخشنده بودی، اما آن‌ها را به خاطر گناه شان تنبیه کردی.^۹ خداوند، خدای ما را ستایش کنید و او را بر کوه مقدسش پرستید، زیرا خداوند، خدای ما مقدس است.

سرود حمد و خوشی

۱۰۰ ای تمامی روی زمین خداوند را آواز شادمانی دهید.^۲ خداوند را با خوشی عبادت نمائید و به حضور او با ترنم بیائید.^۳ بدانید که خداوند، خداست. او ما را آفرید و ما متعلق به او هستیم. ما قوم برگزیده او و رمة چراگاه او می‌باشیم.^۴ به دروازه‌های او با شکرگزاری بیائید و به عبادتگاه او با ستایش. او را حمد کنید و نام او را متبارک خوانید.^۵ زیرا که خداوند

نیکوست. رحمت او ابدی است و وفاداری او جاویدان.

وعدۀ پادشاه

(مزموری از داود)

۱۰۱ | رحمت و انصاف را خواهم سرائید و برای تو ای خداوند، سرود ستایش خواهم خواند. ^۲ در طریق کامل به خردمندی رفتار خواهم نمود. نزد من چه وقت خواهی آمد؟

در خانۀ خود با قلب سلیم بسر خواهم برد. ^۳ چیزی بد را پیش نظر خود نخواهم گذاشت. از کار اشخاص کج رو نفرت داشته و با آن ها همنشین نخواهم شد. ^۴ دل کج را از خود دور می کنم و با بدی و شرارت سر و کاری نخواهم داشت. ^۵ کسی را که در خفا از همسایۀ خود غیبت کند، از بین خواهم برد و شخصی را که چشم مغرور و دل متکبر دارد تحمل نخواهم کرد. ^۶ از کسانی که به خداوند وفاداراند حمایت می کنم و آن ها را بخانۀ خود می پذیرم. کسی که در طریق کامل رفتار می کند، مرا خدمت خواهد نمود. ^۷ شخص فریبکار را در خانۀ خود راه نخواهم داد و دروغگو پیش نظر من نخواهد ماند. ^۸ هر روزه همه شیران را نابود کرده و شهر خداوند را از وجود بدکاران پاک خواهم ساخت.

دعا در پریشانی

(دعای مسکین وقتیکه پریشان حال شده، ناله خود را به حضور خداوند می ریزد.)

۱۰۲ | ای خداوند، دعایم را بشنو و فریاد من نزد تو برسد. ^۲ در روز سختی از من رو مگردان. به من توجه فرما و هرگاه دعا می کنم مرا به زودی اجابت فرما. ^۳ روزهای عمرم مانند

دود برباد رفته و استخوانهایم مثل هیزم در حال سوختن است.^۴ دل من مثل گیاهی است که کوبیده و خشک شده باشد. خوردن غذای خود را فراموش کرده‌ام.^۵ به سبب آواز ناله من، جزء پوست و استخوان چیزی در بدنم باقی نمانده است.^۶ مثل مرغ سقای صحرا شده و مانند بوم خرابه‌ها گردیده‌ام.^۷ خواب به چشمانم راه ندارد و چون پرنده‌ای تنها بر پشت بام هستم.^۸ دشمنانم هر روز مرا سرزنش می‌کنند و مسخره‌کنندگانم مرا لعنت می‌نمایند.^۹ به سبب خشم و غضب تو خاکستر را مثل نان می‌خورم و اشکهایم با آبی که می‌نوشم آمیخته‌اند،^{۱۰} زیرا که مرا برداشتی و بر زمین زدی.^{۱۱} روزهایم مانند سایه‌های عصر رو بزوال است و من مثل گیاه پژمرده می‌شوم.

^{۱۲} لیکن تو ای خداوند، تا به ابد پادشاه هستی! و شهرت نام تو در تمام نسل‌ها باقی خواهد ماند.^{۱۳} تو برخاسته، بر سهیون رحم می‌کنی، زیرا وقت آن است که بر او شفقت نمائی و زمان معین رسیده است.^{۱۴} چون بندگان تو به سنگهای آنجا علاقه و دلبستگی دارند و بر خاک آن شفقت می‌نمایند.^{۱۵} قوم‌ها از نام خداوند خواهند ترسید و پادشاهان روی زمین از عظمت و جلال او.^{۱۶} زیرا خداوند سهیون را بنا می‌کند و در جلال خود ظاهر می‌گردد.^{۱۷} به زاری درماندگان توجه نموده و دعای مسکینان را خوار نخواهد شمرد.

^{۱۸} این برای نسل آینده نوشته می‌شود تا قومی که آفریده خواهند شد، خداوند را ستایش کنند.^{۱۹} خداوند از جایگاه ملکوتی خود نگریسته و از آسمان بر زمین نظر افکنده است.^{۲۰} تا ناله اسیران را بشنود و آنانی را که محکوم به مرگ بودند، رهایی بخشد.^{۲۱} بنابراین نام خداوند در سهیون ذکر خواهد گردید و در اورشلیم او را ستایش خواهند کرد،^{۲۲} هنگامیکه اقوام و ملت‌های جهان یکجا جمع شوند تا خداوند را عبادت نمایند.

^{۲۳} توانائی مرا در نصف راه از من گرفت و روزهای مرا کوتاه گردانید.^{۲۴} آنگاه گفتم که ای خدای من، نگذار که در جوانی بمیرم. ای که جاویدان و ابدی هستی.^{۲۵} از قدیم بنیاد زمین را نهادی و آسمان‌ها عمل دست‌های تو است.^{۲۶} آن‌ها فانی می‌شوند، لیکن تو باقی هستی و همگی

آن‌ها همچون لباس، کهنه و فرسوده می‌شوند. تو آن‌ها را مثل ردا تبدیل می‌کنی و مبدل خواهند شد.^{۲۷} لیکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد گردید.^{۲۸} فرزندان بندگانت در پناه تو بسر برده و نسل ایشان در حضور تو پایدار خواهند بود.

ستایش رحمت خدا

(مزموری از داود)

۱۰۳ ای جان من خداوند را ستایش کن، ای تمام وجود من نام مقدس او را متبارک بخوان.^۱ ای جان من خداوند را ستایش کن و مهربانی‌های او را از یاد نبر.^۲ او تمام گناهانت را می‌بخشد و همهٔ مرض‌های ترا شفا می‌دهد.^۳ ترا از مرگ می‌رهاند و تاج رحمت و شفقت خود را بر سر تو می‌نهد.^۴ جان ترا از نعمت‌های خود سیر می‌کند تا جوانی تو مثل عقاب تازه شود.

۵ خداوند عدالت را به جا می‌آورد و انصاف را برای همهٔ مظلومان.^۶ طریق‌های خود را به موسی تعلیم داد و اعمال خود را به بنی اسرائیل.^۷ خداوند بخشنده و مهربان است، دیر غضب و بسیار رحیم.^۸ تا به ابد محاکمه نمی‌کند و خشم را همیشه نگاه نخواهد داشت.^۹ با ما موافق گناهان ما عمل ننموده و ما را مطابق خطاهائی ما جزا نداده است،^{۱۰} زیرا آنقدر که آسمان از زمین بلندتر است، به همان قدر رحمت او بر ترسندگانش عظیم است.^{۱۱} به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، گناهان ما را از ما دور می‌کند.^{۱۲} چنانکه پدر بر فرزندان خود رحیم است، خداوند هم بر ترسندگان خود شفقت می‌نماید.^{۱۳} خداوند از سرشت ما آگاه است و می‌داند که خاک هستیم.

۱۴ روزهای عمر انسان مثل گیاه است و مانند گل صحر می‌شگفتد.^{۱۵} وقتی باد بر آن می‌وزد، نابود می‌شود و مکانش دیگر آن را نمی‌شناسد.^{۱۶} لیکن رحمت خداوند بر ترسندگانش از ازل تا به ابد است و عدالت او بر فرزندان فرزندان شان^{۱۷} و بر آنانی که عهد او را حفظ می‌کنند و

فرايض او را ياد مي دارند تا آن ها را بجا آورند.^{۱۹} خداوند تخت خود را در آسمان ها برقرار نموده و بر همه سلطنت مي کند.

^{۲۰} خداوند را متبارک خوانيد، اي فرشتگان او که در قوت زور آوريد و آواز کلام او را مي شنويد و به جا مي آوريد.^{۲۱} اي تمام لشکرهای او، خداوند را ستايش کنيد و اي خادمان او که اراده او را به جا مي آوريد!^{۲۲} اي همه کارهای خداوند، او را در همه جاهای سلطنت او متبارک خوانيد! اي جان من خداوند را ستايش کن.

در ستايش آفريدگار

۱۰۴ اي جان من، خداوند را ستايش کن. اي خداوند، خدای من، تو بسيار عظيم و به عزت و جلال ملبس هستي.^۲ خويشتن را به نور پوشانیده و آسمان را مثل خيمه برافراشته اي.^۳ خانه او بر فراز ابرها بنا شده و ابرها را عراده خود ساخته و بر بالهای باد سوار مي شود.^۴ بادها را پيام رسان خود و شعله های آتش را خادمان خود مي گرداند.

^۵ زمين را بر بنياد آن استوار کرده که تا به ابد جنبش نخورد.^۶ اوقيانوسها زمين را همچون جامه ای پوشاند و آب، کوهها را در بر گرفت.^۷ از عتاب تو آبها به جريان آمدند و با صدای رعد تو به همه جا پراکنده شدند.^۸ فراز کوهها را پوشاندند، در دره ها سرازير گردیدند و به مکاني که مهيا ساختی جاری شدند.^۹ برای آن ها حدودی را معين کردی تا از آن نگذرند و بار ديگر زمين را آب نپوشاند.^{۱۰} چشمه ها را در وادی ها جاری ساخت تا در ميان کوهها روان شوند،^{۱۱} تمام حيوانات صحرا را سيراب مي سازند و گوره خرها تشنگی خود را رفع مي کنند.^{۱۲} پرندگان بر شاخه های درختان نزديک آب آشيانه مي سازند و نغمه سرايي مي کنند.^{۱۳} با بارانی که از آسمان مي فرستد، کوهها را سيراب مي کند و از ثمرات اعمال تو زمين سير مي گردد.^{۱۴} برای مواشی علف و برای انسانها نباتات را مي رويند تا غذای خود را از آن ها به دست آورند.^{۱۵} همچنان ثمره تاک که دل انسان را شادمان مي کند و روغن که چهره او را شاداب مي سازد و وجود انسان

را به نان قوی می گرداند.^{۱۶} درختان خداوند شاداب می گردند، یعنی سروهای آزاد لبنان که او غرس کرده است.^{۱۷} پرندگان در آن‌ها آشیانه می سازند و اما درخت صنوبر لانه لگ لگ‌ها می باشد.^{۱۸} کوههای بلند پناهگاه بزهای کوهی و صخره‌ها لانه موشهای صحرائی هستند.^{۱۹} ماه را برای تعیین وقت‌ها ساخت و آفتاب زمان غروب خود را می داند.

^{۲۰} شب را بوجود می آوری، تا در تاریکی آن، حیوانات وحشی جنگل بخرامند.^{۲۱} شیربچگان برای شکار خود غرش می کنند و خوراک خویش را از خدا می خواهند.^{۲۲} در وقت طلوع آفتاب دوباره به بیشه خود می آیند و استراحت می کنند.^{۲۳} آنگاه انسان برای کسب و کار خود بیرون می رود و تا شامگاه به وظیفه خود مشغول می باشد.

^{۲۴} ای خداوند اعمال تو چه بسیار است. همه آن‌ها را از روی حکمت انجام داده‌ای. زمین از مخلوقات تو پُر است.^{۲۵} در آن بحر وسیع و بزرگی که آفریده‌ای، جانوران بی شمار و حیوانات بزرگ و کوچک زندگی می کنند.^{۲۶} کشتی‌ها بر سطح آن روانند و لویاتان، یعنی جانور بحری را که آفریده‌ای، در آن بازی می کند.^{۲۷} تمام مخلوقات تو منتظراند تا تو روزی آن‌ها را بدهی.^{۲۸} آنچه را که به آن‌ها می دهی، آن‌ها جمع می کنند. دست خود را باز می کنی، پس از چیزهای نیکو سیر می شوند.^{۲۹} وقتی از آن‌ها رو برمی گردانی، به وحشت می افتند و هنگامیکه جان‌شان را می گیری، می میرند و به خاک برمی گردند.^{۳۰} چون روح خود را می فرستی، مخلوقات آفریده می شوند و روی زمین تازه می گردد.

^{۳۱} جلال خداوند تا به ابد است. خداوند از اعمال خلقت خود خوشنود باشد.^{۳۲} وقتی بر زمین نگاه می کند، زمین بلرزه می آید و چون کوهها را لمس می کند، آتشفشان می شوند.

^{۳۳} تا زنده‌ام خداوند را با سرود پرستش خواهم کرد و تا زمانی که وجود دارم خدای خود را ستایش خواهم نمود.^{۳۴} باشد که تفکر دلم مورد پسند او واقع گردد و من در خداوند شادمانی خواهم کرد.^{۳۵} گناهکاران از روی زمین محو گردند و شیریان دیگر یافت نشوند.

ای جان من خداوند را ستایش کن! هَلَلویاه، سپاس به خداوند.

خداوند و قوم برگزیده او

(همچنان در اول تواریخ ۱۶: ۸-۲۲)

۱۰۵ ^۱ خداوند را شکر کنید و نام او را بخوانید. اعمال او را به ملت‌ها اعلام نمایید. ^۲ برای او سرود بسرائید و او را ستایش کنید. از همه کارهای شگفت‌انگیز او خبر بدهید. ^۳ در نام مقدس او فخر کنید و دل مشتاقان خداوند شادمان باشد. ^۴ خداوند و قوت او را بطلبید و روی او را پیوسته بجوئید. ^۵ معجزاتی را که او انجام داده است به یاد آورید، همچنان نشانه‌های شگفت‌انگیز و داوری‌های دهان او را. ^۶ ای نسل بنده او ابراهیم و ای اولاده یعقوب، برگزیده او.

^۷ خداوند، خدای ماست! داوری‌های او در تمامی جهان است. ^۸ عهد خود را یاد می‌دارد تا به ابد و کلامی را که بر هزاران پشت فرموده است، ^۹ آن عهدی را که با ابراهیم بسته و وعده‌ای را که برای اسحاق داده است. ^{۱۰} آنرا برای یعقوب به عنوان فریضه‌ای استوار ساخت و برای اسرائیل عهد جاودانی. ^{۱۱} او گفت که سرزمین کنعان را به تو می‌دهم تا ملکیت شما گردد. ^{۱۲} هنگامیکه تعداد شان محدود و کم بود و در آنجا مثل بیگانگان بسر می‌بردند ^{۱۳} و از یک ملت به ملت دیگر و از یک مملکت به قوم دیگر می‌رفتند، ^{۱۴} او نگذاشت که کسی بر ایشان ظلم کند و حتی پادشاهان را به خاطر ایشان توبیخ نمود. ^{۱۵} او فرمود: «بر مسح شدگان من دست نزنید و به انبیای من ضرر نرسانید.» ^{۱۶} پس قحطی را در آن زمین آورد و مایه زیست و نان آن‌ها را از بین برد. ^{۱۷} او مردی را پیشتر از آن‌ها فرستاد، یعنی یوسف که به عنوان غلام فروخته شد. ^{۱۸} پاهای یوسف را به زنجیر بستند و به گردن وی حلقه آهنی انداختند، ^{۱۹} تا وقتیکه پیشگویی‌اش به وقوع پیوست و کلام خداوند او را از آزمایش گذشته‌اند و تصدیق فرمود. ^{۲۰} آنگاه پادشاه او را از بند رهایی بخشید و سلطان قوم‌ها او را از زندان آزاد کرد. ^{۲۱} او را بر

خانه خود ناظر مقرر کرد و اختیار تمام دارائی خود را به وی سپرد،^{۲۲} تا به اراده خود بر بزرگان فرعون سروری کند و مشایخ او را حکمت آموزد.

^{۲۳} سپس اسرائیل به مصر درآمدند و یعقوب در زمین حام غربت پذیرفت.^{۲۴} خداوند قوم برگزیده خود را بی نهایت بارور و زیاد گردانید و آن‌ها را قویتر از دشمنان شان ساخت.^{۲۵} لیکن دل مردم مصر را برگردانید تا بر قوم برگزیده او کینه ورزند و با بندگان او با حيله رفتار نمایند.^{۲۶} بعد بنده خود موسی و هارون را که برگزیده بود، فرستاد.^{۲۷} آن‌ها نشانه‌های شگفت‌انگیز او را در میان مصریان انجام دادند و معجزات او را در سرزمین حام.^{۲۸} ظلمت را فرستاد که تاریکی شد و ایشان نتوانستند که به کلام او مخالفت ورزند.^{۲۹} آب‌های آن‌ها را به خون تبدیل کرد و تمام ماهی‌های شان مُردند.^{۳۰} بعد بقیه‌ها به آن کشور هجوم آوردند و حتی قصر سلطنتی هم پُر از بقیه شد.^{۳۱} به امر خداوند انواع مگس‌ها و پشه‌ها در سراسر آن کشور پیدا شدند.^{۳۲} به جای باران، ژاله و شعله‌های آتش را به کشور شان فرستاد.^{۳۳} تاک‌ها و انجیرهای شان را زد و درختان آن محل را شکست.^{۳۴} به فرمان او خیل ملخ و کرم‌های بی شمار پیدا شدند^{۳۵} و همه نباتات و میوه‌های آنجا را خوردند.^{۳۶} تمامی نخست‌زادگان را در زمین ایشان زد، که اولباری‌های قوت شان به شمار می‌رفت.

^{۳۷} آنگاه قوم اسرائیل را که همگی سالم و نیرومند بودند، با نقره و طلا از مصر خارج کرد.^{۳۸} مصر از بیرون رفتن ایشان شاد بود، زیرا خوف ایشان بر مردم مصر قرار گرفته بود.^{۳۹} ابری را برای شان مثل سایبان گسترانید و آتشی که در شب روشنایی دهد.^{۴۰} وقتی از او درخواست کردند، پرنده سلوی «بودنه» را فرستاد و ایشان را از نان آسمان سیر گردانید.^{۴۱} صخره را بشگافت و آب جاری شد و در جاهای خشک مثل نهر روان گردید.^{۴۲} زیرا کلام مقدس خود را به یاد آورد و بنده خویش ابراهیم را.^{۴۳} او قوم برگزیده خود را با خوشی و سرود شادمانی بیرون آورد^{۴۴} و سرزمین اقوام دیگر را به آن‌ها داد و حاصل زحمت آن‌ها را به قوم برگزیده خود بخشید.^{۴۵} تا آنکه فرایض او را نگاه دارند و احکام او را بجا آورند.

رحمت خداوند بر قوم برگزیده‌اش

۱۰۶ هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

خداوند را سپاس گوئید زیرا که او نیکوست و رحمتش تا به ابد. ^۲ کیست که بتواند کارهای بزرگ خداوند را بیان کند و ستایش او را آنطوری که شایسته است بشنواند؟ ^۳ خوشا به حال آنانی که انصاف را نگاه دارند و آنکه عدالت را در همه وقت به عمل آورد.

^۴ ای خداوند به رضامندی‌ای که با قوم برگزیده خود می‌داری، مرا یاد کن و به نجات خود از من تفقد نما. ^۵ تا سعادت برگزیدگان تو را ببینم، در خوشی قوم برگزیده تو حصه بگیرم و با میراث تو فخر نمایم.

^۶ ما و پدران ما گناه نموده‌ایم و خطا کرده، شرارت ورزیده‌ایم. ^۷ پدران ما معجزات تو را در مصر درک نکردند و رحمت‌های زیاد تو را به یاد نیاوردند، بلکه در جوار آب یعنی ساحل بحیره احمر فتنه‌انگیختند. ^۸ با آنهم به خاطر نام خود و برای اینکه قدرت عظیم خود را ظاهر سازد، آن‌ها را نجات داد. ^۹ به فرمان او بحیره احمر خشک گردید و قوم برگزیده خود را از اعماق بحر، گویی از بین صحرا عبور داد. ^{۱۰} آن‌ها را از دست دشمنان نجات داد و از دست بدخواهان رهایی بخشید. ^{۱۱} آب دشمنان ایشان را طوری پوشانید که حتی یکی از آن‌ها هم باقی نماند. ^{۱۲} آنگاه به کلام او ایمان آوردند و سرود حمد او را سرآیدند. ^{۱۳} اما اعمال او را به زودی فراموش کردند و مشورت او را انتظار نکشیدند. ^{۱۴} بلکه در آن بیابان به شهوت پرستی پرداختند و در دشت خدا را آزمایش کردند. ^{۱۵} پس خواست دل‌شان را بجا آورد، لیکن جان‌شان را به مرض مهلکی مبتلا ساخت.

^{۱۶} در بیابان به موسی و به هارون، تقدیس شده خداوند، حسد بردند. ^{۱۷} آنگاه زمین چاک شد و داتان را در خود فروبرد و همچنین ابیرام و خانواده او را پوشانید. ^{۱۸} بعد آتشی در بین شان افروخته شد و شعله آتش شیران را سوزانید. ^{۱۹} در حوریب گوساله ای ساختند و آن بت ریخته شده را پرستش کردند. ^{۲۰} تمثال یک گاو علف خور را بر خدای پُر جلال خویش ترجیح دادند. ^{۲۱} خدای نجات دهنده خود را که کارهای عظیمی را در مصر کرده بود، از یاد بردند. ^{۲۲} معجزات او را در سرزمین حام و کارهای هولناک او را در بحیره احمر، همه را فراموش کردند. ^{۲۳} آنگاه خواست ایشان را هلاک کند، اما برگزیده او موسی به شفاعت آن ها برخاست و غضب خدا را فرونشاند که آن ها هلاک نسازد. ^{۲۴} آن ها سرزمین مرغوب را خوار شمردند و به کلام وی اعتماد نکردند. ^{۲۵} در خیمه های خود لب به شکایت گشودند و به آواز خداوند گوش ندادند. ^{۲۶} پس دست خود را بر ضد آن ها برافراشت که ایشان را در آن بیابان از بین ببرد ^{۲۷} و اولاده شان را در میان امت ها بیندازد و ایشان را در کشورهای بیگانه پراکنده سازد. ^{۲۸} سپس به بت بعل فغور پیوستند و قربانی های تقدیم شده به بتها را خوردند. ^{۲۹} با این اعمال خود خداوند را به خشم آوردند و به مرض کشنده ای گرفتار گردیدند. ^{۳۰} آنگاه فینحاس برخاست و داوری نمود و مرض کشنده از بین برداشته شد. ^{۳۱} این برای او به عدالت محسوب گردید، نسلاً بعد نسل تا ابدالآباد.

^{۳۲} خداوند را نزد آب های مریبه غضبناک ساختند. موسی هم به خاطر آن ها آزار دید ^{۳۳} و چنان روح او را تلخ ساختند که لب به ناسزاگفتن گشود. ^{۳۴} ایشان آن قوم های را که خداوند امر فرموده بود از بین نبردند، ^{۳۵} بلکه با آن ها رابطه دوستی برقرار کردند و اعمال بت پرستان را آموختند. ^{۳۶} بت های شانرا پرستیدند و با این کار برای خود دام گذاشتند. ^{۳۷} پسران و دختران خود را برای ارواح پلید قربانی نمودند. ^{۳۸} خون بیگناهان یعنی خون پسران و دختران خود را ریختند و آنرا برای بت های کنعان قربانی کردند. آن سرزمین از خون آلوده گردید. ^{۳۹} آن ها به خاطر اعمال خود نجس شدند و بت پرستی آن ها در نظر خداوند حکم زنا را داشت. ^{۴۰} آنگاه خشم خداوند بر قوم برگزیده اش افروخته شد و او از آن ها بیزار گردید. ^{۴۱} پس ایشان را به دست امت ها تسلیم نمود تا آنانی که از ایشان نفرت داشتند، بر آن ها حکمرانی کنند. ^{۴۲} دشمنان شان بر آن ها ظلم کردند و

آن‌ها را زیر دست خود خوار و ذلیل ساختند.^{۴۳} خداوند بارها قوم برگزیده خود را نجات داد، اما آن‌ها هر بار در برابر او فتنه برانگیختند و به خاطر گناه خویش خوار و ذلیل گردیدند.^{۴۴} با وجود این، وقتی که فریاد ایشان را شنید، به درماندگی آن‌ها توجه کرد.^{۴۵} به خاطر ایشان، پیمان خود را بیاد آورد و به سبب رحمت بی‌پایان خود، آن‌ها را مجازات نکرد^{۴۶} و دل اسیرکنندگان ایشان را به رحم آورد.

^{۴۷} ای خداوند، خدای ما، ما را نجات ده! ما را از میان ممالک بیگانه جمع کن، تا نام مقدس تو را حمد گوئیم و ستایش تو افتخار ما باشد.^{۴۸} خداوند، خدای اسرائیل از ازل تا به ابد متبارک باد! و تمام قوم بگویند: «آمین!»

هَلَلِوِیَاه، سپاس به خداوند!

کتاب پنجم

(مزامیر ۱۰۷ - ۱۵۰)

ستایش نیکویی خداوند

۱۰۷^۱ خداوند را سپاس گوئید زیرا که او نیکوست و رحمتش تا به ابد.^۲ فدیة شدگان خداوند این را بگویند، آنهایی که خداوند ایشان را از دست دشمن فدیة داده^۳ و از کشورهای بیگانه، از شرق و غرب و شمال و جنوب جمع کرده است.

^۴ آن‌ها در صحرا و بیابان بیراهه آواره بودند و شهری برای سکونت نیافتند.^۵ گرسنه و تشنه شدند و جان‌شان بیچاره و بینوا گردید.^۶ آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی‌های شان رهایی بخشید.^۷ آن‌ها را به راه مستقیم رهبری نمود تا به شهری مسکون درآمدند.^۸ پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت‌انگیز او با بنی‌آدم شکر

کنند.^۹ زیرا که جان تشنه را سیراب نموده و جان گرسنه را با چیزهای نیکو سیر کرد.

^{۱۰} بعضی شان در تاریکی و سایهٔ موت نشسته بودند و در زندان و زنجیر رنج می‌بردند،^{۱۱} زیرا که آن‌ها از کلام خدا سرپیچی کرده و احکام خدای قادر متعال را بجا نیاورده بودند.^{۱۲} به همین جهت آن‌ها را در زیر بار زحمت و مشقت چنان ذلیل ساخت که از پا افتادند و مدد کنندهٔ نبود.^{۱۳} آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی‌های شان رهایی بخشید.^{۱۴} آن‌ها را از تاریکی و سایه موت بیرون آورد و از بند و زنجیر آزاد کرد.^{۱۵} پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت‌انگیز او با بنی‌آدم شکر کنند.^{۱۶} زیرا که دروازه‌های برنجی را شکسته و پشت‌بندهای آهنی آنرا قطع می‌کند.

^{۱۷} افراد نادان به خاطر روش شیرانهٔ خود و به سبب گناهان خویش، در عذاب بودند.^{۱۸} جان شان از هر نوع خوراک بیزار بود و پای شان به لب گور رسیده بود.^{۱۹} آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی‌های شان رهایی بخشید.^{۲۰} کلام خود را فرستاده، ایشان را شفا بخشید و از مرگ و عذاب نجات داد.^{۲۱} پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت‌انگیز او با بنی‌آدم شکر کنند.^{۲۲} قربانی‌های شکرانگی بگذرانند و با شادمانی کارهای را که او کرده است، اعلام نمایند.

^{۲۳} بعضی از آن‌ها با کشتی به بحر رفتند و در آب‌های عمیق مشغول کار شدند.^{۲۴} آن‌ها کارهای خداوند و شاهکارهای دست او را در اعماق بحر دیدند.^{۲۵} به فرمان او باد و طوفان برخاست و امواج بحر به طغیان آمد.^{۲۶} کشتی‌ها گاهی به هوا بلند می‌شدند و گاهی به اعماق بحر فرومی‌رفتند. جان شان در این تلاطم از حال رفت.^{۲۷} مانند مستان اُفتان و خیزان شدند و نمی‌دانستند که چه کار کنند.^{۲۸} آنگاه در تنگی خود نزد خداوند فریاد برآوردند و ایشان را از سختی‌های شان رهایی بخشید.^{۲۹} طوفان را آرام کرد و امواج بحر از تلاطم باز ایستادند.^{۳۰} وقتی آرامش حکمفرما گردید، همه خوشحال شدند و خداوند آن‌ها را به بندر مقصود رسانید.^{۳۱} پس خداوند را به سبب رحمتش و به سبب کارهای شگفت‌انگیز او با بنی‌آدم شکر کنند.^{۳۲} عظمت

و جلال او را به جماعت قوم اعلام کنند و نزد بزرگان قوم او را ستایش کنند.

^{۳۳} او دریاها را به بیابان و چشمه‌های آب را به زمین خشک و بی‌آب تبدیل کرد. ^{۳۴} زمین حاصلخیز را به خاطر شرارت ساکنان آن به شوره‌زار مبدل ساخت. ^{۳۵} بیابان را به دریاچهٔ آب و زمین خشک را به چشمه‌های آب تبدیل کرد. ^{۳۶} گرسنگان را در آنجا ساکن ساخت تا شهری برای سکونت خود آباد کنند. ^{۳۷} در زمین آنجا به زراعت پرداختند، تاکستانها غرس نمودند و حاصل بسیار به دست آوردند. ^{۳۸} خداوند آن‌ها را برکت داد که بی‌حد زیاد شدند و نگذاشت که رمه و گلهٔ شان کم گردد.

^{۳۹} باز کم گشتند و تحقیر شدند و در زیر ظلم و ستم رنج کشیدند. ^{۴۰} خداوند رهبران ظالم را خوار و در ویرانه‌ها آواره می‌سازد، ^{۴۱} اما مسکین را از رنج و سختی رهایی می‌دهد و قبیله‌ها را مثل گله‌ها زیاد می‌سازد. ^{۴۲} صالحان این را می‌بینند و خوشی می‌کنند، اما دهان شرارت بسته می‌گردد.

^{۴۳} کیست خردمند تا بدین چیزها تفکر نماید؟ که ایشان رحمت‌های خداوند را خواهند فهمید.

طلب کمک علیه دشمنان

(مزموری از داود)

(همچنین در مزمور ۷:۵۷-۱۱ و ۵:۶۰-۱۲)

۱۰۸ ای خدا، دل من مستحکم است. سرود حمد تو را می‌خوانم و تو را از دل و جان ستایش می‌کنم. ^۲ ای چنگ و رباب بیدار شوید! من نیز سپیده‌دم را بیدار می‌کنم. ^۳ ای خداوند، تو را در میان قوم‌ها ستایش می‌کنم و در برابر ملتها سرود حمد تو را می‌خوانم، ^۴ زیرا که رحمت تو عظیم و مافوق آسمان‌ها است و راستی تو تا اوج افلاک می‌رسد. ^۵ ای خدا، بر فوق آسمان‌ها

متعال باش و جلال تو بر روی همه زمین آشکار گردد! ^۶ با دست راست خود نجات ده و مرا اجابت فرما، تا محبوبان تو خلاصی یابند.

^۷ خدا در قدوسیت خود سخن گفته است: «با خوشی فراوان شهر شکیم را تقسیم می‌کنم و وادی سوکوت را اندازه‌گیری می‌کنم. ^۸ سرزمین جلعاد و منسی به من تعلق دارد. افرایم کلاهخود سر من و یهودا عصای سلطنت من است. ^۹ سرزمین موآب را ظرف طهارت می‌گردانم، بر ادوم کفش خود را می‌اندازم و بر فلسطین فریاد پیروزی برمی‌آورم.»

^{۱۰} کیست که مرا به شهر حصاردار ببرد؟ و کیست که مرا به ادوم راهنمائی کند؟ ^{۱۱} مگر نه تو ای خدا که ما را دور انداخته و با لشکرهای ما نرفتی؟ ^{۱۲} مرا در مقابل دشمن کمک فرما، زیرا معاونت از طرف انسان باطل است. ^{۱۳} با کمک خدا پیروزی نصیب ما است و او دشمنان ما را پایمال می‌سازد.

شکایت شخص رنج‌دیده

(مزموری از داود)

۱۰۹ ای خدای که تو را ستایش می‌کنم، خاموش مباش! ^۲ زیرا شیران و فریبکاران دهان به بدگوئی من گشوده‌اند و درباره من سخنان دروغ می‌گویند. ^۳ با سخنان نفرت‌انگیز دور مرا گرفته و بی‌سبب با من جنگ می‌کنند. ^۴ به عوض محبت من، با من دشمنی می‌کنند، لیکن من دعا. ^۵ جواب خوبی‌های مرا با بدی می‌دهند و در عوض محبت، از آن‌ها کینه و نفرت می‌بینم. ^۶ شیر را بر دشمنم بگمار و ملامت‌کننده را در دست راست او. ^۷ هنگامیکه به محکمه بیاید، مجرم به حساب آید و دعای او گناه شمار گردد. ^۸ عمرش کوتاه گردد و مقام و منصبش به دیگری تعلق گیرد. ^۹ فرزندانش یتیم شوند و زن وی بیوه گردد. ^{۱۰} فرزندان او آواره شده و گدایی

کنند و از خرابه‌های شان رانده شوند.^{۱۱} طلبکار در بدل قرض، تمام مال و دارائی او را ضبط نماید و بیگانگان حاصل زحمتش را تاراج کنند.^{۱۲} کسی نباشد که به او دلسوزی کند و نه بر یتیمان وی شفقت بنماید.^{۱۳} نسل او قطع گردد و در طبقه بعد نام ایشان محو شود.^{۱۴} خداوند شرارت پدرانش را فراموش نکند و گناه مادرش را نیامرزد.^{۱۵} عصیان آن‌ها همیشه مدنظر خداوند بماند تا نام و نشان آن‌ها را از زمین قطع نماید،^{۱۶} زیرا که شفقت را نشناخت، بر فقیر و مسکین جفا کرد و شخص شکسته دل تا دم مرگ از او آزار دید.^{۱۷} او که لعنت را دوست می داشت، به خودش رسید و چون که برکت را نمی خواست، از او دور شده است.^{۱۸} لعنت را مثل لباس در بر خود گرفت که مانند آب در بدنش و مثل روغن در استخوان‌هایش درآمد.^{۱۹} لعنت مثل جامه‌ای باشد که او را می پوشاند و همچون کمربندی که به آن همیشه بسته می شود.^{۲۰} این اجرتی باشد از جانب خداوند برای ملامت کنندگان و بدخواهان جانم.

^{۲۱} اما تو ای خداوند متعال و خدای من، به خاطر نام خود به من مدد فرما، چونکه رحمت تو نیکوست. مرا نجات ده،^{۲۲} زیرا که فقیر و مسکین هستم و دل من در اندرونم مجروح است.^{۲۳} مانند سایه زودگذر در حال فنا هستم و مثل ملخ رانده شده‌ام.^{۲۴} زانوهایم از روزه داشتن می لرزند و گوشتم آب می شود.^{۲۵} پیش مردم خوار و حقیر شده‌ام و وقتی مرا می بینند سر خود را می جنبانند.

^{۲۶} ای خداوند و خدای من، به من مدد فرما و بر حسب رحمت خود مرا نجات ده.^{۲۷} تا بدانند که این است دست تو، و تو ای خداوند این را کرده‌ای.^{۲۸} ایشان لعنت بکنند، اما تو برکت بده. وقتی برخیزند، خجل شوند و اما بنده تو شادمان گردد.^{۲۹} جفاکنندگانم به رسوایی ملبس شوند و خجالت خویش را مثل لباس بپوشند.^{۳۰} خداوند را به زبان خود سپاس می گویم و در برابر گروه کثیری او را ستایش می کنم،^{۳۱} زیرا که به دست راست مسکین می ایستد تا او را از دست کسانی که بر جان او فتوی می دهند برهاند.

خداوند و پادشاه برگزیده‌اش

(مزموری از داود)

۱ | ۱ | ۰
خداوند به خداوند من گفت: «در دست راست من بنشین تا دشمنانت را پای انداز تو سازم.»^۲ خداوند عصای قوت تو را از سهیون خواهد فرستاد تا بر دشمنانت سلطنت کنی.
در آن روزی که به جنگ دشمنان بروی، قوم تو در لباس تقوی و پرهیزگاری حاضر می‌شوند و مردان جوان، مثل شبنم صبحگاهی، به حضور تو بر کوه مقدس می‌آیند.

خداوند قسم خورده است و پشیمان نخواهد شد که: «تو کاهن هستی تا ابدالآباد، به رتبه ملکیزدق.»^۳ خداوند که در دست راست تو است؛ در روز غضب خود پادشاهان را شکست می‌دهد.^۴ در میان امت‌ها داوری می‌کند. میدان جنگ را از اجساد آنها پُر می‌سازد و سر آنها را در زمین وسیع می‌کوبد.^۵ پادشاه از نهر کنار جاده می‌نوشد و نیرو می‌یابد و با پیروزی بیا می‌ایستد.

ستایش اعمال خداوند

۱ | ۱ | ۱
هَلِّلُویاه، سپاس به خداوند!

خداوند را با تمامی دل در مجلس راستکاران و در میان جماعت قوم سپاس می‌گوییم.^۲ کارهای خداوند عظیم‌اند و همه کسانیکه به آنها رغبت دارند در آنها جستجو می‌کنند.^۳ کار خداوند پُر جلال و شکوهمند است و عدالت وی استوار تا به ابد.^۴ معجزات او برای همیشه یاد می‌گردند. خداوند بخشنده و رحیم است.^۵ برای ترسندگان خود روزی فراهم می‌سازد و به عهد خود وفا می‌کند تا ابدالآباد.^۶ قدرت اعمال خود را با عطا کردن سرزمین امت‌ها برای قوم برگزیده خود، به آنها نشان داده است.

۷ کارهای دستهای راستی و انصاف است و همه احکام او قابل اعتماد. ^۸ آن‌ها تا به ابد پایدار هستند و بر اساس راستی و درستی انجام یافته‌اند. ^۹ فدیهای برای قوم برگزیده خود فرستاد و پیمان خویش را تا به ابد برقرار فرمود. نام او مقدس و مهیب است. ^{۱۰} ترس خداوند ابتدای حکمت است. خردمندی نیکو برای همه کسانی است که آنرا در نظر دارند و انجام می‌دهند. حمد خداوند پایدار است تا به ابد.

سعادت شخص خدا ترس

۱۱۲ ^۱ هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

خوشا به حال کسی که از خداوند می‌ترسد و در وصایای او بسیار رغبت دارد. ^۲ فرزندان او در زمین نیرومند می‌شوند و نسل راستکاران برکت می‌بینند. ^۳ ثروت و دارائی در خانه او می‌باشد و عدالتش تا به ابد پایدار است.

^۴ نور برای راستکاران در تاریکی طلوع می‌کند، او بخشنده و رحیم و عادل است. ^۵ سعادت‌مند است شخصی که رحیم و قرض‌دهنده باشد. او کارهای خود را با انصاف انجام می‌دهد. ^۶ او هرگز جنبش نمی‌خورد. شخص عادل تا به ابد یاد می‌شود. ^۷ از خبر بد نمی‌ترسد، دل او پایدار است و بر خداوند توکل دارد. ^۸ دل او استوار است و نمی‌ترسد تا آرزوی خویش را بر دشمنان خود ببیند. ^۹ از روی سخاوت به نیازمندان کمک می‌کند، عدالتش تا به ابد پایدار است و عزتمند و با قدرت می‌گردد. ^{۱۰} شخص شیرین این را دیده، غضبناک می‌شود و دندانهای خود را فشرده، دلش آب می‌گردد. آرزوی شیرین زایل می‌شود.

سرود حمد خداوند

۱۱۳ ^۱ هَلَلویاه، سپاس به خداوند!

ای بندگان خداوند، سپاس بگوئید و نام خداوند را ستایش کنید.^۲ نام خداوند متبارک باد، از حال تا به ابد.^۳ از طلوع آفتاب تا غروب آن، نام خداوند ستایش شود.^۴ خداوند متعال است، مافوق همه ملتها و جلال او به آسمانها می رسد.

^۵ کیست مانند خداوند، خدای ما که در جایگاه آسمانی خود نشسته است^۶ و متواضع می شود تا نظر نماید بر آسمانها و بر زمین؟^۷ او مسکین را از خاک برمی دارد و فقیر را از خاکروبه بلند می کند.^۸ تا آنها را با بزرگان همنشین سازد یعنی با بزرگان قوم شان.^۹ زن بی اولاد را خانه دار می سازد و مادر خوشبخت فرزندان.

هَلِّلُوْیَاه، سپاس به خداوند!

سرود فَصَح

۱۱۴^۱ وقتی بنی اسرائیل مصر را ترک کردند و اولاده یعقوب از سرزمین بیگانگان خارج شدند،^۲ یهودا جایگاه مقدس او شد و اسرائیل محل سلطنت وی.^۳ بحر این را بدید و گریخت و اُردن به عقب برگشت.^۴ کوهها مانند قوچ و تپهها مثل بره به جست و خیز آمدند.^۵ ای بحر ترا چه شد که گریختی؟ و ای اُردن که به عقب برگشتی؟^۶ ای کوهها چرا مثل قوچ به جست و خیز آمدید و ای تپهها چرا مانند بره شدید؟

^۷ ای زمین از حضور خداوند متزلزل شو و از حضور خدای یعقوب.^۸ که صخره را دریاچه آب گردانید و سنگ خارا را چشمه آب.

در وصف خدای حقیقی

۱۱۵^۱ نه ما را، ای خداوند! نه ما را، بلکه نام خود را جلال ده! به سبب رحمت و راستی

خویش.^۲ چرا ملت‌های جهان بگویند: «خدای ایشان کجاست؟»^۳ خدای ما در آسمان است و آنچه را که اراده فرماید بعمل می‌آورد.^۴ بت‌های ایشان از نقره و طلاست و صنعت دست‌های انسان.^۵ آن‌ها دهان دارند، اما قادر به حرف زدن نیستند؛ دارای چشم هستند، ولی دیده نمی‌توانند.^۶ گوش دارند، اما نمی‌شنوند. آن‌ها را بینی است، لیکن نمی‌بویند.^۷ دارای دست هستند، ولی لمس کرده نمی‌توانند. پای دارند، اما راه نمی‌روند و صدائی از گلوی شان بر نمی‌آید.^۸ کسانی که این بت‌ها را می‌سازند و همچنان اشخاصی که به آن‌ها توکل می‌کنند، مثل بت‌های شان بی‌شعور هستند.

^۹ ای اسرائیل، به خداوند توکل نما. «او معاون و سپر ایشان است.»^{۱۰} ای خاندانِ هارون بر خداوند توکل نمائید. «او معاون و سپر ایشان است.»^{۱۱} ای کسانی که از او می‌ترسید، بر او توکل نمائید. «او معاون و سپر ایشان است.»

^{۱۲} خداوند ما را به یاد آورده و برکت می‌دهد. خاندان اسرائیل را برکت می‌دهد و خاندان هارون را برکت می‌دهد.^{۱۳} خداوند ترسندگان خود را برکت می‌دهد، چه خورد و چه بزرگ.^{۱۴} خداوند تعداد شما را بیفزاید، شما و فرزندان شما را.^{۱۵} شما برکت یافته‌اید خداوند که آسمان و زمین را آفرید، هستید.^{۱۶} آسمان‌ها، آسمان‌های خداوند است و اما زمین را به بنی‌آدم بخشیده است.^{۱۷} مُردگان نیستند که خداوند را ستایش می‌کنند و نه آنانی که روندهٔ دیار خاموشی هستند.^{۱۸} لیکن ما خداوند را متبارک می‌خوانیم، از حال تا به ابد.

هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

سپاسگزاری برای رهایی

۱۱۶ ^۱ خداوند را محبت می‌نمایم، زیرا که آواز من و تضرع مرا می‌شنود.^۲ او گوش خود را متوجهٔ من ساخته است، پس تا که زنده هستم به دربار او دعا می‌کنم.^۳ ریسمان‌های موت مرا

احاطه کرد، ترسهای مرگ مرا به وحشت انداخت و در تنگی و غم افتادم.^۴ آنگاه نام خداوند را خواندم و گفتم: «آه ای خداوند، جان مرا رهایی ده!»

^۵ خداوند رحیم و عادل است و خدای ما رحیم است.^۶ خداوند از اشخاص ناتوان محافظت می‌کند. خوار و ذلیل بودم، او مرا نجات داد.^۷ ای جان من به آرامی خود برگرد، زیرا خداوند به تو احسان نموده است.^۸ تو ای خداوند، جان مرا از موت خلاصی دادی و چشمانم را از اشک و پاهایم را از لغزیدن.^۹ پس در زمین زندگان به حضور خداوند بسر می‌برم.^{۱۰} چون ایمان داشتم سخن گفتم، باوجودی که بسیار بینوا بودم.^{۱۱} در پریشانی خود گفتم که «جمع آدمیان دروغگویند.»

^{۱۲} خداوند را برای همه خوبی‌های که به من نموده است، چه ادا کنم؟^{۱۳} به خاطر نجات خود، هدیه نوشیدنی را به حضور خداوند تقدیم می‌کنم و نام او را سپاس می‌گویم.^{۱۴} در حضور قوم برگزیده او به وعده‌های که به خداوند داده‌ام، وفا می‌کنم.

^{۱۵} موت مقدسان خداوند در نظر وی گرانبهاست.^{۱۶} آه ای خداوند، من بنده تو هستم! من بنده تو و پسر کنیز تو هستم. تو از بند آزادم کردی.^{۱۷} به حضور تو قربانی شکرگزاری را تقدیم نموده و نام تو را می‌ستایم.^{۱۸} در حضور قوم برگزیده او به وعده‌های که به خداوند داده‌ام، وفا می‌کنم.^{۱۹} آنرا در پیشگاه خانه خداوند و در اندرون تو ای اورشلیم ادا می‌کنم.

هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

در ستایش خداوند

۱۱۷ ای جمیع امت‌ها خداوند را سپاس بگوئید! و ای تمامی قبایل، او را ستایش کنید!^۱
^۲ زیرا که رحمت خداوند بر ما عظیم است و وفاداری او تا به ابد.

سرود پیروزی

۱۱۸ ^۱ خداوند را سپاس گوئید زیرا که نیکوست و رحمت او تا به ابد است. ^۲ قوم اسرائیل بگویند: «رحمت او تا به ابد است.» ^۳ خاندان هارون بگویند: «رحمت او تا به ابد است.» ^۴ ترسندگان خداوند بگویند: «رحمت او تا به ابد است.»

^۵ در هنگام سختی خداوند را خواندم. خداوند مرا اجابت فرموده و در جای وسیع قرارم داد. ^۶ خداوند با من است، پس نمی ترسم. انسان به من چه کرده می تواند؟ ^۷ خداوند همراه من و مددگار من است، پس شکست دشمنان خود را خواهم دید. ^۸ به خداوند پناه بردن بهتر است از توکل نمودن به انسانها. ^۹ به خداوند پناه بردن بهتر از توکل نمودن بر امیران.

^{۱۰} جمیع امت ها مرا احاطه کرده اند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ^{۱۱} آن ها مرا از هر طرف احاطه نموده اند، لیکن به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ^{۱۲} آن ها مثل خیل زنبور بر من هجوم آورده اند ولی مانند آتش خارها خاموش می شوند، زیرا به نام خداوند ایشان را هلاک می کنم. ^{۱۳} بر من با شدت هجوم آوردی تا بیفتم، لیکن خداوند به کمک من رسید. ^{۱۴} خداوند قوت و سرود من است؛ او نجات من شده است.

^{۱۵} آواز ترنم و نجات در خیمه عادلان است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. ^{۱۶} دست راست خداوند برافراشته است. دست راست خداوند با شجاعت عمل می کند. ^{۱۷} نمی میرم، بلکه زنده می مانم و همه کارهای خداوند را اعلام می کنم. ^{۱۸} گرچه خداوند مرا به شدت سرزنش کرد، لیکن مرا به موت نسپرده است.

^{۱۹} دروازه های عدالت را برایم بگشائید تا داخل شوم و خداوند را سپاس گویم. ^{۲۰} این دروازه

خداوند است. عادلان به آن داخل می شوند.^{۲۱} ترا سپاس می گویم زیرا که مرا اجابت فرموده و نجات من شده ای.

^{۲۲} سنگی را که معماران رد کردند، همان سنگِ سر زاویه شده است.^{۲۳} این از جانب خداوند شده و در نظر ما عجیب است.^{۲۴} این است روزی که خداوند ساخت. خوشی کنیم و شادمان باشیم.^{۲۵} آه ای خداوند نجات ببخش! آه ای خداوند ما را موفق گردان.

^{۲۶} متبارک باد او که به نام خداوند می آید. شما را از خانه خداوند برکت می دهیم.^{۲۷} خداوند، خدائی است که نور خود را برای ما عطا کرده است. پس قربانی ها را با ریسمانها بر قربانگاه او ببندید.^{۲۸} تو خدای من هستی تو، پس تو را ستایش می کنم. خدای من، تو را متعال می خوانم.^{۲۹} خداوند را سپاس گوئید زیرا که نیکوست و رحمت او تا به ابد است.

نور و تسلی در کلام خدا

۱۱۹ خوشا به حال کاملان طریق که پیرو شریعت خداوند هستند.^۲ خوشا به حال آنانی که شهادت او را حفظ می کنند و با تمامی دل او را می طلبند.^۳ کج روی نیز نمی کنند، بلکه در راههای خداوند قدم برمی دارند.^۴ تو به ما وصایای خود را امر فرموده ای تا آن ها را تماماً نگاه داریم.^۵ کاش که راههای من مستحکم شود تا فرایض تو را بجا آورم.^۶ آنگاه خجل نخواهم شد چون تمام اوامر تو را در مدنظر خود دارم.^۷ تو را به راستی دل سپاس خواهم گفت، وقتی داوری های عادلانه تو را بیاموزم.^۸ فرایض تو را بجا می آورم، پس هیچگاهی مرا ترک مکن.

^۹ به چه چیز می تواند مرد جوان راه خود را پاک نگاه دارد؟ با محافظت آن موافق کلام تو.^{۱۰} از دل و جان در طلب تو هستم، پس نگذار که از اوامر تو سرکشی کنم.^{۱۱} کلام تو را در دل نگاه می دارم که مبادا به تو گناه ورزم.^{۱۲} ای خداوند تو متبارک هستی! فرایض خود را به من بیاموز.^{۱۳} تمامی داوری های دهان تو را به لب های خود بیان می کنم.^{۱۴} در طریق شهادت تو، بیشتر از

کسب ثروت شادمانم. ^{۱۵} در وصایای تو تفکر می‌کنم و به طریق‌های تو توجه می‌نمایم. ^{۱۶} از فرامین تو لذت می‌برم، پس کلام تو را فراموش نمی‌کنم.

^{۱۷} به بنده خود احسان کن تا زنده بمانم و کلام تو را حفظ نمایم. ^{۱۸} چشمانم را باز کن تا حقایق شگفت‌انگیز احکام تو را ببینم. ^{۱۹} من در این دنیا بیگانه هستم، پس اوامر خود را از من مخفی مدار. ^{۲۰} همه وقت جان من از اشتیاق به داوری‌های تو بی‌تاب می‌شود. ^{۲۱} مردمان متکبر و ملعون را که از اوامر تو گمراه می‌شوند، سرزنش می‌کنی. ^{۲۲} ننگ و رسوایی را از من بگردان، زیرا که شهادت تو را حفظ کرده‌ام. ^{۲۳} حاکمان نیز نشسته و بر ضد من سخن می‌گویند، لیکن بنده تو در فرایض تو تفکر خواهد کرد. ^{۲۴} شهادت تو مایه خوشی من، و همیشه راهنمای من بوده‌اند.

^{۲۵} جان من به خاک نزدیک شده است؛ مرا موافق کلام خود زنده ساز. ^{۲۶} راههای زندگی خود را به حضور تو بیان کردم و تو مرا اجابت نمودی، پس احکام خود را به من بیاموز. ^{۲۷} طریق وصایای خود را به من بفهمان، تا در کارهای شگفت‌انگیز تفکر نمایم. ^{۲۸} دل من از غم و اندوه آب شده است، مرا موافق کلام خود استوار گردان. ^{۲۹} راه دروغ را از من دور کن و احکام خود را به من لطف فرما. ^{۳۰} راه راستی را اختیار کرده و داوری‌های تو را پیش خود می‌گذارم. ^{۳۱} شهادت تو در دلم جا دارد، پس ای خداوند مرا شرمنده نساز. ^{۳۲} در طریق اوامر تو می‌دوم با اشتیاق پیش می‌روم، زیرا که دل مرا از بند رها ساختی.

^{۳۳} ای خداوند طریق احکام خود را به من بیاموز و من آن‌ها را تا به آخر نگاه می‌دارم. ^{۳۴} مرا فهم بده و من از شریعت تو اطاعت کرده و با تمام دل آنرا بجا می‌آورم. ^{۳۵} مرا در طریق اوامر خود رهنمود گردان، زیرا که راه تو برایم دلپذیر است. ^{۳۶} دل مرا به شهادت خود مایل گردان، نه به سوی طمع. ^{۳۷} چشمانم را از دیدن چیزهای باطل برگردان و در طریق خود مرا احیاء کن. ^{۳۸} طبق وعده‌ای که به بنده خویش داده‌ای، عمل کن. همان وعده‌ای که به ترسندگان خود داده‌ای. ^{۳۹} رسوایی را که از آن می‌ترسم از من دور کن زیرا داوری‌های تو نیکوست. ^{۴۰} چقدر زیاد مشتاق

وصایای تو هستم! بر حسب عدالت خود مرا احیاء کن.

^{۴۱} ای خداوند، رحمت تو به من برسد و نجات تو بر حسب کلام تو. ^{۴۲} تا بتوانم ملامت کننده خود را جواب دهم، زیرا به کلام تو توکل دارم. ^{۴۳} کلام راستی را هیچگاه از دهانم مگیر، زیرا که به داوری های تو امیدوارم ^{۴۴} و احکام تو را پیوسته نگاه می دارم تا ابدالآباد. ^{۴۵} در آزادی راه می روم زیرا که وصایای ترا طلبیده ام. ^{۴۶} از شهادت تو نزد پادشاهان سخن می گویم و خجل نخواهم شد، ^{۴۷} زیرا احکام تو را دوست دارم و اطاعت از آن ها برایم لذت بخش است. ^{۴۸} دستهای خود را به سوی اوامر تو بلند می کنم، زیرا که آن ها را دوست می دارم و در فرایض تو تفکر می کنم.

^{۴۹} کلام خود را با بنده خویش بیاد آور، زیرا مرا بوسیله آن امید داده ای. ^{۵۰} این در وقت سختی و مصیبت تسلی من است، زیرا کلام تو مرا زنده نگاه می دارد. ^{۵۱} متکبران مرا بسیار مسخره می کنند، لیکن من از احکام تو رو بر نمی گردانم. ^{۵۲} ای خداوند، داوری های تو را از قدیم بیاد می آورم و خویشتن را تسلی می دهم. ^{۵۳} وقتی می بینم که اشخاص شریر احکام تو را بجا نمی آورند، از خشم به جوش می آیم. ^{۵۴} فرایض تو، در دوران غربت من در این دنیا، سرود من هستند. ^{۵۵} ای خداوند، نام تو را در شب بیاد می آورم و احکام تو را نگاه می دارم. ^{۵۶} این است آنچه برایم تعیین شده است، زیرا که وصایای تو را نگاه می دارم.

^{۵۷} خداوند بهره من است، پس می گویم که کلام تو را نگاه می دارم. ^{۵۸} از صمیم قلب خواستار رضای تو می باشم. بر حسب کلام خود بر من رحم فرما. ^{۵۹} در راههای خود تفکر می کنم و پاهای خود را به شهادت تو مایل می سازم. ^{۶۰} می شتابم تا بدون تأخیر اوامرت را بجا آورم. ^{۶۱} اگر ریسمانهای شیران هم مرا احاطه کنند، احکام تو را فراموش نخواهم کرد. ^{۶۲} در نصف شب بیدار می شوم و تو را به خاطر داوری های عادلانه تو ستایش می کنم. ^{۶۳} من دوست همه ترسندگان تو هستم که وصایای تو را نگاه می دارند. ^{۶۴} ای خداوند، زمین از رحمت تو پُر است؛ احکام خود را به من بیاموز!

^{۶۵} با بنده خود احسان نمودی، ای خداوند موافق کلام خویش. ^{۶۶} فهم و معرفت را به من بیاموز، زیرا که به اوامر تو اعتماد دارم. ^{۶۷} قبل از اینکه مصیبت را ببینم، گمراه شده بودم، لیکن حالا کلام تو را بجا می آورم. ^{۶۸} تو نیکو هستی و نیکویی می کنی. فرایض خود را به من بیاموز. ^{۶۹} متکبران درباره من دروغ گفتند، اما من به تمامی دل وصایای تو را نگاه می دارم. ^{۷۰} دل ایشان از شدت چربی سخت شده است، ولی من از احکام تو لذت می برم. ^{۷۱} مرا نیکوست که مصیبت را دیدم، تا فرایض تو را بیاموزم. ^{۷۲} احکام دهان تو برای من بهتر است از هزاران طلا و نقره.

^{۷۳} دستهای تو مرا ساخته و آفریده است. مرا فهمم گردان تا اوامر تو را بیاموزم. ^{۷۴} ترسندگان تو از دیدن من خوشحال می شوند، زیرا به کلام تو امیدوار هستم. ^{۷۵} ای خداوند، می دانم که داوری های تو عادلانه است و در وفاداری خود مرا تنبیه نموده ای. ^{۷۶} پس رحمت تو برای من تسلی شود، موافق کلام تو با بنده خویش. ^{۷۷} مرا از رحمت های خود برخوردار کن تا زنده بمانم و از احکام تو لذت ببرم. ^{۷۸} متکبران خجل شوند، زیرا که با دروغهای خود مرا اذیت کردند و اما من در وصایای تو تفکر می کنم. ^{۷۹} ترسندگان تو پیش من برگردند و آنانی که شهادت تو را می دانند. ^{۸۰} دل من در فرایض تو کامل شود، تا شرمنده نشوم.

^{۸۱} جان من در انتظار اینکه مرا نجات دهی از حال رفته است، لیکن به کلام تو امیدوار هستم. ^{۸۲} چشمانم برای کلام تو تار گردیده است و می پرسم که چه وقت مرا تسلی خواهی داد. ^{۸۳} مانند مشکِ دودزده خشک شده ام، اما احکام تو را فراموش نکرده ام. ^{۸۴} تا به کی بنده ات صبر کند؟ چه وقت جفاکنندگانم را داوری خواهی نمود؟ ^{۸۵} متکبران برای من چاهها کردند، زیرا که از شریعت تو نافرمانی می کنند. ^{۸۶} همه اوامر تو راست است. بر من ناحق جفا کردند، پس مرا امداد فرما. ^{۸۷} نزدیک بود مرا از روی زمین نابود کنند، اما من وصایای تو را ترک نکردم. ^{۸۸} بر حسب رحمت خود مرا زنده ساز تا شهادت دهان تو را نگاه دارم.

^{۸۹} ای خداوند کلام تو تا ابدالآباد در آسمانها پایدار است. ^{۹۰} وفاداری تو نسل اندر نسل است، زمین را که آفریده ای پابرجا می ماند. ^{۹۱} برای داوری های تو تا امروز ایستاده اند زیرا که همه در

خدمت تو هستند. ^{۹۲} اگر لذت و خوشی من در احکام تو نمی‌بود، به یقین که در خواری و ذلت خویش نابود می‌شدم. ^{۹۳} وصایای تو را تا ابد فراموش نمی‌کنم زیرا به آن‌ها مرا زنده ساخته‌ای. ^{۹۴} من از آن تو هستم؛ مرا نجات ده، زیرا که وصایای تو را می‌طلبم. ^{۹۵} شیرین برای من انتظار کشیدند تا مرا نابود کنند، ولی من به شهادت تو تفکر می‌کنم. ^{۹۶} برای هر کمالی انتهایی دیدم، لیکن حکم تو بی‌نهایت وسیع است.

^{۹۷} احکام تو را چقدر دوست می‌دارم؛ تمامی روز تفکر من است. ^{۹۸} اوامر تو مرا حکیمتر از دشمنانم می‌سازد، زیرا که همیشه نزد من می‌باشد. ^{۹۹} فهم‌تر از همهٔ معلمانم شدم، زیرا که شهادت تو تفکر من است. ^{۱۰۰} عاقلتر از بزرگان قوم شدم، زیرا که وصایای تو را نگاه می‌دارم. ^{۱۰۱} پاهای خود را از هر راه بد دور نگاه میدارم، تا اینکه کلام تو را بجا آورم. ^{۱۰۲} از داوری‌های تو رو بر نمی‌گردانم، چونکه تو آن‌ها را به من آموختی. ^{۱۰۳} کلام تو برای من گوارا و شیرینتر از عسل است. ^{۱۰۴} وصایای تو به من دانایی می‌آموزد. بنابراین از هر راه دروغ نفرت دارم.

^{۱۰۵} کلام تو برای پاهای من چراغ و برای راههای من نور است. ^{۱۰۶} قول داده‌ام و به آن وفا می‌کنم که از اوامر تو پیروی نموده و داوری‌های عدالت تو را نگاه دارم. ^{۱۰۷} بسیار رنج دیده‌ام. ای خداوند، موافق کلام خود مرا زنده ساز! ^{۱۰۸} ای خداوند، عرض شکران و دعای مرا بپذیر و داوری‌های خود را به من بیاموز. ^{۱۰۹} جان من همیشه در خطر است، اما احکام تو را از یاد نمی‌برم. ^{۱۱۰} شیرین برای من دام گسترده‌اند، اما از وصایای تو گمراه نمی‌شوم. ^{۱۱۱} شهادت تو برای من میراث ابدی و مایهٔ خوشی دل من است. ^{۱۱۲} دل خود را برای بجا آوردن فرایض تو مایل ساختم، تا به ابد و تا آخر.

^{۱۱۳} از مردمان دو رو بیزارم، لیکن احکام تو را دوست دارم. ^{۱۱۴} تو پناهگاه و سپر من هستی و به کلام تو امیدوار هستم. ^{۱۱۵} ای بدکاران از من دور شوید! من اوامر خدای خویش را نگاه می‌دارم. ^{۱۱۶} مرا بر حسب کلام خود تأیید کن تا زنده شوم و از امید خود خجل نگردم. ^{۱۱۷} مرا تقویت کن تا رستگار گردم و بر فرایض تو دائماً نظر نمایم. ^{۱۱۸} همهٔ کسانی را که از فرایض تو

دور شده‌اند، از حضور خود می‌رانی و فریب آن‌ها را باطل می‌گردانی.^{۱۱۹} جمیع شیران را مثل تفاله دور می‌ریزی، بنابراین شهادت تو را دوست می‌دارم.^{۱۲۰} از ترس تو به خود می‌لرزم و از داوری‌هایت وحشت می‌کنم.

^{۱۲۱} راستی و عدالت را بجا آوردم. مرا به دست ظالمان مسپار.^{۱۲۲} برای سعادت بنده خود ضامن شو تا متکبران بر من ظلم نکنند.^{۱۲۳} چشمانم برای نجات تو تار شده است و برای کلام عدالت تو.^{۱۲۴} با بنده خویش موافق رحمت خود رفتار کن و احکام خود را به من بیاموز.^{۱۲۵} من بنده تو هستم، مرا فهیم گردان تا شهادت تو را بدانم.^{۱۲۶} وقت آن است که خداوند عمل کند زیرا که احکام تو را باطل نموده‌اند.^{۱۲۷} اوامر تو را بیشتر از طلا دوست می‌دارم، زیادتر از زر خالص.^{۱۲۸} همه وصایای تو را در هر مورد راست می‌دانم، و از همه راههای دروغ نفرت دارم.

^{۱۲۹} شهادت تو شگفت‌انگیز است. بنابراین، من آن‌ها را نگاه می‌دارم.^{۱۳۰} کشف کلام تو نور می‌بخشد و ساده‌دلان را فهیم می‌گرداند.^{۱۳۱} با اشتیاق زیاد و با هر نفس خود، خواهان وصایای تو هستم.^{۱۳۲} بر من نظر کن و کرم فرما، بر حسب عادت خویش به آنانی که نام تو را دوست می‌دارند.^{۱۳۳} قدم‌های مرا در کلام خود پایدار ساز، تا هیچ بدی بر من تسلط نیابد.^{۱۳۴} مرا از ظلم انسان خلاصی ده، تا وصایای تو را نگاه دارم.^{۱۳۵} روی خود را بر بنده خود روشن ساز و احکام خود را به من بیاموز.^{۱۳۶} سیل اشک از چشمانم جاری است، زیرا مردم از احکام تو پیروی نمی‌کنند.

^{۱۳۷} ای خداوند، تو عادل هستی و داوری‌های تو راست است.^{۱۳۸} شهادت خود را در عدالت و امانت قرار داده‌ای.^{۱۳۹} غیرت من مرا از بین می‌برد، زیرا دشمنانم کلام تو را فراموش کرده‌اند.^{۱۴۰} کلام تو بی‌نهایت مصفی است و بنده تو آنرا دوست دارد.^{۱۴۱} من کوچک و حقیر هستم، اما وصایای تو را از یاد نمی‌برم.^{۱۴۲} عدالت تو عدل است تا ابد و احکام تو راست است.^{۱۴۳} تنگی و ضیق مرا فراگرفته است، اما اوامر تو برای من لذت‌بخش است.^{۱۴۴} شهادت تو عادل است تا ابد. مرا خردمند گردان تا زنده شوم.

۱۴۵ به تمامی دل خوانده‌ام. ای خداوند مرا جواب ده تا احکام تو را نگاه دارم! ^{۱۴۶} تو را خوانده‌ام، پس مرا نجات ده و شهادت تو را نگاه می‌دارم. ^{۱۴۷} پیش از طلوع آفتاب عذر و زاری می‌کنم و به کلام تو امیدوار می‌باشم. ^{۱۴۸} تمام شب چشمان خود را بیدار نگه داشتم، تا در کلام تو تفکر نمایم. ^{۱۴۹} بر حسب رحمت خود آواز مرا بشنو. ای خداوند موافق داوری‌های خود مرا زنده ساز. ^{۱۵۰} آنانی که در پی شرارت می‌روند و دور از احکام تو هستند، به من نزدیک می‌شوند. ^{۱۵۱} اما تو ای خداوند نزدیک هستی و جمیع اوامر تو راست است. ^{۱۵۲} مدتها پیش، از شهادت تو دانسته‌ام که آن‌ها را تا به ابد برقرار نموده‌ای.

۱۵۳ بر ذلت و خواری من نظر کن و مرا خلاصی ده، زیرا احکام تو را فراموش نمی‌کنم. ^{۱۵۴} در دعوی من دادرسی فرما و مرا رهایی ده و بر حسب کلام خویش مرا زنده ساز. ^{۱۵۵} نجات از شیران دور است، زیرا که فرایض تو را نمی‌طلبند. ^{۱۵۶} ای خداوند، رحمت‌های تو بسیار است. بر حسب داوری‌های خود مرا زنده ساز. ^{۱۵۷} جفاکنندگان و دشمنان من بسیاراند، اما از شهادت تو رو بر نمی‌گردانم. ^{۱۵۸} خیانتکاران را دیدم و از آن‌ها متنفر شدم، زیرا کلام تو را نگاه نمی‌دارند. ^{۱۵۹} ببین که وصایای تو را دوست می‌دارم. ای خداوند، بر حسب رحمت خود مرا زنده ساز! ^{۱۶۰} تمام کلام تو بر حق و همه داوری‌های تو عادلانه و تا به ابد است.

۱۶۱ مردمان قدرتمند بی‌جهت بر من جفا کردند، اما دل من از کلام تو ترسان است. ^{۱۶۲} من در کلام تو شادمان هستم، مثل کسی که گنجی را یافته باشد. ^{۱۶۳} دروغ را زشت دانسته و از آن متنفرم، ولی احکام تو را دوست می‌دارم. ^{۱۶۴} روزانه هفت بار تو را ستایش می‌کنم، برای داوری‌های عادلانه تو. ^{۱۶۵} کسانی که احکام تو را دوست دارند، سلامتی بزرگی دارند و هیچ چیز باعث لغزش ایشان نخواهد شد. ^{۱۶۶} ای خداوند، منتظر نجات از جانب تو هستم و اوامر تو را بجا می‌آورم. ^{۱۶۷} جان من شهادت تو را نگاه داشته است و آن‌ها را بی‌نهایت دوست می‌دارم. ^{۱۶۸} وصایا و شهادت تو را نگاه داشته‌ام، زیرا که تمام طریق‌های من در مدنظر تو است.

۱۶۹ ای خداوند، فریاد من به حضور تو برسد. بر حسب کلام خود مرا فهیم گردان. ^{۱۷۰} مناجات

من به حضور تو برسد. بر حسب کلام خود مرا خلاصی ده.^{۱۷۱} لبهای من پیوسته تو را ستایش کند، زیرا فرایض خود را به من آموخته‌ای.^{۱۷۲} زبان من کلام تو را بسراید زیرا که تمام اوامر تو عدل است.^{۱۷۳} دست تو برای اعانت من برسد، زیرا که وصایای تو را برگزیده‌ام.^{۱۷۴} ای خداوند برای نجات تو مشتاق بوده‌ام و شریعت تو مایه خوشی من است.^{۱۷۵} جان من زنده شود تا تو را ستایش کنم و داوری‌های تو کمک کننده من باشد.^{۱۷۶} مثل گوسفند گمشده سرگردانم، بنده خود را دریاب، زیرا که اوامر تو را فراموش نمی‌کنم.

دعای رستگاری

۱۲۰ در هنگام سختی به حضور خداوند فریاد کردم و او دعایم را اجابت فرمود.^۲ ای خداوند، جان مرا از دست دروغگویان و حيله‌گران نجات ده.^۳ ای حيله‌گران، چه چیز به شما داده شود و چه در انتظار شماست؟^۴ تیرهای تیز جنگجویان با قوغهای آتشین.

^۵ وای بر من که در بین «مَاشِیک» (دروغگویان) مأواگزیده‌ام و در خیمه‌های «قیدار» (حيله‌گران) ساکن شده‌ام.^۶ چه طولانی شد سکونت جان من با مردمی که دشمن صلح و سلامتی می‌باشند.^۷ من خواهان صلح و سلامتی هستم، لیکن چون سخن می‌گویم، ایشان آماده جنگ می‌باشند.

خداوند حافظ ما است

۱۲۱ چشمان خود را بسوی کوهها دوخته‌ام، کمک من از کجا می‌آید؟^۲ کمک من از جانب خداوند است که آسمان و زمین را آفرید.^۳ او نمی‌گذارد که پای تو بلغزد. او که حافظ تو است، نخواهد خوابید.^۴ او که حافظ و نگهدار اسرائیل است، نمی‌خوابد و به خواب نمی‌رود.^۵ خداوند حافظ تو است. خداوند به دست راست سایه تو است.^۶ آفتاب در روز به تو آسیبی

نمی‌رساند و نه مهتاب در شب.^۷ خداوند تو را از هر بدی نگاه می‌دارد. او جان تو را حفظ می‌کند.^۸ خداوند خروج و دخولت را نگاه می‌دارد، از حال تا به ابد.

وصف اورشلیم

(سرودی از داود)

۱۲۲ ^۱ هنگامیکه به من می‌گفتند: «بیا که به خانه خداوند برویم.» بسیار خوشحال می‌شدم.^۲ حالا در اینجا در بین دروازه‌های تو ای اورشلیم، ایستاده‌ایم!^۳ ای اورشلیم تو مثل شهری که تماماً با هم پیوسته باشد بنا شده‌ای.^۴ قبایل در آنجا می‌آیند یعنی قبایل خداوند تا مطابق امر به اسرائیل، نام خداوند را ستایش کنند.^۵ زیرا که در آنجا تخت داوری برپا شده است، یعنی تخت خاندان داود.

^۶ برای سلامتی اورشلیم دعا کنید. خجسته باد آنانی که تو را دوست دارند.^۷ سلامتی در دربارهای تو باشد و آسایش در قصرهای تو.^۸ بخاطر برادران و دوستانم، می‌گویم که سلامتی بر تو باد.^۹ بخاطر خانه خداوند، خدای ما، سعادت تو را خواهانم.

درخواست رحمت

۱۲۳ ^۱ چشمان خود را بسوی تو که بر تخت خود در آسمان‌ها نشسته‌ای، برمی‌افرازم!^۲ اینک مثل چشمان غلامان بسوی آقایان خود، و مثل چشمان کنیزی بسوی خانم خانه خویش، همچنان چشمان ما بسوی خداوند، خدای ماست تا بر ما رحم فرماید.^۳ ای خداوند، بر ما رحم فرما، بر ما رحم کن زیرا که بسیار خوار و ذلیل شده‌ایم.^۴ از توهین کسانی که خود در راحتی و آسایش هستند و از تحقیر کردن مغروران جان ما به لب رسیده است.

خداوند مددگار ماست

(سرودی از داود)

۱۲۴ اگر خداوند با ما نمی بود، حال اسرائیل بگوید: ^۲ «اگر خداوند با ما نمی بود، وقتی که دشمنان با ما مقاومت نمودند، ^۳ آن ها همه ما را زنده می بلعیدند، چون خشم ایشان بر ما افروخته بود. ^۴ آنگاه آنها ما را غرق می کرد و گردابها جان ما را می پوشاند. ^۵ آنگاه آب های خروشان از جان ما می گذشت.»

^۶ متبارک باد خداوند که نگذاشت ما شکار دندانهای آنها شویم. ^۷ جان ما مثل پرنده از دام صیاد آزاد گردید. دام شکست و ما نجات یافتیم. ^۸ کمک ما به نام خداوند است که آسمان و زمین را آفرید.

امنیت قوم برگزیده خدا

۱۲۵ آنانی که به خداوند توکل دارند، مثل کوه سهیون هستند که هیچگاهی نمی لرزد و پایدار است تا به ابد. ^۲ کوهها گرداگرد اورشلیم است؛ و خداوند گرداگرد قوم برگزیده خود از حال تا به ابد. ^۳ زیرا که زمین عادلان همیشه تحت قدرت شیران نخواهد ماند، مبادا عادلان دست خود را به گناه آلوده کنند. ^۴ ای خداوند به صالحان و به آنانی که راست دل می باشند، احسان فرما. ^۵ اما آنانی که به راههای کج خود مایل می باشند، خداوند ایشان را با بدکاران یکجا جزا می دهد. صلح و سلامتی بر اسرائیل باد.

دعا برای رهایی

۱۲۶ هنگامیکه خداوند اسیران سهیون را باز آورد، فکر کردیم که خواب می بینیم. ^۲ آنگاه

دهان ما از خنده پُر شد و زبان ما از ترنم. اقوام دیگر دربارهٔ ما می‌گفتند: «خداوند برای شان کارهای عظیمی انجام داده است.»^۳ خداوند برای ما کارهای عظیم کرده است که از آنها شادمان هستیم.

^۴ ای خداوند آنچه را از دست داده‌ایم به ما بازگردان، همانطوری که آب را به دریای خشک شدهٔ بیابان برمی‌گردانی.^۵ آنانی که با اشکها می‌کارند، با خوشی و مسرت درو می‌کنند.^۶ آنکه با گریه بیرون می‌رود و دانه برای کشت می‌برد، یقیناً با ترنم برمی‌گردد و خوشه‌های خود را می‌آورد.

اعتماد بر خدا

(سرودی از سلیمان)

۱۲۷ اگر خداوند خانه را آباد نکند، زحمت معماران بیهوده است. اگر خداوند شهر را محافظت نکند، مراقبت پاسبانان بی‌فایده است.^۲ بی‌فایده است که شما صبح زود برمی‌خیزید و شب دیر می‌خوابید و نان مشقت را می‌خورید. زیرا هنگامیکه عزیزان خداوند در خواب‌اند، او برای ایشان تدارک می‌بیند.

^۳ فرزندان هدایای هستند از جانب خداوند. ثمرهٔ رَحِم، برکت اوست.^۴ پسرانی که برای مرد جوان متولد می‌شوند، مثل تیرهای در دست مرد زورآور هستند.^۵ خوشا به حال کسی که از آن تیرها زیاد داشته باشد. آن شخص هنگام مقابله با دشمن مغلوب و شرمنده نمی‌شود.

پاداش اطاعت از خداوند

۱۲۸ خوشا به حال کسی که از خداوند می‌ترسد و رهرو طریق‌های او می‌باشد.^۲ حاصل دسترنج تو احتیاجات ترا فراهم می‌نماید و تو سعادت‌مند و کامران می‌باشی.^۳ همسرت مثل تاکِ

پُرثمر در خانه‌ات بوده و فرزندان‌ت مانند نهال‌های زیتون بدور سفره‌ات می‌باشند.^۴ کسی که از خداوند می‌ترسد، اینچنین مبارک می‌باشد.^۵ خداوند ترا از سهیون برکت دهد. باشد که در تمام ایام عمرت سعادت اورشلیم را ببینی.^۶ بلی، پسرانِ پسرانت را خواهی دید. صلح و سلامتی بر اسرائیل باد!

رهایی از دشمنان

۱۲۹ چه بسیار از طفولیت‌م مرا اذیت رسانیدند. حال اسرائیل بگوید:^۲ «چه بسیار از طفولیت‌م مرا اذیت رسانیدند. لیکن بر من غالب نیامدند.^۳ قلبه‌کنندگان بر پشت من قلبه کردند و زخم‌های عمیق به آن گذاشتند.^۴ اما خداوند عادل است و مرا از بندهای شیران رهایی داد.»

^۵ کسانی که از سهیون نفرت دارند رسوا و مغلوب شوند.^۶ مثل گیاهی باشند که روی بامها می‌روید؛ که پیش از آنکه آنرا بچینند، خشک می‌گردد.^۷ هیچ درونده‌ای دست خود را از آن پُر نمی‌تواند کرد و نه خوشه‌چین آغوش خود را.^۸ هیچ کسی به او نگوید: «خداوند به تو برکت بدهد و ما هم بنام خداوند به تو برکت می‌دهیم!»

درخواست آمرزش

۱۳۰ ای خداوند از عمق‌ها نزد تو فریاد بر می‌آورم.^۲ ای خداوند! آواز مرا بشنو و گوشه‌های تو به آواز عذر و زاری من متوجه شود.^۳ ای خداوند، اگر گناهان را به نظر آوری، کیست که به حضور تو ای خداوند تواند ایستاد؟^۴ لیکن آمرزش نزد توست تا از تو بترسند.

^۵ منتظر خداوند هستم. جان من منتظر است و به کلام او امیدوارم.^۶ جان من منتظر خداوند است، زیاده از منتظران صبح، بلی زیاده از منتظران صبح.^۷ اسرائیل برای خداوند امیدوار باشد زیرا که رحمت نزد خداوند است و نزد اوست نجات فراوان.^۸ او اسرائیل را از تمام گناهان وی

دعای شخص فروتن

(مزموری از داود)

۱۳۱ ای خداوند، دل من متکبر نیست و نه چشمانم برافراشته و خویشتن را به کارهای بزرگ مشغول نمی سازم و نه به کارهای که از عقل من دور است.^۲ بلکه جان خود را آرام و خاموش ساختم، مثل کودکی که پس از شیر خوردن در آغوش مادر خود آرمیده است، آسوده و آرام هستم.^۳ ای اسرائیل، بر خداوند امیدوار باش، از حال تا به ابد.

در ستایش خانه خدا

۱۳۲ ای خداوند، سختی ها و خواری های را که داود متحمل شد بیاد آور. ^۲ چگونه برای خداوند قسم خورد و به خدای یعقوب وعده نمود ^۳ که به خانه خود داخل نمی شوم و در بستر خود آرام نمی گیرم، ^۴ خواب به چشمان خود نخواهم داد و نه پینکی را به مژگان خویش، ^۵ تا مکانی برای خداوند پیدا کنم و مسکنی برای خدای یعقوب. ^۶ اینک ذکر آنرا در افراشته شنیدیم و آن را در صحرای یعاریم یافتیم. ^۷ به مسکن های او داخل شویم و نزد قدمگاه وی پرستش کنیم. ^۸ ای خداوند به عبادتگاه خود بیا، تو و صندوق پیمان، که مظهر قدرت توست. ^۹ کاهنانت به عدالت ملبس شوند و مقدسانت خوشی نمایند.

^{۱۰} به خاطر بنده خود داود، روی خود را از مسح شده خود برمگردان. ^{۱۱} خداوند برای داود به راستی وعده کرد و از آن برنخواهدگشت که «از نسل تو بر تخت تو خواهم گذاشت ^{۱۲} و اگر پسران تو عهد مرا و شهاداتی را که به ایشان می آموزم نگاه دارند، آنگاه پسران ایشان نیز بر

تخت تو برای همیشه خواهند نشست.»

^{۱۳} خداوند سهیون را برگزیده و آنرا برای سکونت خویش شایسته دانست. او فرمود: ^{۱۴} «اینست عبادتگاه من تا ابدالآباد. اینجا ساکن می‌باشم و اینچنین اراده نموده‌ام. ^{۱۵} آذوقهٔ آن را برکت می‌دهم و فقیرانش را به نان سیر می‌کنم، ^{۱۶} و کاهنانش را به نجات ملبس می‌سازم و مقدسانش با خوشی سرود می‌خوانند. ^{۱۷} در آنجا شاخ افتخار داود را می‌رویانم و چراغی برای مسح شدهٔ خود آماده می‌کنم. ^{۱۸} دشمنان او را به خجالت ملبس می‌سازم و تاج داود بر سر او درخشان باقی می‌ماند.»

اتحاد برادرانه

(سرودی از داود)

۱۳۳ ^۱ اینک چه خوش و چه دلپسند است که برادران به یکدلی باهم ساکن می‌شوند. ^۲ مثل روغنِ نیکو بر سر است که به ریش فرود می‌آید، یعنی به ریش هارون که به دامن ردایش می‌ریزد. ^۳ اتفاق و یکدلی مانند شب‌نم حرمون است که بر کوه‌های سهیون فرود می‌آید. زیرا که در آنجا خداوند برکت خود را فرموده است یعنی حیات را تا به ابد.

دعوت به پرستش خداوند

۱۳۴ ^۱ بیایید خداوند را متبارک خوانید، ای جمیع بندگان خداوند که شبانگاه در خانهٔ خداوند می‌ایستید! ^۲ دستهای خود را به قدس برافرازید، و خداوند را متبارک خوانید. ^۳ خداوند که خالق آسمان و زمین است، ترا از سهیون برکت می‌دهد.

۱۳۵ ^۱ هَلَلویاه، سپاس به خداوند، نام خداوند را ستایش کنید! ای بندگانِ خداوند، او را ستایش کنید، ^۲ ای شما که در خانهٔ خداوند و در صحن‌های خانهٔ خدای ما می‌ایستید. ^۳ خداوند را شکر کنید، زیرا او نیکوست! نام او را ستایش کنید، زیرا که دلپسند است. ^۴ زیرا که خداوند یعقوب را برای خود برگزید و اسرائیل را به جهتِ ملکِ خاصِ خویش.

^۵ می‌دانم که خداوند بزرگ است و خداوند ما برتر از همه خدایان است. ^۶ هرآنچه خداوند خواست آنرا کرد، در آسمان و زمین و در بحر و در همهٔ عمق‌ها. ^۷ ابرها را از دورترین نقاط روی زمین جمع می‌کند، رعد و برق را برای باران می‌سازد و باد و طوفان را از مخزنهای خویش بیرون می‌آورد.

^۸ نخست‌زادگان مصر را کشت، هم از انسان و هم از حیوانات. ^۹ در وسط تو ای مصر، معجزات و کارهای شگفت‌انگیز را بر ضد فرعون و جمیع بندگان وی فرستاد. ^{۱۰} اقوام بسیار را زد و پادشاهان مقتدر را نابود کرد ^{۱۱} که در آن جمله سیحون پادشاه اموریان، عوج پادشاه باشان و همه پادشاهان ممالک کنعان شامل بودند. ^{۱۲} بعد کشورهای شان را به قوم برگزیدهٔ خود، یعنی اسرائیل بخشید.

^{۱۳} ای خداوند، نام تو تا به ابد باقی است و یاد تو نسل اندر نسل. ^{۱۴} زیرا خداوند قوم برگزیدهٔ خود را داوری نموده و بر بندگان خویش شفقت خواهد فرمود.

^{۱۵} بتهای اقوام دیگر از طلا و نقره می‌باشند و ساختهٔ دست بشر هستند. ^{۱۶} دهان دارند، اما سخن نمی‌گویند. چشم دارند، ولی نمی‌بینند. ^{۱۷} گوش دارند، اما نمی‌شنوند و در دهان شان هیچ نفس نیست. ^{۱۸} کسانی که این بتها را می‌سازند و همچنان اشخاصی که به آنها توکل می‌کنند، مثل بتهای شان بی‌شعور هستند.

^{۱۹} ای خاندان اسرائیل، خداوند را متبارک خوانید. ای خاندان هارون، خداوند را ستایش کنید.
^{۲۰} ای خاندان لاوی، خداوند را متبارک خوانید. ای ترسندگان خداوند، خداوند را ستایش کنید.
^{۲۱} خداوند از سهیون متبارک باد، که در اورشلیم ساکن است.

هَلَلِوِیَاه، سپاس به خداوند.

سرود شکرگزاری

۱۳۶^۱ خداوند را سپاس گوئید،

زیرا که نیکوست و رحمت او تا به ابد است.

^۲ خدای خدایان را سپاس گوئید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۳ خداوند خداوندان را سپاس گوئید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۴ او را که تنها معجزات عظیم می‌کند،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^۵ او را که آسمان‌ها را به حکمت آفرید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۶ او را که زمین را بر آبها گسترانید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۷ او را که اجسام نورانی بزرگ آفرید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۸ آفتاب را برای سلطنت روز،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۹ مهتاب و ستارگان را برای سلطنت شب،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۱۰ که مصر را زد و نخست زادگان او را کشت،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۱۱ او اسرائیل را از مصر بیرون آورد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۱۲ با دست قوی و بازوی دراز،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

۱۳ او را که بحیرهٔ احمر را دو قسمت کرد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۴} و اسرائیل را از میان آن گذرانید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۵} اما فرعون و لشکر او را در بحیرهٔ احمر غرق کرد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۶} او را که قوم برگزیدهٔ خود را در بیابان راهنمائی نمود،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۷} او را که پادشاهان بزرگ را زد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۸} و پادشاهان نامور را کشت،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۱۹} سیحون پادشاه اموریان را،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۰} عوج پادشاه باشان را،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۱} و زمین شان را به ارثیت داد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۲} یعنی به ارثیت بنده خویش اسرائیل،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۳} ما را در خواری و ذلت ما به یاد آورد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۴} و ما را از دشمنان ما رهایی داد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۵} که همه بشر را روزی می دهد،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

^{۲۶} خدای آسمانها را سپاس گوئید،

زیرا که رحمت او تا به ابد است.

سوگنامه تبعیدشدگان

^{۱۳۷} در کنار نهرهای بابل نشستیم و در آنجا گریه کردیم، چون سهیون را به یاد آوردیم.
^۲ چنگ و رباب خود را بر شاخه های درختان بید آویختیم.^۳ زیرا کسانی که ما را به اسارت برده

بودند، در آنجا از ما سرود خواستند و آنانی که ما را تاراج کرده بودند، شادمانی خواستند. زیرا می‌گفتند: «یکی از سرودهای سهیون را برای ما بخوانید.»^۴ چگونه سرود خداوند را در زمین بیگانه بخوانیم؟^۵ اگر ترا ای اورشلیم فراموش کنم، آنگاه دست راست من از کار بیفتد.^۶ اگر ترا ای اورشلیم به یاد نیاورم و اگر تو را بر تمام خوشی‌ها ترجیح ندهم، آنگاه زبانم به کامم بچسپد.

^۷ ای خداوند، گفتار ادومیان را در روز مصیبت اورشلیم بیاد آور که گفتند: «منهدم سازید، تا بنیادش منهدم سازید!»^۸ ای بابل که تو ویران خواهی شد، خوشا به حال کسی که به تو جزا دهد چنانکه تو به ما جزا دادی!^۹ خوشا به حال کسی که اطفال تو را بگیرد و ایشان را به صخره‌ها بزند.

دعای شکرگزاری

(مزموری از داود)

۱۳۸^۱ تو را به تمامی دل خود ستایش می‌کنم. به حضور خدایان تو را ستایش می‌کنم.^۲ به سوی خانهٔ مقدس تو عبادت کرده و نام تو را ستایش می‌کنم، به سبب رحمت و راستی تو. زیرا کلام و اسم خود را برتر از همه چیز جلال داده ای.^۳ هنگامیکه به حضور تو دعا کردم، مرا اجابت فرمودی و مرا با بخشیدن قوت در جانم شجاع ساختی.

^۴ ای خداوند، همهٔ پادشاهان جهان تو را ستایش خواهند کرد، چون کلام دهان تو را بشنوند.^۵ و طریق‌های خداوند را خواهند سرائید، زیرا که جلال خداوند عظیم است.^۶ خداوند متعال است، لیکن بر فروتنان نظر می‌کند و اما اشخاص متکبر را از دور می‌شناسد.^۷ اگر چه در میان سختی و مشکلات راه روم، مرا زنده نگاه خواهی داشت. دست خود را بر خشم دشمنانم دراز می‌کنی و دست راست مرا نجات خواهد داد.^۸ خداوند کار مرا به کمال خواهد رسانید. ای خداوند،

رحمت تو تا به ابد است. کارهای دست خویش را ترک منما.

خداوند، تو مرا می‌شناسی

(مزموری از داود)

۱۳۹ ای خداوند، تو مرا آزموده‌ای و می‌شناسی.^۲ تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای.^۳ راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همهٔ طریق‌های مرا می‌دانی.^۴ زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جزء اینکه تو ای خداوند آنرا تماماً دانسته‌ای.^۵ از هر طرف مرا احاطه کرده‌ای و با قدرت خود حفظ می‌کنی.^۶ اینگونه معرفت برایم بسیار عجیب است و بلندتر از توان درک من.

۷ از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟^۸ اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در دنیای مُردگان بستر بگسترانم اینک تو آنجا هستی!^۹ اگر بسوی طلوع آفتاب پرواز کنم و یا اگر در غرب‌ترین نقطهٔ بحر ساکن شوم،^{۱۰} در آنجا نیز دست تو مرا رهبری نموده و دست راست تو مرا خواهد گرفت.^{۱۱} اگر بگویم: «تاریکی مرا بپوشاند و روشنایی گرداگرد من شب شود.»^{۱۲} باز هم تاریکی نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن و تاریکی مانند روشنایی است.^{۱۳} زیرا که تو آفریدگار دل و وجود من هستی؛ مرا در رَحِمِ مادرم نقش بستی.^{۱۴} تو را می‌ستایم زیرا که بطور مهیب و عجیب ساخته شده‌ام. کارهای تو شگفت‌انگیز است و جان من این را خوب می‌داند.^{۱۵} استخوانهایم از تو پنهان نبود وقتی که در نهان ساخته می‌شدم و در آغوش زمین نقشبندی می‌گشتم.^{۱۶} چشمان تو جنین مرا دیده است و پیش از آنکه روزهای زندگی من آغاز شود، تو همهٔ آن‌ها را در کتاب خود ثبت کرده بودی.

۱۷ ای خدا، فکرهای تو نزد من چقدر گرامی است و همگی آن‌ها چه عظیم است!^{۱۸} اگر آن‌ها را بشمارم، از ریگ زیاده است. وقتی که بیدار می‌شوم هنوز نزد تو حاضر هستم.

۱۹ یقیناً ای خدا شیران را خواهی کشت، پس ای مردمان خونریز از من دور شوید. ^{۲۰} آن‌ها درباره تو حرفهای پلید می‌زنند و دشمنانت نام تو را بیهوده بر زبان می‌آورند. ^{۲۱} ای خداوند آیا نفرت نمی‌دارم از آنانی که تو را نفرت می‌دارند، و آیا مخالفان تو را ناپسند نمی‌شمارم؟ ^{۲۲} ایشان را به نفرت تام نفرت می‌دارم. ایشان را دشمنان خویشتن می‌شمارم.

۲۳ ای خدا، مرا امتحان کن و دل مرا بشناس. مرا بیازما و فکرهای مرا بدان، ^{۲۴} و ببین که آیا در من راه فساد است! و مرا به طریق جاودانی هدایت فرما.

دعا برای محافظت

(مزموری از داود)

۱۴۰ ای خداوند، مرا از شیران رهایی ده و از ظالمان محافظت فرما! ^۲ که در دل‌های خود در شرارت تفکر می‌کنند و تمامی روز برای جنگ جمع می‌شوند. ^۳ زبان شان چون نیش مار تیز و سخنان آن‌ها مثل زهر کشنده است. ^۴ ای خداوند، مرا از دست شیران نگهدار، از ظالمان مرا محافظت فرما که نقشه می‌کشند تا پاهای مرا بلغزانند. ^۵ مردم متکبر برای من تله و ریسمانها پنهان کرده و در سر راهم دام گسترده و برای گرفتاری من طناب‌ها گذاشته‌اند.

۶ به خداوند گفتم: «تو خدای من هستی. ای خداوند، آواز عذر و زاری مرا بشنو!» ^۷ ای خداوند متعال که قوت نجات من هستی، تو سر مرا در روز جنگ می‌پوشانی. ^۸ ای خداوند، بگذار که مردم شریر به مراد خود برسند و نقشه‌های پلید خود را عملی کنند، مبادا سرافراشته شوند. ^۹ بگذار که سر دشمنانم با شرارت لب‌های خود شان پوشانیده شود. ^{۱۰} بگذار که قوغهای آتش بر سر ایشان بریزد و در آتش انداخته شوند و در جای عمیقی بیفتند که دیگر از آن نتوانند برخیزند. ^{۱۱} مردم بدگو در زمین پایدار نخواهد ماند. مرد ظالم را شرارت صید خواهد کرد تا او را هلاک کند.

^{۱۲} می دانم که خداوند فقیران را دادرسی می کند و مسکینان را داوری می نماید. ^{۱۳} عادلان نام تو را سپاس می گویند و راستکاران به حضور تو ساکن می شوند.

دعای شامگاهان

(مزموری از داود)

۱۴۱ ای خداوند، به حضور تو دعا می کنم، نزد من بشتاب. هنگامیکه تو را بخوانم آواز مرا بشنو! ^۲ دعای من به حضور تو مثل دودِ خوشبوی بخور آراسته شود و برافراشتن دستهایم، مثل قربانی شامگاهی.

^۳ ای خداوند، بر دهان من نگهبانی فرما، تا سخن بد از لبهایم خارج نگردد. ^۴ مگذار دلم به اعمال بد مایل گردد، تا مرتکب اعمال زشت با مردان بدکار نشوم و از چیزهای لذیذ ایشان نخورم. ^۵ شخص عادل مرا تنبیه کند و آن لطف خواهد بود، مرا تأدیب نماید که مثل روغن برای سر خواهد بود و سر من آن را رد نخواهد کرد. اما بر ضد اعمال بدکاران پیوسته دعا خواهم نمود. ^۶ وقتی داوران ایشان از سر صخره ها انداخته شوند، آنگاه بدکاران سخنان مرا خواهند شنید و به درستی آن پی خواهند برد. ^۷ مثل زمینی که قلبه و شیار می گردد، استخوانها به هر طرف پراکنده می شوند.

^۸ زیرا که ای خداوند، خدای متعال، چشمان من بسوی توست و بر تو توکل دارم، پس جان مرا تلف منما! ^۹ مرا از دامی که برای من گسترده اند حفظ کن و مرا از طناب های گناهکاران نگاه دار. ^{۱۰} شیریان به دامهای خود بیفتند و من به سلامتی بگذرم.

(قصیده‌ای از داود و دعا وقتیکه در مغاره بود)

۱۴۲^۱ به آواز خود نزد خداوند فریاد برمی‌آورم و با صدای بلند در حضور خداوند عذر و زاری می‌کنم.^۲ ناله خود را در حضور او خواهم ریخت و سختی و مشکلات خود را نزد او بیان خواهم کرد.^۳ وقتیکه روح من در من مدهوش می‌شود، فقط تو طریق مرا می‌دانی. در راهی که می‌روم دام برای من پنهان کرده‌اند.^۴ به طرف راست من بنگر و ببین که کسی نیست که همراه من باشد. پناهگاهی ندارم و کسی نیست که در فکر جان من باشد.

۵ نزد تو ای خداوند فریاد می‌کنم، زیرا تو یگانه پناهگاه و حصه من در زمین زندگان هستی.^۶ به ناله من توجه کن زیرا که بسیار خوار و ذلیل شده‌ام! مرا از دست جفاکنندگانم برهان، زیرا که از من قویتر هستند.^۷ جان مرا از زندان آزاد کن، تا نام تو را ستایش کنم. عادلان گرداگرد من خواهند آمد، زیرا که به من احسان نموده‌ای.

تضرع به حضور خدا

(مزموری از داود)

۱۴۳^۱ ای خداوند، دعای مرا بشنو و به عذر و زاری من گوش بده! در وفاداری و عدالت خویش مرا اجابت فرما!^۲ بنده خود را محاکمه مکن، زیرا زنده‌ای نیست که به حضور تو عادل شمرده شود.^۳ دشمن بر جان من جفا کرده، حیات مرا بر زمین کوبیده است و مرا در ظلمت ساکن گردانیده، مثل کسانی که سالها پیش مُرده باشند.^۴ پس روح من در من مدهوش شده و دلم در عمق وجودم ترسان و سرگردان گردیده است.^۵ ایام قدیم را بیاد می‌آورم. در همه اعمال تو تفکر نموده و در کارهای دست تو می‌اندیشم.^۶ دستهای خود را بسوی تو دراز می‌کنم. جان من

مثل زمین خشک، تشنه تو است.

^۷ ای خداوند، به زودی مرا اجابت فرما زیرا روح من ناتوان شده است. روی خود را از من مپوشان، مبادا بمیرم و به دیار مُردگان بروم. ^۸ صبحگاهان رحمت خود را بر من بشنوان زیرا که بر تو توکل دارم. راهی را که در آن باید بروم به من بیاموز، زیرا که نزد تو جان خود را برمی افرازم. ^۹ ای خداوند، مرا از دشمنانم برهان زیرا که به تو پناه برده‌ام. ^{۱۰} مرا تعلیم ده تا اراده تو را بجا آورم زیرا خدای من تو هستی. روح مهربان تو مرا در زمین هموار هدایت بنماید. ^{۱۱} به خاطر نام خود ای خداوند مرا زنده ساز و به خاطر عدالت خویش جان مرا از سختی نجات ده. ^{۱۲} به خاطر رحمت خود، دشمنانم را نابود کن و همه مخالفان جانم را هلاک کن، زیرا که من خادم تو هستم.

سپاسگزاری پادشاه

(مزموری از داود)

۱۴۴ ^۱ خداوند که صخره من است، متبارک باد. او دستهای مرا به جنگ و انگشتم را به پیکار تعلیم داد! ^۲ رحمت من اوست و پناهگاه من و قلعه بلند من و رهاننده من و سپر من و آنکه بر او توکل دارم. او قوم مرا در زیر اطاعت من می‌دارد.

^۳ ای خداوند، آدمی چیست که او را بشناسی؟ و پسر انسان که او را به حساب بیاوری؟ ^۴ انسان مثل نفسی است و روزهایش مثل سایه‌ای است که می‌گذرد.

^۵ ای خداوند، آسمان‌های خود را خم ساخته، فرود بیا. کوهها را لمس کن تا دود شوند. ^۶ رعد و تیرهای آتشین برق را بفرست و دشمنان را پراکنده و تار و مار گردان. ^۷ دست تو از آسمان مرا رهانیده و از آب‌های بسیار خلاصی دهد، یعنی از دست بیگانگان. ^۸ که دهان ایشان سخنان

بیهوده می‌گوید و دست راست ایشان، دست راست دروغ است.

^۹ ای خدا، تو را با سرود نو ستایش می‌کنم و با نوای رباب برای تو می‌سرایم. ^{۱۰} تو پادشاهان را نجات می‌بخشی و بنده ات، داود را از شمشیر کشنده می‌رهانی. ^{۱۱} مرا از دست بیگانگان برهان و خلاصی ده، که دهان ایشان سخنان بیهوده می‌گوید و دست راست ایشان، دست راست دروغ است. ^{۱۲} تا پسران ما در جوانی خود نمو کرده، مثل نهالان باشند و دختران ما چون ستون‌های تراشیده شده قصر پادشاهان. ^{۱۳} انبارهای ما پر از هرگونه محصولات شده و گله‌های ما هزارها و کرورها در صحراهای ما بزیایند. ^{۱۴} گاوهای ما باربردار شوند و رخنه در دیوار شهر ما نباشد و کسی به اسارت برده نشود و آه و ناله‌ای در کوچه‌های ما نباشد.

^{۱۵} خوشا به حال قومی که نصیب ایشان این است و خوشا به حال آن قوم که خداوند، خدای ایشان است.

سرود ستایش

(سرود ستایش از داود)

۱۴۵ ^۱ ای خدای من، ای پادشاه، تو را متعال می‌خوانم و نام تو را تا به ابد ستایش می‌کنم! ^۲ تمامی روز تو را مبارک می‌خوانم و نام تو را تا به ابد سپاس می‌گویم. ^۳ خداوند عظیم است و بی‌نهایت سزاوار ستایش و عظمت او را تفتیش نتوان کرد. ^۴ نسل اندر نسل اعمال تو را ستایش نموده و کارهای عظیم تو را بیان می‌کنند. ^۵ در شکوه و عظمت پُر جلال تو و در کارهای شگفت‌انگیز تو تفکر می‌کنم. ^۶ در قوت کارهای مهیب تو سخن می‌گویند و من عظمت تو را بیان می‌کنم. ^۷ یادگاری کثرت احسان تو را اعلام نموده و عدالت تو را با شادمانی می‌سرایند. ^۸ خداوند بخشنده و مهربان است، دیر غضب و بسیار رحیم. ^۹ خداوند برای همگان نیکوست و رحمت‌هایش بر همه مخلوقات وی است.

^{۱۰} ای خداوند، جمیع مخلوقات تو، تو را حمد گویند و مقدسان تو، تو را ستایش کنند.

^{۱۱} دربارهٔ جلال پادشاهی تو سخن گویند و قدرت تو را بیان کنند. ^{۱۲} تا کارهای عظیم تو را به

بنی آدم تعلیم دهند و شکوه و عظمت پادشاهی تو را. ^{۱۳} پادشاهی تو، ملکوتی است بی پایان و

سلطنت تو باقی تا تمام دورها. ^{۱۴} خداوند جمیع افتادگان را تقویت نموده و خم شدگان را

برمی خیزاند. ^{۱۵} چشمان همگان منتظر تو می باشد و تو روزی ایشان را در موسم می دهی.

^{۱۶} دست خود را باز می کنی و در رضامندی خویش همهٔ زندگان را سیر می نمائی.

^{۱۷} خداوند عادل است در جمیع طریق های خود و رحیم در تمامی اعمال خویش. ^{۱۸} خداوند

نزدیک است به کسانی که نزد او دعا می کنند، به آنانی که او را در راستی می خوانند. ^{۱۹} آرزوی

ترسندگان خود را بجا می آورد و عذر و زاری آن ها را شنیده، ایشان را نجات می دهد. ^{۲۰} خداوند

از همهٔ آنهایی که او را دوست دارند حمایت می کند، اما شیران را هلاک می سازد. ^{۲۱} دهان من

خداوند را سپاس می گوید و همهٔ مخلوقات نام مقدس او را تا به ابد ستایش کنند.

سعادت توکل به خدا

۱۴۶ ^۱ هَلِّلویاه، سپاس به خداوند!

ای جان من خداوند را ستایش کن! ^۲ تا زنده هستم، خداوند را حمد خواهم گفت و تا وقتی که

وجود دارم برای خدای خود خواهم سرائید. ^۳ بر رؤسا توکل مکنید و نه بر آدم فانی که نزد او

اعانتی نیست. ^۴ روح او بیرون می رود و او به خاک خود برمی گردد و در همان روز فکرهاش

نابود می شود.

^۵ خوشا به حال کسی که خدای یعقوب مددگار اوست، که امید او بر خداوند، خدای وی

می باشد. ^۶ او آسمان و زمین را آفرید و بحر و آنچه را که در آنهاست؛ که راستی را تا به ابد نگاه

می دارد. ^۷ او مظلومان را دادرسی می کند و گرسنگان را نان می بخشد. خداوند اسیران را آزاد

می سازد.^۸ خداوند چشمان نابینایان را باز می کند و خم شدگان را برمی افرازد. خداوند عادلان را دوست می دارد.^۹ خداوند بیگانگان را محافظت می کند و از یتیمان و بیوه زنان نگهداری می نماید، لیکن طریق شیرین را کج می سازد.^{۱۰} خداوند تا به ابد سلطنت می کند و خدای تو ای سهیون، نسل اندر نسل.

هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

در ستایش خدای قادر مطلق

۱۴۷ ^۱ هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند، چه نیکوست که برای خدای خود سرود بسرائیم و چقدر دلپذیر که او را ستایش کنیم!^۲ خداوند اورشلیم را بنا می کند و پراگنده شدگان اسرائیل را جمع می نماید.^۳ شکسته دلان را شفا می دهد و زخم های ایشان را می بندد.^۴ خداوند شماره و تعداد ستارگان را می داند و هر کدام آن ها را به نام می شناسد.^۵ خداوند ما بزرگ است و قوّت او عظیم و حکمت وی بی نهایت.^۶ خداوند مسکینان را برمی افرازد و شیرین را به زمین می اندازد.

^۷ خداوند را با سرود سپاسگزاری بپرستید، و با نوای رباب برای خدای ما نغمه بنوازید.^۸ او آسمان ها را با ابرها می پوشاند، باران را برای زمین مهیا می نماید و گیاه را بر کوهها می رویاند.^۹ او حیوانات را آذوقه می دهد و زاغچه ها را وقتی روزی می خواهند، تغذیه می کند.^{۱۰} در قوّت اسپ رغبت ندارد و از نیروی پای انسان راضی نمی باشد.^{۱۱} رضامندی خداوند از ترسندگان وی است و از آنانی که به رحمت وی امیدوارند.

^{۱۲} ای اورشلیم، خداوند را شکر کن. ای سهیون، خدای خود را ستایش کن.^{۱۳} زیرا که پشت بندهای دروازه های مستحکم کرده و ساکنین ترا برکت می دهد.^{۱۴} به سرحدات تو صلح می آورد و تو را از بهترین گندم سیر می کند.^{۱۵} فرمان خود را به زمین می فرستد و کلام او با سرعت پخش می گردد.^{۱۶} زمین را با لحاف برف می پوشاند و باران یخ را مانند گرد می پاشد.

^{۱۷} ژاله را مثل سنگریزه می فرستد و کیست که طاقت سرمای آن را داشته باشد؟ ^{۱۸} کلام خود را می فرستند و به امر او یخها آب می شوند، باد می وزد و آب به جریان می آید. ^{۱۹} کلام خود را به یعقوب بیان کرده و احکام و داوری های خود را به اسرائیل. ^{۲۰} با هیچ قوم دیگری چنین نکرده است و داوری های او را نمی دانند.

هَلَلِوِیَاه، سپاس به خداوند!

دعوت به پرستش

۱۴۸ ^۱ هَلَلِوِیَاه، سپاس به خداوند!

خداوند را از آسمان ستایش کنید! در جایگاه آسمانی او را ستایش کنید! ^۲ ای همه فرشتگان او را ستایش کنید. ای همه لشکرهای او، او را ستایش کنید. ^۳ ای آفتاب و مهتاب، او را ستایش کنید. ای همه ستارگان نور، او را ستایش کنید. ^۴ ای فلک الافلاک، او را ستایش کنید، و ای آب هایی که فوق آسمان هائید. ^۵ نام خداوند را ستایش کنید، زیرا به امر او همه چیز آفریده شد. ^۶ و آن ها را پایدار نمود تا ابدالآباد و قانونی قرار داد که بیجا نشوند.

^۷ خداوند را از زمین ستایش کنید. ای نهنگان و تمام اعماق بحر او را ستایش کنید. ^۸ ای آتش و ژاله، برف و غبار و باد و طوفان که فرمان او را بجا می آورید. ^۹ ای کوهها و تپهها، درختان میوه دار و سروهای آزاد، ^{۱۰} ای حیوانات وحشی و اهلی، خزندگان و پرندگان. ^{۱۱} ای پادشاهان زمین و جمیع امت ها و سروران و همه داوران جهان. ^{۱۲} ای جوانان و دوشیزگان، پیران و کودکان. ^{۱۳} نام خداوند را ستایش کنید، زیرا تنها نام او متعال است و جلال و عظمت او بالاتر از زمین و آسمان. ^{۱۴} و او شاخ افتخار را برای قوم برگزیده خود برافراشته است، تا همه مقدسان او یعنی بنی اسرائیل که به او نزدیک می باشند، او را ستایش کنند.

هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

سرود پرستش

۱۴۹ ^۱ هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

برای خداوند سرود تازه بخوانید و ستایش او را در جماعت مقدسان! ^۲ اسرائیل در آفریننده خود خوشی نماید و پسران سهیون در پادشاه خویش وجد نمایند. ^۳ نام او را با رقص ستایش نموده و با نوای چنگ و رباب او را پرستش کنند.

^۴ زیرا خداوند از قوم برگزیده خود رضامندی دارد. مسکینان را به نجات سرافراز می‌سازد. ^۵ مقدسان از جلال او خوشی کنند و در بسترهای خود با شادمانی سرود بخوانند. ^۶ ستایش خدا به آواز بلند در دهان شان باشد و شمشیر دو دمه در دست ایشان. ^۷ تا از امت‌ها انتقام بکشند و تأدیب‌ها بر طوایف نمایند. ^۸ پادشاهان آن‌ها را با زنجیر ببندند و پایهای سروران شان را زولانه کنند. ^۹ و داوری را که مکتوب است بر ایشان اجراء دارند. این بزرگی است برای همه مقدسان او.

هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

خداوند را ستایش کنید

۱۵۰ ^۱ هَلَلِوِیاه، سپاس به خداوند!

خدا را در قدس او ستایش کنید. در فلکِ قوّتِ او، او را ستایش کنید! ^۲ او را به سبب کارهای عظیم او ستایش کنید. او را بر حسب کثرت عظمتش ستایش کنید. ^۳ او را به آواز شیپور ستایش

کنید و با چنگ و رباب او را ستایش کنید. ^۴ با دایره و رقص او را ستایش کنید. با نی و دوتار او را ستایش کنید. ^۵ با چنگ‌های بلند آواز او را ستایش کنید. با چنگ‌های خوش صدا او را ستایش کنید. ^۶ هر که روح دارد خداوند را ستایش کند.

هَلَلِوِیَاه، سپاس به خداوند.